

بـرنامـه
اساسنامه‌ی

حزب حیات آزاد کوردستان
PJAK

PARTÎ JIYANÎ AZADÎ KURDISTAN

مصوب کنگره‌ی چهارم
۲۰۱۴ – ۱۳۹۳

بـرنامـه
اساسنامه‌ی

حزب حیات آزاد کوردستان

PJAK

PARTÎ JIYANÎ AZADÎ KURDISTAN

مصوب کنگره‌ی چهارم

۲۰۱۴ - ۱۳۹۳

فهرست

پیشگفتار.....	۷
بخش اول – چارچوب مفهومی.....	۱۰
بخش دوم – چارچوب نظری	۱۹
بخش سوم – چارچوب اصولی	۲۵
بخش چهارم – هویت ملی کوردها و نقش شکل‌گیری مسئله‌ی کورد در ایران.....	۳۳
بخش پنجم – دولت- ملت ایران و نقش آن در خاورمیانه	۳۹
بخش ششم – مسائل مربوط به دموکراتیزاسیون در ایران	۴۶
بخش هفتم – پژاک و رهیافت ملت دموکراتیک	۵۰

اساسنامه‌ی حزب

بخش اول – اصول کلی	۶۳
بخش دوم – عضویت	۶۵
بخش سوم – ساختار حزب	۶۸



انتشارات مرکز مطبوعات پژاک

برنامه‌ی اساسنامه‌ی حزب حیات آزاد کوردستان

PJAK

PARTÎYA JIYANA AZADÎ KURDISTAN

مصوب کنگره‌ی چهارم

۱۳۹۳ – ۲۰۱۴

نوبت چاپ / چهارم- فارسی، کوردی

سال انتشار / ۱۳۹۳- ۲۰۱۴

شمارگان / ۵۰۰۰ جلد

گرافیک و صفحه‌آرایی / بخش هنری مرکز مطبوعات پژاک

چاپ و نشر / انتشارات مرکز مطبوعات پژاک- چاپخانه‌ی گریلا

پیشگفتار

تحولات جهانی و به‌ویژه تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شده است. به‌طوری که رفته‌رفته در نتیجه‌ی این تحولات فرم سیاسی و اجتماعی نوین عصرمان شکل می‌گیرد. بحران ساختاری نظام سرمایه‌داری جهانی، به‌ویژه بن‌بست در مدل دولت-ملت و از سوی دیگر وارد عمل شدن نیروهای دموکراتیک با استراتژی‌ها و برنامه‌های جدیدشان، موجب فراهم‌آمدن امکانات چاره‌یابی نوینی در زمینه‌ی حل مسائل گردیده است.

ایران یکی از کشورهایایی است که با مسائل حاد سیاسی و اجتماعی رویاروست و نمی‌تواند از این تحولات (هم‌خطرات محتمل و هم‌امکانات برون‌رفت) مبرا بماند. در این بین، هم به دلیل خصلت و اهمیت مسئله‌ی کورد در ایران و هم تأثیرات ژرفی که این مسئله بر آینده‌ی خاورمیانه خواهد داشت، لزوم چاره‌یابی فوری آن روز به روز بیشتر احساس می‌گردد. با وجود تمام سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی دولت ایران و تلاش بی‌وقفه حاکمیت

این کشور جهت منحرف نمودن اذهان به سمت مسائل حاشیه‌ای داخلی، اهمیت چاره‌یابی مسئله‌ی کورد هر روز نمود بیشتری می‌یابد. دینامیسم اجتماعی کوردها در روند تحولات سیاسی و دموکراتیزاسیون ایران از فاکتورهای بنیادین و اغماض‌ناپذیر می‌باشد. همزمان با گسترش روزافزون آگاهی سیاسی و بینش دموکراتیک خلق کورد و اصرارش بر رهیافت‌های دموکراتیک، ناکارآمدی گزینه‌های دولت‌محور متکی بر رهیافت‌های خارجی، همچنین راهکارهای سنتی و انکارگرایانه به اثبات رسیده است. اینک کوردها با اتکا به نیروی ذاتی خویش، نقش پیشاهنگی را جهت رسیدن به استاتوی خودمدریتی دموکراتیک در ایران بر عهده گرفته‌اند. پیداست که ایران به عنوان یکی از حکومت‌های حاکم بر کوردستان، در صورت حل دموکراتیک مسئله‌ی کورد خواهد توانست قدم در راه ثبات‌گذارده و از بحران‌هایی که بطور روزانه با آن‌ها مواجه است گذار نماید.

حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک) با محوریت حل مسئله‌ی کورد و سایر خلق‌های ایران، مبارزه‌ی خویش را آغاز نموده و چاره‌یابی دموکراتیک را به‌عنوان راهکاری نتیجه‌بخش مبنا قرار داده است. پژاک که پارادایم یا سرمشق «جامعه‌ی اکولوژیک-دموکراتیک مبتنی بر آزادی زن» را شالوده‌ی برنامه‌ی خود قرار داده، رهیافت ملت دموکراتیک را به‌عنوان تنها چاره‌یابی بنیادین جهت گذار

خلق کورد و دیگر خلق‌های ایران از وضعیت نسل‌کشی فرهنگی‌ای که بدان گرفتار آمده‌اند، بر می‌شمارد؛ و در این مسیر تمام توان خود را برای برقراری ابعاد ملت دموکراتیک کورد و استاتوی خودمدریتی دموکراتیک به کار می‌گیرد. چنین رهیافتی را که قرائتی دموکراتیک و غیردولتی از «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خودشان» است، نیز برای سایر خلق‌های ایران و حل مسائل ملی‌شان پیشنهاد می‌نماید.

اکنون در ایران نیز همچون بسیاری از کشورها به اشکال مختلف از لزوم چاره‌یابی مسائل و گشایش در وضعیت موجود بحث به میان می‌آید. با این حال، مفاهیم و اصطلاحاتی نظیر دموکراسی، جمهوری، قانون اساسی، ملت و نظایر آن که در حین مطرح‌سازی پروژه‌های چاره‌یابی مورد استفاده قرار می‌گیرند، تحت تاثیر ایدئولوژی لیبرالیسم و دیدگاه‌های سنتی، چنان دچار آشفتگی معنایی گشته‌اند که بدون بازتعریف آن‌ها نمی‌توان از چاره‌یابی مسائل بحث نمود. بنابراین لازم است که جهت برطرف‌سازی این آشفتگی معنایی، ابتدا برخی «مفاهیم، نظریه‌ها و اصول» مربوط به دموکراتیزاسیون و چاره‌یابی مسائل تشریح شوند. زیرا با راهکارهایی مقطعی و روزانه که آکنده از پیش‌فرض‌های غلط، دیدگاه‌های امنیتی و تحمیلی باشند، نمی‌توان از پس مسائل حادی نظیر «مسئله‌ی کورد» برآمد.

قبیله، عشیره، قوم، خلق و ملت» تداوم می‌بخشند. این مفاهیم به خودی خود به معنای رد نهاد دولت و تمامیت ارضی و نیز به خطر انداختن امنیت ملی یک کشور نیستند. اینکه هنوز تلاش می‌شود کوردها یا دیگر خلق‌های ایران در سطح یک اتنیسیته یا قومیت تعریف شوند، نوعی تحریف واقعیت است. به‌خصوص که کوردها از مدت‌ها پیش به چنین سطحی از شناخت و آگاهی از «هویت ملی» دست یافته‌اند.

انکار ملت‌بودن کوردها یا تلاش جهت ممانعت از تبدیل شدنشان به ملت، ریشه‌ی تمام تراژدی‌ها و بحران‌هایی است که حول مسئله‌ی کورد شکل گرفته‌اند. حال آنکه می‌توان از اصطلاح ملت کورد و اصطلاح ملت ایران به‌طور همزمان استفاده کرد. یعنی ملت دموکراتیک ایران می‌تواند یک کلیت متشکل از ملت‌های مختلف از جمله ملت کورد، عرب، آذری، ترکمن، بلوچ و... باشد. این ملت‌ها نه تنها خطر محسوب نمی‌شوند، بلکه غنا و امکانی عظیم جهت دموکراسی هستند.

ب) **دموکراتیزاسیون:** هر موجودی دارای نوعی حوزه‌ی ابتکار عمل در یافتن مسیر زندگی خویش و مدیریت آن است. این موارد که چارچوب دموکراسی را تشکیل می‌دهند و در جامعه‌ی انسانی که از قابلیت ذهنیتی بسیار بالایی برخوردار است، حالتی ملموس تر و برجسته‌تر دارند. به‌طور ساده می‌توان خودمدیریتیِ جوامعی که با دولت و قدرت آشنا نشده‌اند را دموکراسی نامید. این جامعه می‌تواند کلان، قبیله، عشیره، قوم، خلق و ملت باشد. در سرشت مدیریت‌های

بخش اول

..... چارچوب مفهومی

بازتعریف مفاهیمی که جهت رسیدن به دموکراتیزاسیونی پایدار حیاتی هستند، در رأس مواردی است که اولویت دارند. در این راستا برخی از مفاهیم عمده که باید بدانها پرداخت عبارتند از:

الف) **ملت:** در ایران وقتی از مسائل «خلق‌ها و ملیت‌ها» بحث می‌شود با نوعی هراس به عنوان و نام آن‌ها نگریسته می‌شود. حتی از اطلاق عناوینی نظیر «خلق یا ملت» کورد، عرب، بلوچ، آذری، ترکمن، گیلک، مازنی و... خودداری می‌شود و از این ملت‌ها تحت عنوان قومیت و خرده‌فرهنگ یاد می‌شود. به‌طوری که می‌توان گفت حتی از به‌کاربردن مفاهیم و اصطلاحاتی نظیر خلق و ملت هراس وجود دارد. این در حالی است که چنین مفهوم‌هراسی‌هایی نه تنها به حل مسائل کمک نمی‌کند بلکه بر حدت آنها نیز می‌افزاید. واقعیت این است که جوامع، فرم هویتی خود را به شکل «کلان،

ذاتی جامعه به دلیل اتکا بر مشارکت‌دهی، دموکراسی وجود دارد. اما اگر در مسیر قدرت و دولت هدفمند شوند، دموکراسی فاسد خواهد شد.

در ایران هنوز با دیده‌ی تردید و ترس با مفهوم دموکراسی برخورد می‌شود. اگرچه در دوران اصلاح‌طلبی مفاهیمی نظیر مردم‌سالاری مطرح گردید اما هنوز هم، چنان پنداشته می‌شود که دموکراسی یک مفهوم وارداتی محض است. حال آنکه در تاریخ ایران تا پیش از ورود مدرنیته‌ی سرمایه‌داری اروپا می‌توان شاهد انواعی از ساختارهای اجتماعی دموکراتیک بود. این مفهوم با ارزش‌های تاریخی خاورمیانه و ایران مغایر نیست و بنابراین هراس از مفهوم دموکراسی نابجاست. حتی خود اسلام به‌مثابه‌ی یک عنصر فرهنگی، از همان سرآغاز نوعی مقاومت دموکراتیک در برابر تمدن دولتی بود؛ اما تأثیرپذیری از سنت امپراطوری و دولت، موجب تضعیف عناصر دموکراتیک در آن گردید.

از آنجا که معضلات ناشی از ساختار بحران‌ساز دولت‌ملت تمام جامعه را دربر گرفته است، چاره‌یابی‌های یکطرفه، سنتی، طبقاتی و روزانه نمی‌تواند به حل این معضلات بیانجامد. در این چارچوب دموکراتیزاسیون به دلیل خصوصیات ماهوی خویش از چنان قابلیت‌ی برخوردار است که می‌توان گفت تنها درمان واقعی جهت تمام مسائل موجود در ایران است.

- خصوصیات دموکراتیزاسیون را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- ریشه‌ی طبقاتی ندارد، کل روابط و مناسبات اجتماعی را دربر

می‌گیرد و به طبقه یا جنسیت خاصی محدود نیست.

۲- نمود تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی و در رأس آن‌ها آزادی‌های بیان و سازمان‌دهی کل اقشار اجتماع در مقابل دولت است.

۳- تمام اقشار اعم از اقلیت، اکثریت، زبان‌های مختلف، ادیان، اتنیسیته‌ها و ملیت‌ها را دربر می‌گیرد.

نکته‌ی مهمی که در چاره‌یابی دموکراتیک مسائل می‌بایست مد نظر قرار گیرد آن است که دولت و نظام دموکراتیک جامعه در یک توازن قرار گیرند. یعنی نه ذوب‌شدن دولت در دموکراسی، و نه بی‌تأثیر شدن و استحاله‌ی دموکراسی در دولت صحیح است. زیرا هر کدام نقش و کارکردی جداگانه دارند.

پ) **دولت-ملت**: دولت‌ملت فرمی دولتی است که تمام تنوعات اجتماعی را یکدست (هموژن) می‌نماید و آن‌ها را در چارچوب یک ملت تعریف می‌کند. حقوق و آزادی گروه‌های متفاوت و دارای منافع مختلف را نمی‌پذیرد و جامعه را از طریق ملی‌گرایی به دولت ضمیمه می‌کند؛ طوری که گویی ملت و دولت یکی هستند (دولت= ملت). بنابراین دولت‌ملت هرچقدر هم در ظاهر ژست دموکراتیک به خود بگیرد اما ماهیتش دیکتاتوری و فاشیستی است.

می‌توان گفت ریشه‌ی اساسی مسئله‌ی کورد و دیگر خلق‌های ایران به ورود سه عنصر اساسی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری (یعنی دولت‌ملت، سودگرایی کاپیتالیستی و صنعت‌گرایی) به خاورمیانه و ایران، بازمی‌گردد. به‌ویژه دوپست سال اخیر به دلیل خصوصیات

معضل‌ساز دولت-ملت همواره با جنگ، درگیری و بحران سپری شده است. ایران نیز از دوران پهلوی به این سو با این مسائل و معضلات دست و پنجه نرم می‌کند. انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز اگرچه یک انقلاب دموکراتیک خلقی بود اما به دلیل آنکه جمهوری ماحصل از انقلاب، فرم دولت-ملت به خود گرفت نه تنها قادر به حل این مسائل نگشت بلکه بر شدت‌شان نیز افزود.

د) **جمهوری:** فرمی از دولت است که قبل از دولت-ملت نیز وجود داشته است (نظیر جمهوری روم در اعصار اولیه). بنابراین هر جمهوری‌ای را نمی‌توان نوعی دولت-ملت دانست. به همان نحو اشتباه است که جمهوری را با دموکراسی یکسان بدانیم. جمهوری نوعی مدیریت دولتی مبتنی بر نمایندگی است که خلق نیز در آن جای می‌گیرند. یعنی در جمهوری، تنوعات اجتماعی دارای نماینده هستند اما تحت کنترل اقلشار نخبه (الیت) و انحصارگر الیگارشیک (جرگه‌سالار) می‌باشند. درست است که هم در جمهوری و هم دموکراسی انتخابات وجود دارد اما در جمهوری، انتخابات برای رسیدن به مدیریت نهادهای دولتی صورت می‌گیرد (یعنی نوعی رقابت جهت جایگیری در انحصارات است) ولی نظام دموکراسی یک مدیریت دولتی نیست و انتخابات نیز برای جایگیری در خودمدیریتی جامعه انجام می‌گیرد. نباید فراموش کرد که در دموکراسی همه چیز از راه انتخابات و به وظیفه گماردن افراد صورت نمی‌گیرد. در دموکراسی حتی آنان که انتخاب نشده‌اند نیز می‌توانند در مدیریت نقش داشته باشند.

هر دولت‌ملتی که خود را جمهوری عنوان کند نیز عبارت از جمهوری نیست. به‌طور مثال جمهوری اسلامی ایران، اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری ترکیه در ابتدای امر نوعی اختلاط دموکراسی و دولت بودند، اما بعدها عناصر دموکراتیک آن‌ها تصفیه شدند و به حالت دولت-ملت یکدست (هموژن) درآمدند.

ه) **دولت دموکراتیک:** چون ذهنیت، ساختار و عملکرد دولت و دموکراسی به‌لحاظ ماهوی با هم متفاوت هستند، لذا دولت دموکراتیک نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما بحران‌های نظام جهانی سرمایه‌داری به سطحی رسیده که دیگر به تنهایی قادر به اداره‌ی دولت نیست و نیاز دارد که با نیروهای دموکراتیک سازش کند و به‌طور مشترک دست به اداره‌ی دولت بزنند. اگر دولت (با هر فرمی که داشته باشد) با نیروهای دموکراتیک شراکت برقرار کند، اصطلاح دولت دموکراتیک از لحاظ «گشودگی به روی دموکراسی» می‌تواند بامعنا باشد. صحیح‌ترین تعریف، ساختار «دولت + دموکراسی» است. امروزه دیگر به هیچ وجه با توسل به منطق دولت کلاسیک، نمی‌توان جوامع را اداره نمود. به همین دلیل سازمان‌های جامعه‌ی مدنی وارد عرصه شده‌اند. اما این سازمان‌ها بسیار ناتوان هستند و قادر نیستند به‌شکل فعال در مدیریت‌ها سهیم شوند. تنها راه برون‌رفت از بحران‌های کنونی، این است که سازمان‌های جامعه‌ی مدنی دموکراتیک که خود را به‌شکلی رادیکال سازماندهی کرده‌اند با نهادهای دولتی که خود را مفیدتر ساخته‌اند، دست به سازشی اصولی بزنند. در مقطع کنونی تاریخ که معلوم نیست چقدر هم

طول خواهد کشید نه تمدن سرمایه‌داری و فرم دولتی‌اش به تنهایی می‌تواند تداوم یابد و نه تمدن دموکراتیک و نظام سوسیالیستی. لذا بهترین راهکار در حال حاضر رسیدن به سازشی‌مبدایی است. با توجه به تعاریفی که درباره‌ی جمهوری، دولت‌ملت و دولت دموکراتیک به عمل آوردیم می‌توان گفت؛ که مسئله‌ی کورد می‌تواند در چارچوب جمهوری حل شود اما در چارچوب دولت‌ملت قابل حل نیست. بنابراین اگر در ایران به ماهیت جمهوری بازگشت صورت پذیرد، می‌توان مسئله‌ی کورد را در فرم جمهوری و از راه سیاست دموکراتیک حل کرد. اما اگر بر خصلت دولت‌ملت که به معنای نابودسازی ماهیت جمهوری است اصرار ورزیده شود و در راستای دموکراسی‌گشایی صورت نگیرد، نمی‌توان مسئله‌ی کورد و مسائل دیگر خلق‌های ایران را به طریق دموکراتیک در آن حل نمود.

و) **وطن مشترک:** جغرافیایی که «خلق‌های دارای فرهنگ‌های مختلف» به‌طور مشترک در آن زندگی می‌کنند، وطن مشترک نامیده می‌شود. در طول تاریخ، همیشه شاهد آن بوده‌ایم که هر جغرافیایی به‌طور اشتراکی وطن خلق‌های مختلفی بوده است. مثلاً ایران وطن تنها یک خلق یا پیروان یک دین و اعتقاد خاص نبوده و از دیرباز وطن مشترک خلق‌ها و تنوعات بسیاری از جمله کورد، عرب، بلوچ، آذری، گیلک، مازنی، ترکمن، فارس، آشوری، ارمنی و... بوده است. همچنین کوردستان نیز وطن مشترک کوردها، آذری‌ها، آشوری‌ها، ارمنه، اعراب، تنوعات مذهبی-آیینی و دیگر

تفاوت‌مندی‌های هویتی بوده است و تنها وطن کوردها نیست. دیدگاه انحصاری دولت‌ملت در مورد وطن باعث گشته که بسیاری از تنوعات هویتی ایران «غیرخودی» شمرده شوند. اگرچه در ایران وجود هویت‌های اجتماعی مختلف مثلاً کورد، آذری، بلوچ، عرب و... انکار نشده اما این هویت‌ها را قوم و خرده‌فرهنگ دانسته‌اند، حقوق و آزادی‌های آنان سلب گردیده و بنابراین در عمل، ایران را به زبان فارسی و مذهب شیعه‌ی رسمی تقلیل داده‌اند. حال آنکه وطن مشترک بایستی مکان زندگی آزاد همه‌ی تنوعات اجتماعی‌ای باشد که در آن می‌زیند.

ز) **ملت دموکراتیک:** همان‌طور که جامعه صرفاً عبارت از مجموع شمارشی افراد نیست، ملت نیز که فرم هویتی جامعه است صرفاً از شهروندان منفرد تشکیل نمی‌شود. نکته‌ی مهم، تعلق داشتن به یک کلیت اجتماعی است. در گستره‌ی کشورها و از جمله ایران انواعی از خلق‌ها و حتی ملت‌ها زندگی می‌کنند. این خلق‌ها و ملت‌ها می‌توانند به ملت «خلق‌ها» یا ملت «ملت‌ها» تعلق داشته باشند. این ملت خلق‌ها یا ملت‌ها را ملت دموکراتیک می‌نامیم. به عبارت دیگر، تمامی خلق‌ها و ملت‌هایی که در گستره‌ی یک «وطن مشترک» زندگی می‌کنند، ملت دموکراتیک آن کشور را تشکیل می‌دهند. می‌توان امت اسلامی را پیش‌نمونه‌ی این تعریف در نظر گرفت. احتمال بسیار قوی این است که فرهنگ‌های اجتماعی خاورمیانه، دیر یا زود در چارچوب یک «امت‌ملتی» دموکراتیک یعنی امتی نوسازی‌شده و دموکراتیک، با هم امتزاج یابند.

ح) **هویت:** عبارت است از تعلق داشتن جوامع به فرهنگ، دین، اتیسیته، ملت، جنسیت و... با هر ماهیتی که داشته باشند. در زمینه‌ی هویت‌ها دو نگرش وجود دارد؛ یکی نگرش منعطف و باز در قبال هویت‌ها، و دیگری نگرش قاطعانه و بسته در قبال آن‌ها. انعطاف در زمینه‌ی هویت‌ها (پذیرش متقابل هویت یکدیگر و عدم محافظه‌کاری) موجب گشودن مسیر چاره‌یابی دموکراتیک مسائل می‌شود. اما قاطعیت و بسته‌بودن در زمینه‌ی هویت‌ها (عدم پذیرش هویت یکدیگر و محافظه‌کاری) موجب انسداد و دشوار شدن چاره‌یابی مسائل اجتماعی می‌شود.

نکته‌ی مهمی که در حین ارائه‌ی این چارچوب مفهومی می‌بایست مد نظر قرار گیرد این است که اگر خواستار چاره‌یابی دموکراتیک هستیم، نباید مفاهیم و اصطلاحات را فیتیشیزه (بُت‌واره) نماییم. پدیده‌های اجتماعی نظیر ملت، کشور، دین، زبان و نظایر آن را نباید به حالت ارزش‌های مقدس دگماتیک درآوریم. چرا که این مفاهیم می‌توانند تا سطح نژادپرستی مورد مبالغه قرار گیرند، ارزشی غیرواقعی به آن‌ها بخشیده شود و بدین ترتیب راهگشای بحران و درگیری گردند. به‌عنوان نمونه هرچه بر کوردگرایی، ترک‌گرایی، عرب‌گرایی و فارس‌گرایی اصرار شود و اصطلاحات فارس، ترک، عرب و کورد مورد مبالغه قرار گیرند و به حالت بت درآیند، راه بر معضلات دشوارتری می‌گشایند.

بخش دوم

.....چارچوب نظری

در زمینه‌ی حل مسائل و چاره‌یابی دموکراتیک، نظریه‌های مختلفی ارائه می‌شود. با مقایسه‌ی این نظریه‌ها می‌توان به‌خوبی متوجه گشت که تنها با اتکا به یک چارچوب نظری منسجم و دموکراتیک می‌توان به حل مسائل خلق‌ها و رشد دموکراسی در ایران کمک کرد.

۱) **نظریه‌ی دولت‌ملت و چاره‌یابی دولت‌گرایانه:** در این نظریه، دولت تمام مسائل اجتماعی اعم از اقتصاد، دین، فرهنگ و... را در حیطه‌ی خود محصور نموده، با دولتی نمودن این پدیده‌های اجتماعی و تحمیل قوانین به جامعه، هر نوع ابتکار عمل و اراده‌ی مدیریتی را از جامعه سلب می‌نماید. نیروهای اجتماعی که این نظریه را مبنای فعالیت‌های مبارزاتی خود قرار می‌دهند نیز در برابر این

برخورد دولت، تأسیس دولت خویش را تنها راه حل می‌شمارند. فرم این دولت در عصر مدرنیته‌ی سرمایه‌داری دولت‌ملت نام دارد. دولت‌ملت، نوعی هژمونی‌خواهی (سلطه‌طلبی) است که بر شهروند تک‌زبانی و تک‌اتنیسیته‌ای مبتنی است. شهروندان به ایدئولوژی رسمی که همان ملی‌گرایی است وابسته گشته و به حالت برده‌ی مدرن درمی‌آیند. این ملی‌گرایی در جمهوری اسلامی آمیخته‌ای از ملی‌گرایی نژادی (فارس) و ملی‌گرایی دینی (شیع) می‌باشد.

دولت‌ملت تنوعات اجتماعی را نمی‌پذیرد. اما طوری خود را نمایان می‌سازد که گویی برآیند ارزش‌های همه‌ی گروه‌هاست. ملی‌گرایی دولت‌ملت نیز نه تنها هیچ ربطی به میهن‌دوستی ندارد بلکه موجبات تنش، درگیری و نسل‌کشی‌های فیزیکی و فرهنگی را فراهم می‌آورد. بنابراین اگر در چاره‌یابی مسائل اجتماعی به نظریه‌ی دولت‌گرایانه و تأسیس دولت‌ملت اتکا شود نه تنها مسایل حل نمی‌شوند، بلکه جامعه در برابر دولت به بدترین وضعیت ممکن دچار می‌گردد. برآورده‌سازی مطالبات جامعه در قالب چنین نظریه‌ای امکان‌پذیر نیست.

۲) **نظریه‌ی ملت دموکراتیک و چاره‌یابی دموکراتیک:** در نظریه‌ی چاره‌یابی دموکراتیک، نه دولت بلکه جامعه مبنا قرار می‌گیرد. در عصر کنونی در مقابل دولت‌ملت و مسائل ناشی از آن گرایش به ملت دموکراتیک رشد چشمگیری پیدا نموده است. چرا که ملت دموکراتیک رهیافت مناسبی برای حل معضلات جوامع در عصر ماست. اگرچه تعاریف مختلفی از ملت صورت می‌گیرد اما دو نوع

ملت عمده وجود دارد: یکی ملت دولتی و دیگری ملت دموکراتیک. ملتی که توسط دولت‌ملت و در چارچوب مرزهای نامعطف ترسیم می‌شود را ملت دولتی می‌نامند. این ملت به روی دموکراسی بسته است. در ملت دولتی، ملت به «فرهنگ، زبان، بازار و تاریخ» همسان و یگانه، مقید گردانده می‌شود. لذا با سرشت جامعه که آکنده از تنوعات است در مغایرت می‌باشد. مدرنیته‌ی سرمایه‌داری چنین تعریف مطلق‌ی از ملت به عمل آورده و موجبات تمام بن‌بست‌های کنونی در زمینه‌ی چاره‌یابی مسائل ملی را فراهم آورده است. تا زمانی که با چنین بینشی به ملت نگریسته شود، مسائل ملی همچنان لاینحل باقی می‌مانند.

ملت دموکراتیک، جامعه‌ی مشترکی است که افراد و اجتماعات آزاد با اراده‌ی ذاتی خودشان آن را تشکیل داده‌اند. نیروی وحدت‌بخش در ملت دموکراتیک، اراده‌ی آزاد افراد و گروه‌های جامعه‌ای است که تصمیم گرفته‌اند در درون یک ملت گرد هم آیند. ملت دموکراتیک برخلاف ملت دولتی، بر مرزهای نامعطف سیاسی، تک‌زبان، تک‌فرهنگ، تک‌دین و تفسیری یگانه از تاریخ متکی نیست.

اگر یک تعریف عمومی از ملت به عمل آوریم می‌توان گفت که ملت عبارت است از اجتماع انسان‌هایی که در یک جهان ذهنیتی مشترک سهیم‌اند. چیزی که در ملت دولتی مَهر خویش را بر ذهنیت مشترک می‌زند، ملی‌گرایی است. در ملت دموکراتیک، این ذهنیت مشترک مبتنی بر آگاهی مربوط به «آزادی و همبستگی» است. اما اگر ملت‌ها تنها از طریق وضعیت ذهنیتی‌شان تعریف گردند،

تعریفی ناکافی خواهد بود. همانگونه که ذهنیت‌ها بدون تن و بدن نمی‌توانند وجود داشته باشند، ملت‌ها نیز نمی‌توانند بدون جسم و پیکر باشند. جسم و پیکر ملت‌هایی که ذهنیتی ملی‌گرا دارند، نهاد دولت است. جسم و پیکر ملت‌هایی که از ذهنیت مبتنی بر «آزادی و همبستگی» برخوردارند، خودمدیریتی دموکراتیک است. خودمدیریتی دموکراتیک، به معنای آن است که افراد و اجتماعاتی که در ذهنیت مشترکی سهیم‌اند، خودشان را از طریق اراده‌ی ذاتی‌شان مدیریت نمایند.

خصوصیت اصلی نظریه‌ی ملت دموکراتیک که امکان حل مسائل اجتماعی را فراهم می‌آورد این است که دولت و دموکراسی را دو عرصه‌ی متفاوت می‌داند. مورد مهم این است که این دو عرصه با پذیرش مشروعیت یکدیگر به شکلی متوازن، موجودیت یابند و این امر به یکی از احکام بنیادین قانون اساسی مبدل گردد.

چاره‌یابی دموکراتیک نه گسست از مرزهای دولت را اجباری می‌کند و نه تمایل به سمت تأسیس دولت‌ملت متقابل را ضروری می‌گرداند. نوعی چاره‌یابی منعطف است که دولتی نیست، هدفش را دولت قرار نمی‌دهد و آن را رد و انکار هم نمی‌نماید. بنابراین چاره‌یابی دموکراتیک، امکان عظیمی جهت رسیدن به «صلح شرافتمندانه» را فراهم می‌سازد.

هم نیروهای دولتی و هم نیروهای اجتماعی ایران بیش از دوستان سال است نظیر سایر کشورهای خاورمیانه تحت تأثیرات مخرب اورینتالیسم (شرق‌شناسی) و پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) مدرنیته‌ی اروپا

قرار دارند. به هنگام تحقق نظریه‌ی چاره‌یابی دموکراتیک باید دقت داشت که از این دیدگاه‌ها گذار صورت گیرد. اورینتالیسم، ارزش‌های تاریخی و هزاران ساله‌ی خاورمیانه را در نگاه خلق‌های خاورمیانه و از جمله خلق‌های ایران بی‌ارزش جلوه می‌دهد. بدین ترتیب موجب می‌شود که نیروهای سیاسی و جوامع، تحت سلطه‌ی ایدئولوژیک مدرنیته‌ی سرمایه‌داری قرار گیرند و نتوانند مسائل اجتماعی ریشه‌دار خود را به درستی درک و چاره‌یابی نمایند. بایستی واقف بود که با مبنا قرار دادن مدل سیاسی و فرهنگی ناشی از مدرنیته‌ی اروپا، راه‌حل‌هایی که در پی گرفته شوند، موجب وضعیتی دشوارتر خواهند شد.

پوزیتیویسم برخلاف آنچه ادعا می‌کند منجر به قاطعانه‌ترین دگماتیسم (جزم‌اندیشی) می‌گردد. به‌عنوان نمونه، معنایی که به مفاهیم ملت، کشور، دولت، طبقه، جامعه و ... داده می‌شود، چنان است که مفاهیم مزبور جوهره و محتوای واقعی خود را از دست می‌دهند. جنگ‌های شدید پانصد ساله‌ی اخیر در سطح جهان، ناشی از همین امر است. در ایران نیز به رغم وجود اندوخته‌ی تاریخی سلطه‌ستیزی خلق‌ها، برقراری مدل دولت-ملت و عناصر دیگر مدرنیته‌ی سرمایه‌داری باعث گردیده که دیدگاه‌هایی ملی‌گرایانه، تک‌گرایانه و انکارگر در قبال پدیده‌های اجتماعی شکل گیرند. از همین رو ساختار کثیرالمله‌ی ایران در عمل انکار گردیده و همیشه با دید «تهدیدی برای تمامیت ارضی کشور» به مطالبات خلق‌ها نگرسته شده است. حال آنکه در میان این خلق‌ها هزاران سال

«همزیستی تاریخی» برقرار بوده و چنین دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه‌ای تنها ناشی از دولت‌ملت و ملی‌گرایی است. قضاوت‌های دینی و اخلاقی در فرهنگ خاورمیانه و شرق، نتایج حل و فصل مسائل اجتماعی از طریق «معیارهای وجدانی و عدالت» هستند. یکی دیگر از تأثیرات مخرب علوم اروپامحور بر روی جامعه این است که در چاره‌یابی معضلات، نقش این حقایق دینی و اخلاقی را به حداقل فرو می‌کاهد و مانع حل مسائل اجتماعی می‌گردد. بنابراین در چاره‌یابی دموکراتیک مسائل اجتماعی، هم «بازگشت به وجدان و عدالت» یک ضرورت حیاتی است و هم اتکا به «آزادی فکری کامل» و متناسب با طبیعت اجتماعی خویش.

بخش سوم

.....چارچوب اصولی

در ارتباط با چارچوب نظری باید چارچوب اصولی را نیز تحقق بخشید. این امر جهت‌ماندگاری چاره‌یابی دموکراتیک اهمیت دارد. اصل ملت دموکراتیک در رأس اصولی است که باید به آن توجه نمود. ملتی که به تمام تنوعات هویتی یک کشور کلیت می‌بخشد، نباید به شکل ملت دولتی بلکه باید به عنوان ملت دموکراتیک بر ساخته گردد؛ یا لااقل هدف ملت‌های موجود، متحول شدن به ملت دموکراتیک باشد. از سوی دیگر مشارکت در ملت کلیت‌مند و چترآسا (یعنی ملتی که دربرگیرنده‌ی تمامی طیف‌های موجود باشد)، نباید از راه زور و قدرت بلکه به‌طور داوطلبانه و بر مبنای رضایت دموکراتیک صورت گیرد. در ملت دموکراتیک، حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی مکمل یکدیگر می‌باشند. همچنین ملت دموکراتیک صرفاً شهروند را دربر نمی‌گیرد؛ جوامع مدنی، جمعیت‌ها، محافل و گروه‌های خلقی جداگانه را نیز غنا محسوب می‌نماید.

دومین اصل را می‌توان به شکل اصل وطن مشترک (وطن دموکراتیک) تعریف نمود. در وطن مشترک، شهروندانی با زبان‌ها، ملیت‌ها و ادیان بسیار زندگی می‌کنند. وطن مشترک احساس تعلق را به همه‌ی تنوعات هویتی موجود در خود می‌بخشد و هیچ کس، «دیگری» محسوب نمی‌شود. بنابراین موجب کلیت‌بخشی و تفاهم گردیده و مانع جدایی‌خواهی می‌شود. احساس میهن‌دوستی نبایستی در مفهوم ملی‌گرایی بلکه باید در پایبندی به خاک، اکولوژی و تعالی جامعه زیسته شود.

سومین اصل، اصل جمهوری دموکراتیک است. رژیم دولتی ایده‌آل برای جمهوری، نه دولت‌ملت بلکه دولت دموکراتیک است. چاره‌یابی دموکراتیک در چارچوب جمهوری قابل اجرا است، اما قادر نیست همان تطابق را با دولت-ملت برقرار نماید. بایستی دقت داشت که ایدئولوژیک نمودن فرم دولت یا جمهوری و پیوند ندادن آن به یک اتنیسیته و یا یک دین خاص، از نقطه‌نظر چاره‌یابی دموکراتیک حائز اهمیت است. اینکه جمهوری از لحاظ حقوقی به‌عنوان سازمان همگرای دموکراتیک تمامی شهروندان تعریف شود، صحیح‌ترین مورد است.

اصل قانون اساسی دموکراتیک، چهارمین اصل در چاره‌یابی دموکراتیک به‌شمار می‌آید. دموکراتیزاسیون تا وقتی که بر مبنای «یک قانون اساسی ناشی از توافق اجتماعی» استوار نباشد، به یک رژیم ماندگار و نظام‌مند مدیریتی مبدل نخواهد شد. قوانین اساسی دموکراتیک، نمود توافق جامعه‌ی دموکراتیک و دولت می‌باشند.

اگر جامعه دموکراتیزه نشود نمی‌توان در برابر دولت از حقوق و آزادی‌های فردی دفاع کرد. دولت نوعی سازمان است که «تجربه و تخصص» در آن انباشته شده است. برای آنکه آن را در وضعیت عاملی چاره‌یاب نگه داریم و از حالت نهادی که دایما در حال معضل‌سازی است خارج گردانیم، «قانون اساسی دموکراتیک» یک ابزار اجتناب‌ناپذیر است.

پنجمین اصل عبارت است از اصل چاره‌یابی دموکراتیک. چاره‌یابی دموکراتیک، مدلی از چاره‌یابی است که دولت‌شدن را به‌منزله‌ی هدف بر نمی‌گزیند و دموکراتیزاسیون جامعه‌ی مدنی، یعنی رسیدن به جامعه‌ی دموکراتیک را مبنا قرار می‌دهد. به‌جای آنکه به دنبال تغییرات ظاهری و سطحی در ساختار دولت باشد، به دنبال رژیم دموکراتیکی است که در جامعه کارکرد پیدا کند. در رابطه با دولت، بیش از هر چیزی خواستار یک قانون اساسی دموکراتیک است.

چاره‌یابی دموکراتیک به‌منزله‌ی یک اصل، به «تقسیم قدرت و امکانات دولتی» نمی‌پردازد. حتی از قدرت دوری می‌جوید. زیرا هرچه قدرت تراکم یابد، دورشدن از دموکراسی روی می‌دهد. در چاره‌یابی دموکراتیک، مورد بنیادین این است که هم‌زیستی «نهادهای دموکراتیک» با «نهادهای دولتی» تحت ضمانت قانون اساسی درآورده شود. یعنی موجودیت همزمان دولت و دموکراسی از مشروعیت قانونی برخوردار می‌گردد.

اصل یکپارچگی حقوق و آزادی‌های فردی و کلکتیو (جمعی)، اصل ششم را تشکیل می‌دهد. با نگاهی به تجارب فراوان در سطح جهان

می‌توان دریافت که جداسازی حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی نه‌تنها مسائل را حل نمی‌کند، بلکه آن‌ها را دشوارتر هم می‌گرداند. محروم‌ساختن افراد از حقوق و آزادی‌ها به معنای محروم‌نمودن جامعه‌ی آن‌ها از حقوق و آزادی است. به همان نحو محروم‌نمودن جامعه از حقوق و آزادی‌ها نیز به معنای محروم‌سازی افراد آن از حقوق و آزادی است. خلاصه اینکه حقوق و آزادی، ارزش‌هایی هستند که «بدون افراد و جامعه» و «بدون توأمانی آن‌ها»، تحقق نخواهند یافت.

هفتمین مورد، اصل آزادی و استقلال ایدئولوژیک‌سازمانی است. هدف از این اصل، رهایی از هژمونی ایدئولوژیکی و سازمانی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری است که در سطح جهانی آن را حاکم ساخته است. تا زمانی که از هژمونی علم‌گرایی پوزیتیویستی رهایی حاصل نگردد، «دموکراسی و آزادی» ممکن نیست. هژمونی ایدئولوژیک در خاورمیانه از طریق علم اوربانتالیستی اذهان را فتح می‌کند. همچنین باید از نگرش‌های «دین‌گرا و نژادپرست» نیز که به اندازه‌ی پوزیتیویسم (به‌منزله‌ی ایدئولوژی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری)، هژمونیک هستند، گذار نمود. بایستی از یاد نبرد که بدون آزادی ایدئولوژیک، گام‌هایی که به سمت دموکراسی برداشته می‌شوند، هر لحظه ممکن است بی‌تأثیر گردند و تحت کنترل ایدئولوژی‌های هژمونیک قرار گیرند.

اصل رابطه‌مندی تاریخت و اکتونیت، هشتمین اصل در چاره‌یابی دموکراتیک می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم، رویدادهای تاریخی

اساسی‌ترین شرایطی هستند که وضعیت «اکنون» را تعیین می‌کنند. «اکنون»، حالتی است که در آن، «تاریخ» هم مسائل و هم احتمالات چاره‌یابی آن‌ها را ارائه می‌دهد. تنها تفاوت در این است که نمی‌توان در «گذشته» مداخله کرد اما می‌توان در «اکنون» یا وضعیت موجود در تاریخ حال حاضر مداخله نمود.

بدون درک پیوند میان تاریخت و اکتونیت نمی‌توان مسائل مربوط به دموکراتیزاسیون را چاره‌یابی کرد. کسانی که تاریخ را به‌شکل صحیحی درک نمی‌کنند و به نگارش در نمی‌آورند، احتمال آنکه قادر باشند «اکنون» را به‌شکلی صحیح درک کرده، آن را آزاد ساخته و دموکراتیزه نمایند، بسیار ضعیف است. بایستی به‌خوبی بر این نکته واقف بود که «خودِ جامعه پیشرفته‌ترین تاریخ» می‌باشد. به عبارت دیگر واقعیت‌های اجتماعی، واقعیت‌هایی تاریخی‌اند. واقعیت‌هایی که در تاریخ روی داده‌اند با تفاوتی بسیار اندک، اکتون و در وضعیت موجود نیز ادامه دارند. تا زمانی که حقیقت جامعه را بدین شکل درک نکنیم، رها نمودن جامعه از مسائل و رساندن آن به حیاتی دموکراتیک امکان‌پذیر نخواهد بود.

یکی از بزرگ‌ترین تخریبات مدرنیته‌ی سرمایه‌داری این است که حافظه‌ی تاریخی جامعه را بمباران می‌کند و همه چیز را در «اکتونیت» فشرده می‌سازد. گویی هر چیز در اکتون خلاصه می‌شود و نباید به چیزی جز آن اندیشید. بدین ترتیب موجب بیماری فردگرایی می‌شود. نمی‌توان از ذهنیت فردگرایانه انتظار رسیدن به «حقیقت اجتماعی» و «جامعه‌ی دموکراتیک» که حالت ملموس آن است را

داشت. فردیت‌گرایی لیبرال، انکار دموکراسی است. نهمین مورد، اصل اخلاق و وجدان است. جامعه‌شناسی مدرن اصل وجدان را نمی‌شناسد. حال آنکه اگر اصل وجدان نباشد، جامعه به خطرناک‌ترین روپوت مبدل می‌شود. وجدان همان جوهره‌ی دین و اخلاق است. وقتی وجدان تخریب می‌گردد، در جامعه تنها اصل «اعمال نیرو» کارکرد می‌یابد؛ که در این صورت نیز هر فردی مبدل به گرگ دیگری خواهد شد.

نظام‌های انحصارگر قدرت و سرمایه، بر مبنای انکار وجدان تأسیس می‌شوند. اما نظام دموکراسی بدون وجدان نمی‌تواند کارکرد بیابد. دموکراتیزاسیون اساساً جنبشی است که این وضعیت «انکار وجدان» را از میان برمی‌دارد و حیاتی دوباره به «وجدان اجتماعی» می‌بخشد. تا وقتی مبارزه برای یافتن «وجدان گمشده» وجود نداشته باشد، دموکراسی واقعی برقرار نمی‌گردد و افراد و اجتماعات به حقوق و آزادی‌هایشان نخواهند رسید.

بنابراین در چاره‌یابی دموکراتیک می‌بایستی «اصل وجدان» را جایگزین «اصل اعمال نیرو» نماییم. فرهنگ شرق با این اصل بیگانه نیست. برعکس، در تمامی مسائل به این اصل اولویت داده است. هنگام مطرح کردن چاره‌یابی مسائل خلق‌ها در ایران، اصل اخلاق و وجدان بایستی در صدر تمامی اصول قرار گیرد و بدان رجوع شود. دهمین اصل، عبارت است از اصل دفاع ذاتی در نظام دموکراتیک. در تمام موجودات از تک‌سلولی‌ها گرفته تا ذرات زیر اتمی، هیچ موجودی فاقد دفاع ذاتی نیست. بنابراین موجودیت‌هایی همچون

جوامع انسانی که از هوشمندی و انعطاف‌پذیری ذهنی بسیار بالایی برخوردارند، نمی‌توانند فاقد مکانیسم دفاعی باشند. در این چارچوب، دفاع ذاتی در برابر استثمارگری و سرکوبی که عناصر مدرنیته‌ی سرمایه‌داری (دولت‌ملت، کاپیتالیسم و صنعت‌گرایی) علیه جوامع اقتصادی، اکولوژیک و دموکراتیک صورت می‌دهند در رأس موضوعات زندگی قرار می‌گیرد. زندگی بدون دفاع ذاتی راه را بر هر نوع بیکاری، بردگی دستمزدی، بیماری، بیگاری و فساد می‌گشاید. بدتر از آن، بسیاری از «نسل‌کشی‌های فیزیکی و فرهنگی» را نیز با خود به همراه دارد. جوامع دموکراتیک و افراد آزاد اگر در زمینه‌ی دفاع ذاتی در مقابل مدرنیته‌ی سرمایه‌داری ناموفق بمانند، نه تنها آزادی‌شان را از دست می‌دهند بلکه موجودیت‌شان نیز با خطر نسل‌کشی مواجه خواهد شد.

از همین رو در چاره‌یابی دموکراتیک مسائل، هر اجتماع به‌میزانی که عبارت از یک واحد اقتصادی، اکولوژیک و دموکراتیک است، می‌بایستی یک واحد برخوردار از دفاع ذاتی نیز باشد. همچنین هر فرد آزاد و برابر همچنان که می‌بایست در یک یا چندین واحد اقتصادی، اکولوژیک و دموکراتیک جای بگیرد، باید در واحدهای دفاع ذاتی هم جای بگیرد.

اصل یازدهم، اهمیت اکولوژی (زیست‌بوم) می‌باشد. نقش ویژه‌ای که نظام سرمایه‌داری به صنعت‌گرایی بخشیده است، به زانو درآوردن جامعه‌ی اقتصادی بطور کلی و خصوصاً جامعه‌ی زراعی-روستایی است. ذهنیتی که به سبب شوونیسم صنعت‌گرایانه کور و بی‌بصیرت

گشته است، قادر به دیدن ساختار اکولوژیک «جامعه و بافت اقتصادی آن» نبوده و مسئول بیکاری، بحران و شکاف میان سطح درآمدها در اقتصاد می‌باشد.

جامعه‌ی عصر صنعتی اگر در کلیه‌ی عرصه‌ها به اکولوژی توجه ننماید، نمی‌تواند حیاتش را ادامه دهد. بایستی به‌خوبی دانست که در دوران پیش از عصر صنعتی، حیات تمامی جانداران و از جمله نوع انسان نیز، به‌واسطه‌ی شعور و آگاهی غریزی (تیزترین هوش عاطفی) یک حیات اکولوژیک بوده است. جاندارانی که اکولوژیک نباشد، نمی‌تواند از نابودی رهایی یابد. بدون شک هر جاندار دارای هوش اکولوژیک مختص به خود می‌باشد. در جامعه‌ی شرقی همخوانی و سازگاری با طبیعت، از اصول بنیادین است. بنابراین سنت اجتماعی خاورمیانه در برابر اکولوژی حساس و هوشیار بوده و با آن همخوانی و سازگاری دارد. وظیفه‌ای که باید به‌جای آورد، این است که با بازسازی جامعه‌ی اکولوژیک، به تقابل با رویکردهای فتح‌گرایانه، نابودکننده و اشغال‌گر سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی پرداخت. جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک، تنها از طریق آگاهی معنایی بایسته‌ی خویش می‌تواند برقرار باشد. هر واحد اقتصادی، از طریق آگاهی اکولوژیک خویش می‌تواند زیست نماید.

واحدهای اکولوژیک اقتصادی را نباید همچون واحدهایی ناچیز و محروم از فناوری تصور نمود. در صورت لزوم می‌توان پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین فناوری‌ها را نیز در واحدها و اتحادیه‌ها و کمون‌های اکولوژیک اقتصادی به کار برد.

بخش چهارم

..... هویت ملی کوردها و شکل‌گیری مسئله‌ی کورد در ایران

قربانیت زبانی و یا فرهنگی بین ملت‌های ایران، جایگاه مهمی در شکل‌گیری هویت ایران دارد. از میان ملت‌های ایران، کوردهای اولیه از نخستین گروه‌های پیشاهنگی هستند که از نظر فرهنگی در صحنه‌ی تاریخ ظاهر شده‌اند. هم تمدن سومر و هم تمدن ایران محصول فرهنگ اجتماعی دامنه‌های زاگرس هستند؛ همان فرهنگ اجتماعی‌ای که آتش، کشاورزی و دامداری مضمون آن را تشکیل می‌دهند. می‌توان این واقعیت را در تشکلهایی مشاهده نمود که در طول تاریخ، از زمان سومر-گوتی‌ها تا ماد-پارس‌ها و از ساسانی‌ها تا به ایران امروزی آمده‌اند. اولین هویت قومی نیز به رهبری کاهنان زرتشتی، در دوران کنفدراسیون مادها گامی عظیمی برداشته و با این هویت به یک مرحله‌ی چشمگیر رسیده‌اند. از نظر هویت کوردی، مادها «اولین اجداد قوم کورد» هستند که در تاریخ نوشتاری درباره‌ی

آنها آگاهی وجود دارد. هویت پارسی نیز موجودیت خویش را اساسا و امداد مادهاست. در تاریخ هردوت، مادها به عنوان مترقی ترین قوم آن دوران تعریف می شوند؛ پارس ها و یونانی های آن دوران در حکم شاگردانی هستند که از مادها فرهنگ می آموزند. مادها در سیر پیشرفت نظام تمدن مرکزی، حداقل به اندازه‌ی سومریان ایفای نقش نموده‌اند. این فرهنگ ماد است که شکل‌گیری تمدن‌های پارس، اژه، هلن و روم را میسر گردانده و شالوده‌ی آن را تدارک دیده است. همان میراث تاریخی، در زمینه‌ی شکل‌گیری فرهنگ اسلامی طی قرون وسطی نیز نقش مهمی را ایفا می‌نماید. هم‌بخش مهمی از مقوله‌های اعتقادی و هم‌بخش مهمی از مقوله‌های اخلاقی، سرچشمه‌ی خود را از آموزه‌های زرتشتی می‌گیرند. آیین «ایزدی» بخش کوچکی از این سنت است که هنوز هم به حیات خویش ادامه می‌دهد. سهم این میراث در سنت کوردهای سوران، کلهر، هورامی، لُر، علوی و یارسان نیز مصداق دارد.

جغرافیای ایران در طول تاریخ همواره مأمن توسعه‌ی آیین تشیع بوده است که همچون خط اعتراضی در مقابل اسلام قدرت‌گرا، اسلامی که با استثمار مبانی اسلامی در صدد تشکیل حکومت‌هایی چون بنی‌امیه و بنی‌عباس بر آمده است. نمونه‌ی آن قیام شعبویه و دیگر جنبش‌های مقاومتی می‌باشد که در مقابل اسلام دولتی سر برآوردند و ایران را همچون مأمنی برای خود برگزیدند. اما ایران و خاندان‌های ترکمن با گرایش شیعی آن از زمان صفوی به بعد، از یک کنفدراسیون سیاسی که کفه‌ی سنت‌های دموکراتیک آن

سنگین‌تر است، به یک نظام دولتی که کفه‌ی بروکراتیک مرکزی آن سنگین‌تر است، متحول گشت. تشیع نیز به بخشی از ایدئولوژی رسمی قدرت تبدیل شده است. هرچند در بخش مهمی از اسلام شیعه سنت‌های قدرت‌ستیز تا روزگار ما باقی مانده‌اند، اما تشیع دولتی نیز همانند اسلام سنی دولتی، دارای خصلتی سلطه‌گر است. به‌شکلی جالب توجه، بخش مهمی از کوردهای ایران از طریق نوعی سنت منعطف و غیرقاطعانه‌ی اسلام سنی، «مخالفت دموکراتیک و بنابراین واقعیت دموکراتیک خود» را در برابر قدرت‌های شیعه نمایندگی می‌نمایند. هویت کوردی معاصر در شرق کوردستان، از اوایل سده‌ی بیست میلادی تلاش به خرج داده تا خود را در مقابل فاشیسم نظامند دولتی و مدرن در ایران شاکله‌بندی نماید. شورش «سمکو» و آزمون جمهوری کوردستان در مهاباد نیز بیانگر همین واقعیت می‌باشند. این واقعیت و سنت مقاومت‌طلبی، در نهایت با ایستار خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر خویشتن را اثبات نمود.

عهدنامه‌ی «قصر شیرین» که میان صفوی‌ها و عثمانی‌ها منعقد گردید، در جداسازی کوردهای شرق کوردستان از تمامیت کوردستان و کوردها سهم مهمی داشت. این معاهده به معنای ایجاد گسست کوردهای ساکن زاگرس از تمامیت کوردهاست. فرهنگ مسلط و رایج موجود در واقعیت کوردهای شرق کوردستان، بیشتر از اینکه دینی و مذهبی باشد، کیفیتی اتیکی و قومی را داراست. ایدئولوژی رسمی دولت با سوءاستفاده از عامل مذهب، سعی در تضعیف

خصوصیات و شاخصه‌های ملی کوردهای شیعه و به‌ویژه لرها (یکی از کهن‌ترین شاخه‌های فرهنگی کوردها) دارد. همچنین کوردهای خراسان که دارای جمعیت قابل توجهی هستند، گُرمانج و شیعه‌مذهب می‌باشند؛ هرچند تلاش‌های متمرکزی در جهت آسیمیله‌نمودن و بی‌تأثیرگردانیدن آن‌ها از نظر سیاسی صورت گرفته، اما آنها همچنان بر حفظ فرهنگ و هویت خویش اصرار می‌ورزند. مقاومت‌هایی که در دوران معاصر روی داده‌اند و تا روزگار ما ادامه یافته‌اند (نظیر مقاومت سمکو، قدم‌خیر لرستانی، قاضی محمد و...)، تأثیر مهمی در شکل‌گیری هویت معاصر کوردی در شرق کوردستان داشته‌اند. شورش‌هایی که از اوایل سده‌ی ۲۰ آغاز شده‌اند، تأثیری عمومی برجای گذاشته‌اند. باید ویژگی اتونومی‌های آریستوکراتیک [یا خودگردانی‌های اشرافی] را بسیار نیک درک کرد و تفاوت‌شان را از جنبش‌هایی که برای حفظ موجودیت و توسعه‌ی آزادی مبارزه می‌کنند، به‌خوبی از هم تمیز داد.

جنگ و درگیری‌هایی که در راستای اتونومی‌های نادموکراتیک صورت گرفته‌اند، به اقتضای خاستگاه طبقاتی پیشاهنگانشان، اکثراً به شکست انجامیده و این نیز به‌طور کلی تخریبات عمیقی را بر موجودیت ملی و آزادی کوردها وارد آورده است. هر شکست منجر به یک قتل‌عام شده، هر قتل‌عام نیز نسل‌کشی فرهنگی را گامی دیگر به جلو برده است. جنبش‌هایی که به پیشاهنگی «شیخ عبیدالله نه‌ری»، «سمکو» و «قاضی محمد» در شرق کوردستان صورت گرفتند نیز منجر به نتایج مشابهی گشتند. شکست و سرکوبی هرچه بیشتر، موجودیت ملی و آزادی را هرچه ضعیف‌تر نموده و موجب درافتادنش

به وضعیت نومیدانه‌ای گشته است. آزمون جمهوری کوردستان در مه‌باد که قاضی محمد رهبری آن را برعهده داشت، هرچند از کیفیت مدرن خلق‌گرایانه‌ای برخوردار بود، نتوانست از عاقبتی مشابه سایر شورش‌ها رهایی یابد. پیمان «سعدآباد» که میان فاشیسم سفید ترک و فاشیسم رضاشاه پهلوی بسته شد، در واقع شکل معاصر معاهده‌ی «قصر شیرین» بود و در راستای تعمیق تجزیه‌ی کوردها و پاکسازی مشترک جنبش آزادی‌خواه آنان هدفمند بود. دولت ایران اکنون نیز معاهدات پنهان پرشماری علیه جنبش مبارزاتی «حفظ موجودیت ملی کوردستان و تحقق آزادی آن» را امضا و اجرا می‌نماید.

در هر چهار بخش کوردستان هویت ملی کوردی، در عصر مدرنیته‌ی سرمایه‌داری ضربات مرگباری را متحمل گشته است. مهم‌ترین نتیجه‌ای که باید از اینجا کسب نمود این است که از طریق ابزارهای بنیادین مدرنیته‌ی سرمایه‌داری (سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی انحصارگر، دولت-ملت و صنعت‌گرایی) نمی‌توان موجودیت ملی کوردها را تحقق بخشید و از آن حفاظت نمود. هم بازیگران اصلی نظام هژمونیک و هم عناصر مزدور آن حساب و کتابشان در این چارچوب است. تقسیم کوردستان، از هم‌گسیخته‌ماندن آن، آسیمیله‌کردن و نسل‌کشی کامل موجودیت ملی کورد در هر بخش و یا تحت حاکمیت خود نگه‌داشتن آن از طریق تشکل‌های ساختگی کوردگرا که در حکم نوعی اقدامات کامل‌کننده جهت حساب و کتاب‌های فوق است. اگر این حساب و کتاب‌ها در یک خط مستقیم و مطابق میل‌شان عملی گردد، نه کوردستان باقی خواهد ماند و نه موجودیت ملی کوردها. عناصر مزدور نوعی هویت کوردی تقلبی، ساختگی و تحریف‌شده

را به شکل نقاب بر چهره می‌زنند که نظام هژمونیک در هر بخش تحت نام هویت کوردی به وجود آورده است؛ نقش این عناصر مزدور، اساسا این است که از طریق آسیمیلاسیون به نسل‌کشی فرهنگی کوردها- که می‌خواهند به صورت طولانی‌مدت اجرا نمایند- مشروعیت بخشند. یکی از نکات بنیادینی که هدایت‌کنندگان فعالیت‌های روشنفکرانه، سیاسی، اخلاقی و زیبایی‌شناسانه در حوزه‌ی موجودیت ملی کوردها باید حتی یک لحظه از ذهن‌شان خارج نکرده و در جهان عاطفی خویش زنده نگه دارند این است که هر کدام از این تشکیلات کورد‌گرای نقاب‌دار و ساختگی، یک دام می‌باشد. نیت این‌ها هرچه که می‌خواهد باشد، نقش‌شان مشروعیت‌بخشیدن به نسل‌کشی است.

بخش پنجم

.....دولت- ملت ایران و نقش آن در خاورمیانه

سنت دولتی ایران، به آسانی مینیمیزه‌شدن [یعنی کوچک و کمینه‌ای شدن] را نمی‌پذیرد. حتی شاهنشاهی ایران در دوران معاصر نیز در برابر مینیمیزه‌شدن ایستادگی نمود. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی، در برابر دولت- ملت کوچک‌شده‌ی مختص به خاورمیانه (که مرزهایش ترسیم شده بود) و نظام موازاتی آن، موضع مهمی اتخاذ نمود. هرچند جمهوری ترکیه و دولت- ملت‌های عربی تن به پذیرش مشروعیت نظام «دولت-ملت» دادند که وجود اسرائیل را میسر می‌نمود، انقلاب اسلامی ایران، استاتوی ترسیم‌شده را آنچنان که هست نپذیرفت و تلاش به خرج داد تا هژمونی متقابل را تشکیل دهد. تنش میان ایران و اسرائیل که امروزه شاهد آن هستیم، تنها میان دو دولت- ملت نیست، بلکه تنشی است که میان دو نیروی

نظام‌مند هژمونی خواه جریان دارد.

قدمت و ریشه‌ی سنت دولتی ایران به هخامنشیان می‌رسد. هخامنشیان از فرهنگ معنوی و مادی کنفدراسیون ماد سود جسته همچنین عناصر آیین متیرائستی و زردشتی را نیز برای مشروعیت بخشی به نظام قدرتگرا و انحصارگر خود تحریف نمودند. امپراطوری هخامنشی پارس به منزله‌ی اولین دولت ایرانی، عناصر دموکراتیک نظام کنفدراسیون ماد را تضعیف نموده و آن را به سوی سیستمی مرکزی، قدرتگرا و استعمارگر سوق داد. اولین دولت پارس در واقع مقطعی از امپراطوری است که مادها در آن نقشی سرآمد را ایفا نموده‌اند. اما در نهایت با حذف مادها حالتی مرکزی و سلطه‌طلب می‌یابد. نظام هخامنشی در انتقال بردگی اعصار اولیه (سومر، مصر، آشور و بابل) به بردگی اعصار باستان دارای نقش بنیادین است. بردگی عصر باستان یونان و روم، موجودیتش را مدیون اشاعه‌ی این نظام برده‌داری مرکزی است. عصر هلنیستیک که با فتوحات اسکندر آغاز شد، بیانگر ایجاد سنتی خلافتانه میان شرق- غرب است. بحران عمیق ناشی از جنگ هژمونی طلبانه‌ی جهانی که میان رومی‌ها- پارت‌ها همچنین میان رومی‌ها (بیزانس)- ساسانیان صدها سال ادامه داشت، با صعود نیروی هژمونیک اسلام به فرجام می‌رسد. سنت دولتی ایران در طول مدت زمانی حدوداً هزار ساله که از فتوحات اسلامی تا بنیانگذاری خاندان صفوی می‌رسد، توسط خاندان‌های عرب، ترک و مغول که با فرهنگ آن بیگانه بودند، نمایندگی شد. تشیع، همزمان با خاندان صفوی به صورت ایدئولوژی دولت درآمده است. بنیان‌های حکومتی مرکزی و دین‌گرا نیز در همین دوران تشکیل شدند. جنگ

هژمونیک که با هدف تسلط بر کوردستان با امپراطوری عثمانی وارد آن شد، با عهدنامه‌ی «قصر شیرین» به پایان رسید. کوردستان برای اولین بار از طریق معاهده‌ی مذکور به دو بخش تجزیه و تقسیم شد. در میان بیگ‌نشین‌های کورد، سیاست «مشترک زیستن» با نیروی هژمونیک، بر مبنای «خودگردانی داخلی» به‌خوبی جا افتاده بود. دولت ایران که بعد از دوران صفوی بین چند خاندان دست به دست می‌شد، در دوران بعد از جنگ جهانی اول، تشکیل دولت- ملت مدرن در ایران حالتی مرکزی و قاطعانه یافت. این حکومت اجازه‌ی ابراز وجود به هیچ تنوعی هویتی را نداده و آنها را به شدت سرکوب می‌نمود. تشکیل مدل دولت-ملت در ایران و سایر کشورهای همجوار و ادامه‌ی روند مرکزگرایی و سرکوب هویتی در آنها باعث شد که سیر تقسیم کوردستان کامل شود. پیمان‌نامه‌های سایکس‌پیکو و لوزان، توافق قدرت‌های جهانی آن زمان بر سر تجزیه‌ی کوردستان و انکار هویت ملت کورد بود. بعد از جنگ جهانی اول، حکومت ایران همانند نمونه‌ی جمهوری ترکیه و پادشاهی افغان، در نتیجه‌ی حساب و کتاب‌های هژمونیک انگلستان به‌عنوان یک دولت-ملت مدرن از نو بر ساخته شد. دقیقاً همانند سازش صورت گرفته با مصطفی کمال، قدرت در ازای یک ایران مینیمیزه، به رضاشاه سپرده شد. انگلستان هر کدام از شاهنشاهی ایران، افغان و جمهوری ترکیه را که در این دوران مینیمیزه کرده بود، به‌عنوان یک دولت-ملت حائل، بر سر راه سرازیر شدن شوروی رو به جنوب، طرح‌ریزی و تأسیس نمود. اینکه انگلستان حوزه‌های یادشده را به رژیم‌های مستعمراتی کلاسیکی مبدل نساخت، نه از روی ناتوانی بلکه به سبب

بیم‌داشتن از اشاعه‌ی شوروی بود. سیاست «دولت حائل»، یک سیستم انگلیسی است که از اوایل سده‌ی ۲۰ تا روزگار ما عموماً با موفقیت به اجرا درآمده است. خاندان رضاشاه یک برنامه‌ی مدرنیستی را به اجرا درآورد که بر مبنای آن سنت فرهنگی ایران به کناری نهاده شد و از غرب تقلید گردید. سعی شد تا به منزله‌ی یک رژیم اقماری ابتدا انگلستان، سپس آمریکا و حتی اسرائیل پابرجا نگه داشته شود. اینکه دولت-ملت‌های خاورمیانه کیفیتی از نوع «دولت اقماری یا دنباله‌رو» داشتند، به آشکارترین شکل در خاندان اخیر پهلوی به نمایش گذاشته شد. این دولت‌هایی که از طریق نیروی امنیتی، نظامی و پلیسی بر سر پا نگه داشته می‌شدند، با قطع پشتیبانی نیروی هژمونیک، یک‌روزه سرنگون گشتند. فرجام خاندان پهلوی نیز اینگونه گشت.

انقلاب خلق‌های ایران در سال ۱۳۵۷، به اندازه‌ای که سیاسی است، یک انقلاب فرهنگی نیز می‌باشد. این انقلاب توانش را صرفاً از سازماندهی علمای شیعه نگرفت؛ بلکه بالعکس، نیروی اساسی‌اش را از فرهنگ اجتماعی خلق‌های ایران گرفت که دارای ریشه‌های تاریخی عمیقی بود. انقلاب در سرآغاز همانند آنچه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و آناتولی روی داد، از کیفیت ملی دموکراتیک برخوردار بود. بر یک هم‌پیمانی وسیع نیروهای ملی دموکراتیک اتکا داشت. هم‌پیمانی ملت دموکراتیکی که از همبستگی وسیع چپ‌گرایان، جنبش‌های زنان و جوانان، امت‌گرایان شیعه و اقشار میهن‌دوست خلق‌های ایران و در رأس همه خلق کورد سرچشمه

می‌گرفت، نیروی اصلی پیروزی بود. اما طیف متشکل از علمای شیعه و تجار میانه‌احوال (بازاریان) که از سنت مدیریت تاریخی و اجتماعی قوی‌تری برخوردار بود، طی مدت‌زمانی کوتاه هژمونی خویش را برقرار کرد و سایر متفاننش را بی‌رحمانه سرکوب نمود. هر چند بنیان «ملت دموکراتیک» انقلاب، دچار انحراف شد نیز، ماهیتاً با مدرنیته‌ی سرمایه‌داری در تضاد و مغایرت به‌سر می‌برد. قشر انحصارگر دولتی درصدد برآمد تا این اندوخته‌ی ضد کاپیتالیستی را که معنای تاریخی و فرهنگی آن بسیار عظیم است، به‌عنوان کارتی جهت مشروعیت‌بخشی به موجودیت خویش در برابر نیروهای هژمونیک نظام سرمایه‌داری به کار ببرد. تا کنون نیز تمامی تلاش قشر انحصارگر دولتی ایران این است که از بنیان آنتی‌مدرنیستی (ضد کاپیتالیستی) انقلاب به‌عنوان ابزار مشروعیت و همچنین وسیله‌ای در برابر نیروهای هژمونیک غربی در جهت دستیابی به موقعیتی پذیرفته‌شده و معتبر در موازنه‌ی دولت-ملت خاورمیانه استفاده نماید. به‌منزله‌ی یک مدرنیته‌ی متفاوت، از لحاظ ماهوی چالشی با مدرنیته‌ی سرمایه‌داری ندارد. همان‌طور که دولت-ملت‌های عرب و اولین و دومین مقطع جمهوری ترکیه درصددند از طریق حساب و کتاب‌های تاکتیکی، «بیشینه‌سهم» را در گستره‌ی نظام به‌چنگ آورند و در ازای تأیید شدن و پشتیبانی شدن توسط نظام، اجازه دهند که نظام از آن‌ها بهره‌مند شود، ایران نیز می‌خواهد چالشی را که با نظام دارد با هدفی مشابه به کار بگیرد و نتایج مشابهی کسب نماید. این نوعی چانه‌زنی سنتی و تپییک تجار بازار است که در سنت ایرانی جایگاهی قوی

را داراست. چالش در ایران نیز درست از همین نقطه آغاز می‌گردد. سنت فرهنگی قوی، یک قشر انحصارگر دولتی سازش کرده با مدرنیته‌ی سرمایه‌داری را نیز نمی‌پذیرد. بنابراین شانس اینکه چالش موجود در ایران به یک «مبارزه در میان دو مدرنیته‌ی آلترناتیو تحول یابد، همیشه وجود دارد. برعکس آنچه در دولت-ملت‌های ترکیه و عرب دیده شد، تصور نمی‌رود به آسانی نیز از میان برداشته شود. الیگارش‌ی ایران، امروزه بر سر‌خاورمیانه وارد یک درگیری هژمونیک با اسرائیل گشته است (اگرچه این درگیری عمدتاً در سطح گفتار ادامه دارد). به‌ویژه سعی دارد که با همین هدف، از فعالیت‌های هسته‌ای خویش به‌عنوان یک کارت دوم استفاده نماید. سنت دولتی در ایران هرچند یک تجربه‌ی هزاران ساله را به‌عنوان اسلحه در اختیار دارد؛ اما در دوران مدرنیته‌ی سرمایه‌داری درباره‌ی نیروی خود اغراق می‌نماید. در عصری که نظام سرمایه‌داری در گسترده‌ترین سطح گلوبال شده است، اگر نظام دولتی ایران مدرنیته‌ای را به‌صورت ریشه‌ای ترجیح ندهد، شانس موفقیت آن بسیار ضعیف است. همانند سایر دولت-ملت‌های منطقه، پیش روی دولت-ملت ایران نیز چاره‌یابی مسائل دارای دو محور است. چاره‌یابی حول محور اول عبارت است از: سازش کردن با نظام؛ درست همانند رژیم شاهنشاهی پهلوی. در اصل دولت-ملت ایران برای این امر آماده است؛ اما نظام مدرنیته‌ی سرمایه‌داری آن را به‌شکل موجود قبول ندارد. ولی دیدارهایی که در راستای سازش صورت می‌گیرند، نهایتاً چه از راه صلح‌آمیز و چه از راه جنگ، به نفع نیروهای هژمونیک سرمایه‌داری به فرجام خواهند رسید. دومین محور این است که وقتی موضوع حل مسائل پیش

کشیده شود، گسست رادیکال از نظام مطرح خواهد گشت. یعنی هنگام ناتوان‌گشتن، هم قشر انحصارگر دولتی ایران و هم نیروهای هژمونیک غربی، راهکار مدرنیته‌ی دموکراتیک به‌طور ناگزیر وارد عرصه خواهد شد.

می‌کرد، تمامی قیام‌ها و ساختارهای دموکراتیک و خودگردان اجتماعی (نظیر عشایر و ایلات) با تصفیه و سرکوب رویارو شدند، نهایتاً دولت-ملت مدرن پهلوی شکل گرفت و معضلاتی جدی در زمینه‌ی دموکراسی به‌وجود آمد.

اگرچه تلاش‌هایی جهت مشروطه کردن پادشاهی ایران از زمان قاجار بدین سو صورت گرفت، اما ملی‌گرایی‌ای که به‌خصوص در دوران پهلوی اوج گرفت، مانع از مشروطیت گردید و زمینه‌ی دیکتاتوری قاطعی از نوع دولت-ملت مدرن را به‌وجود آورد. در برهه‌ی کنونی نیز ساختار اداری نظیر تقسیمات استانی، شوراهای شهر و روستا و مجلس (پارلمان) اگرچه تحت نام مدیریت‌ها و نمایندگی‌های بومی معرفی می‌شوند اما در عمل فاقد کارکرد لازم جهت تمرکززدایی بوده و بسیار تصنعی می‌باشند.

۲- تأثیرات ملی‌گرایی، دین‌گرایی، جنسیت‌گرایی و علم‌گرایی پوزیتیویستی: این ایدئولوژی‌ها هم بر دولت و هم بر جریان‌ات مخالف تأثیر عمیقی بر جای نهاده‌اند. در نتیجه باعث شده‌اند که تعریف صحیحی از مسائل خلق‌ها صورت نگیرد. همچنین تنوعات هویتی ایران به دلیل ملی‌گرایی دولت-ملت همیشه با برچسب‌های ناروا به حاشیه رانده شده و سرکوب گردیده‌اند. زنان از هر نوع حق و آزادی محروم گشته و شدیدترین تبعیض‌ها و ستم‌ها علیه‌شان صورت گرفته است. نهایتاً به‌جای اتکا به راهکارهای دموکراتیک، با تشدید دیدگاه‌های امنیتی و اصرار بر ایدئولوژی رسمی که به نگرش‌های مدرنیته‌ی سرمایه‌داری نیز آلوده گردیده بر مسائل

بخش ششم

..... مسائل مربوط به دموکراتیزاسیون در ایران

به طور خلاصه می‌توان ریشه‌ی مشکلات کنونی ایران در زمینه‌ی دموکراتیزاسیون را به چند عامل اساسی ربط داد.

۱- مرکزگرایی: امپراطوری ایران به‌ویژه بعد از صفویان تحت نفوذ سیاست‌های نیروهای اروپا و به‌ویژه بریتانیا قرار گرفت. هدف این نیروها این بود که کلیت فرهنگی و سیاسی خاورمیانه تجزیه شود تا به راحتی کنترل و نفوذ خود را بر روی آن برقرار سازند. در ادوار مختلف بخش‌های مختلفی از امپراطوری ایران نظیر افغانستان، گرجستان، ارمنستان و... طی قراردادهایی به مرور جدا شده بودند. بنابراین در دوران پهلوی، تلاش گردید تا با مبدل‌شدن به یک دولت-ملت مرکزی، از فروپاشی هرچه بیشتر جلوگیری شود. یک بروکراسی غول‌آسا درست شد که همه چیز را به مرکز متصل

داخلی جوامع دامن زده شده است.

۳- فقدان قانون اساسی دموکراتیک: جز در برخی مقاطع بسیار کوتاه به آزادی‌های بیان و سازماندهی اجازه داده نشده است. زیرا این آزادی‌ها توسط قوانین اساسی دموکراتیکی که بر اساس توافق عمومی باشد تحت ضمانت گرفته نشده‌اند.

۴- خشونت و میلیتاریسم (ارتش‌سالاری): دولت‌ملت، کاپیتالیسم و صنعت‌گرایی به عنوان سه عنصر اساسی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری، جهت ایجاد «مدل جامعه‌ی یکدست»، همیشه ضرورت سیاست‌های خشونت، انکار و امحار را مبنا می‌گیرد. با ورود مدرنیته‌ی سرمایه‌داری به ایران و به‌ویژه از دوران پهلوی و شکل‌گیری دولت‌ملت مرکزی این سیاست‌های خشونت و امحار در پی گرفته شد و تاکنون نیز در جمهوری اسلامی تداوم دارند. هدف این بوده است که تمام خلق‌های ایران و از جمله خلق کورد را در فرهنگ ملت فرادست ذوب کنند. از لباس خلق‌ها گرفته تا زبان، دین و اقتصاد همه چیز مورد تهاجم قرار گرفت. دولت با ملت‌ریزه کردن، ایجاد فضای امنیتی، کاربست زور و اعمال خشونت بر حادث شدن مسائل اجتماعی افزوده است. تبعید به جغرافیای خارج از وطن خویش و تغییر بافت جمعیتی مناطق؛ کوچانیدن از روستا و مناطق غیرشهری به شهرها؛ سیاست‌های اعمال‌شده در زندان‌ها؛ شکنجه و اعدام؛ سیاست‌های آسیمیلاسیون اجباری از طریق نظام آموزشی و رسانه‌ها؛ بیکار نمودن و اعمال ممنوعیت‌ها همه و همه از جمله مصادیق خشونت می‌باشند که توسط دولت علیه خلق‌های ایران و به‌ویژه خلق کورد صورت گرفته و هنوز هم تداوم دارند.

نکته‌ی مهم این است که عناصر مدرنیته‌ی کاپیتالیستی و به‌ویژه دولت‌ملت‌ها تمامی اشکال خشونت را در مورد کوردستان و کوردها عملی کرده‌اند. اشتباه است که این اقدامات را صرفاً به قدرت‌های خودکامه‌ی فارس، ترک و عرب و دولت‌ملت‌های آن‌ها مربوط بدانیم. تا وقتی هژمونی مرکزی کاپیتالیستی در کار نباشد، هیچ مدیریت خودکامه یا دولت‌ملتی به تنهایی نیروی اجرای خشونت امحارانه‌ی ملی را ندارد. تا نظام اجازه‌ی چنین کاری را ندهد، در صورت تمایل نیز قادر به انجام آن نخواهد بود. حتی اگر توانش را داشته باشد نمی‌تواند آن را مداوم و ماندگار نماید.

دیپلماسی در ملت دموکراتیک نیز در گستره‌ی سیاست دموکراتیک قرار دارند. تنها با در پی گرفتن سیاست دموکراتیک است که آزادی اندیشه، احزاب برخوردار از ساختار دموکراتیک، تأسیس سندیکا، تعاونی و هرگونه جامعه‌ی مدنی آزاد امکان‌پذیر خواهند بود. یکی از ضروریات اجتناب‌ناپذیر سیاست دموکراتیک فراهم‌سازی زمینه‌ی شکل‌گیری فضای سیاسی باز جهت مشارکت همگان است.

ج. مدل چاره‌یابی‌ای که پژاک جهت حل مسئله‌ی کورد مطرح نموده است، ملت دموکراتیکی است که از همه‌نوع «دولت-ملت» گرایمی تمیز گردیده است. رهیافت ملت دموکراتیک از «دولت-ملت» گرایمی رهایی یافته و نه تنها برای کوردها بلکه برای تمامی اجتماعات اتنیک و ملی ایران مصداق و اعتبار دارد. راه‌حل‌های «دولت-ملت» گرا، که به درازای تاریخ مدرنیته‌ی سرمایه‌داری و در تمام مقاطع مسائل ملی به‌عنوان تنها رهیافت و راه‌چاره تحمیل گردیده‌اند، تاریخ را به دریایی از خون مبدل نموده‌اند. «دولت-ملت» گرایمی، راه‌حل و فصل مسائل نیست؛ بلکه راه تعمیق، شدت‌بخشی و شعله‌ورسازی جنگ و بدین ترتیب تحقق و مستمرسازی «سود» است. راه صلح و چاره‌یابی مسائل در این است که سه‌پایه‌ی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری (دولت-ملت، پیشینه سود کاپیتالیستی، صنعت گرایمی) به کناری نهاده شود و عناصر مدرنیته‌ی دموکراتیک (ملت دموکراتیک، اقتصاد محیط‌زیست‌گرا و کمونال‌عاری از سود و صنعت اکولوژیک) به‌عنوان آلترناتیو در برابر آن ایجاد شوند

بخش هفتم

..... پژاک و رهیافت ملت دموکراتیک

حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک) جهت حل مسئله‌ی کورد و مسائل دیگر خلق‌های ایران، با اتکا به مفاهیم، نظریات و اصول چاره‌یابی دموکراتیک و در جهت پیشبرد رهیافت ملت دموکراتیک به فعالیت و مبارزه می‌پردازد. بر این مبنا:

الف. «قرار گرفتن ایران در مسیر دموکراتیزاسیون» و «چاره‌یابی دموکراتیک مسئله‌ی کورد»، دو روی یک سکه هستند که یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست.

ب. سیاست دموکراتیک به منزله‌ی حوزه‌ی آزادی‌های جامعه، یک امر اجتناب‌ناپذیر است. سیاست دموکراتیک بستر چاره‌یابی تمامی مسائل کنونی و مسائلی است که در آینده بروز نمایند. مذاکرات و

۵- تنها راه جهت اینکه با توسل به رویکردی صلح‌آمیز و سیاسی در زمینه‌ی مسئله‌ی کورد با دولت-ملت ایران به چاره‌یابی رسیده شود و حل مسئله امکان‌پذیر گردد، این است که حق مبدل‌شدن به ملت دموکراتیک برای خلق کورد و استاتوی خودم‌دیریتی دموکراتیک به‌عنوان نتیجه‌ی طبیعی این حق پذیرفته شود (این حق جهت سایر خلق‌ها نیز مصداق دارد). برای اینکه این راه حل بتواند پیشبرد یابد، باید گام‌به‌گام حوزه‌ی «دولت-ملت» گرایمی محدود گردد و حوزه‌ی جامعه‌ی دموکراتیک مدنی وسعت یابد. نظام کنفدرالیسم دموکراتیک بر این مبنای جهت صلح و چاره‌یابی سیاسی مساعد می‌باشد. مانع موجود بر سر راه صلح و چاره‌یابی سیاسی، پروژه‌ها و سیاست‌های مبتنی بر نسل‌کشی فرهنگی سرپوشیده‌ای است که دولت علیه کوردها اجرا می‌نماید. اگر از این مقولات دست بکشد و بپذیرد که اقتصاد محیط‌زیست‌گرا و کمونال در راستای محدودسازی سود، صنعت اکولوژیک و به‌ویژه ملت دموکراتیک به‌مثابه‌ی عناصر مدرنیته‌ی دموکراتیک، در نظام گنجانده شوند و به جایگاه و استاتویی در قانون اساسی دموکراتیک دست یابند، مسیر صلح‌ماندگار و راه‌حل سیاسی گشوده خواهد شد.

۶- در چاره‌یابی دموکراتیک مسئله‌ی کورد در شرق کوردستان و ایران، مسائل یا از راه صلح و سیاست دموکراتیک و از طریق قانون اساسی دموکراتیک حل خواهند گشت؛ که در این وضعیت دولت-ملت ایران نه تنها از سیاست نفی و نابودی دست بر خواهد داشت، بلکه تعریف واقع‌گرایانه‌ی مسئله را پذیرفته و راه‌حل آن را در قانون

اساسی دموکراتیک جهانشمول خواهد گُشت. بدین ترتیب هم مضمون و هم روش قانون اساسی دموکراتیک را با مخاطبان مسائل تعیین خواهد کرد. این راه‌حلی که تمامیت کشور را هم به‌منزله‌ی دولت و هم ملت میسر گرداند، تحولات ریشه‌دار و دموکراتیکی را الزامی می‌نماید. به‌عنوان راه دوم، اگر از این راه که مورد طلب است به اصرار ممانعت به‌عمل آید، راهی که باقی می‌ماند این است که کنفدرالیسم دموکراتیک کوردستان به‌صورت یک‌طرفه اتوریته‌ی دموکراتیک خویش را ایجاد نموده و از آن دفاع نماید. عناصر بسیاری جهت پیشروی موفقیت‌آمیز در این راه وجود دارند. پژاک برساخت ملت دموکراتیک را در افق اهداف خود قرار داده و نه ملت‌گرایی دولتی را؛ بنابراین همیشه طرفدار حل مسالمت‌آمیز مسائل و صلح است و به روی گفتگو و مذاکره با دولت باز می‌باشد؛ اما در صورتی که در این راه موفقیتی حاصل نشود، خواهد توانست در مسیر اصلی خویش و از طریق نیروی ذاتی خود به تداوم موفقیت‌آمیز فعالیت و پیشاهنگی جهت برساخت ملت دموکراتیک بپردازد. چاره‌یابی دموکراتیک مدنظر پژاک بر مبنای تأسیس دولت یا تغییر مرزهای سیاسی ایران نیست. بلکه عبارت است از مبدل‌شدن کوردها به ملت دموکراتیک.

۷- ابعاد ملت دموکراتیک را می‌توان به‌شکل زیر برشمرد:

۱- بُعد کمون دموکراتیک و فرد-شهروند آزاد

اولین شرط مبدل‌شدن به ملت دموکراتیک این است که فرد

آزاد باشد و این آزادی را به همراه کمون یا اجتماعاتی که بدان‌ها تعلق دارد، بر مبنای سیاست دموکراتیک تحقق بخشد. هنگامی که فرد-شهروند ملت دموکراتیک با «دولت-ملت» در زیر یک سقف سیاسی زندگی نماید، تعریفش اندکی دیگر وسعت می‌یابد. در این وضعیت و در چارچوب «شهروندی مبتنی بر قانون اساسی»، به اندازه‌ای که فرد-شهروند ملت دموکراتیک خویش است، فرد-شهروند دولت نیز می‌باشد. موردی که در اینجا اهمیت می‌یابد این است که استاتوی ملت دموکراتیک به رسمیت شناخته شود؛ یعنی خودمدیریتی دموکراتیک، در قانون اساسی ملی به‌عنوان یک استاتوی حقوقی گنجانده شود.

۲- بُعد سیاسی

خودمدیریتی دموکراتیک بیانگر بُعد سیاسی ملت دموکراتیک است؛ به عبارتی دیگر به معنای اتوریته یا مدیریت دموکراتیک جامعه است. نمی‌توان ملت دموکراتیک را بدون مدیریتی ذاتی تصور نمود. اگر جامعه‌ای از مدیریت ذاتی خویش محروم باشد، از حالت ملت مدیریت را تصور نمود. جهت آنکه بتوان تحت یک سقف سیاسی مشترک با دولت-ملت زندگی کرد، خودمدیریتی دموکراتیک حداقلی‌ترین شرط است. ترجیحی نازل‌تر از این، نه‌تنها به معنای حل و چاره‌یابی مسئله نیست، بلکه به معنای ژرف‌سازی وضعیت لاینحلی و افزایش درگیری‌هاست.

رهیافت خودمدیریتی دموکراتیک از دو طریق قابل اجراست: راه اول، بر مبنای سازش با دولت است که به‌طور ملموس، در چاره‌یابی مبتنی بر قانون اساسی دموکراتیک نمود می‌یابد. خودمدیریتی دموکراتیک، اصل اساسی این حقوق می‌باشد. شروط اولیه‌ی این اصل عبارت‌اند از: دولت حاکم از هر نوع سیاست انکار و نابودی دست بکشد و ملت ستم‌دیده نیز فکر تأسیس خُرده «دولت-ملت» خاص خویش را به کناری نهد. تمامی راه‌های خارج از این راه، یا موجب به تأخیر انداختن مسائل و بدین ترتیب ژرفا بخشیدن به بن‌بست می‌شود و یا به درگیری‌های شدید و جدایی‌ها ختم خواهد شد. تاریخ مسائل ملی، مملو از چنین نمونه‌هایی می‌باشد. دومین راه اجرایی شدن رهیافت خودمدیریتی دموکراتیک، عبارت است از عملی‌سازی یکطرفه‌ی پروژه‌ی خویش بدون تکیه بر سازش با دولت. در این وضعیت، بی‌شک درگیری با دولت حاکم که این راه یکطرفه‌ی مبدل‌شدن به ملت دموکراتیک را نخواهد پذیرفت، شدت خواهد گرفت. کوردها در این وضعیت در برابر حملات دولت راه چاره‌ای به‌غیر از «اقدام به بسیج عمومی و جنگ سرتاسری جهت حفظ موجودیت خویش و زندگی آزاد» نخواهند یافت. تا دستیابی به استقلال یا برقراری سازش محتمل در طول جنگ، روند مبدل‌شدن به ملت دموکراتیک را با تمامی ابعادش و از طریق نیروی ذاتی خویش پیشبرد داده و تحقق خواهند بخشید.

۳- بُعد اجتماعی

کوردها و سایر تنوعات هویتی ایران در چارچوب ملت دموکراتیک، «نهادهای آموزشی، بهداشتی، ورزشی و هنری» خود را رشد و توسعه خواهند داد. این امر، موجب شکل‌گیری تمامیت دموکراتیک ملی خواهد بود. در آموزش، ساختاری چندزبانی مینا خواهد بود. توسعه‌ی زبان کوردی و دیگر زبان‌ها به موازات زبان فارسی و کاربرد آن‌ها در آموزش، موجب رشد و غنایی پرمعنا خواهد بود. اگر ملت ایران را به‌منزله‌ی تمامیت غناهای هویتی کشور ارزیابی کنیم، آنگاه درک می‌شود که بسیاری از ممنوعیت‌ها و خط‌قرمزهای تاکونوی نوعی پیشداوری خشک‌اندیشانه و محافظه‌کاری بوده‌اند که مانع پیشرفت و ترقی شده‌اند. با توسعه‌ی آزادانه‌ی حوزه‌های آموزش، بهداشت، ورزش و هنر کوردها و دیگر تنوعات هویتی ایران، انسجام‌بخش‌ترین تمامیت ملی به‌شکل داوطلبانه شکل خواهد گرفت.

سطح آزادی زنان در جامعه، معیار سنجش آزادی جامعه و پیشرفت دموکراسی در آن می‌باشد. در ایران، زنان هم از سوی نظام سلطه و هم از سوی سنت‌های نامطلوب جامعه، مورد سرکوب مداوم قرار گرفته‌اند. ساختار قدرت، هم در دولت و هم در جامعه، ریشه در ذهنیت مردسالاری سازمان‌یافته دارد. زنان در واقع کهن‌ترین مستعمره و بردگان تاریخ هستند و نظام قدرت برپایه‌ی بردگی زن شکل گرفته است. بنابراین، آزادی زن، ریشه‌کن کردن قدرت در هر شکل و نوع آن در جامعه می‌باشد. از این رو، زنان به همان اندازه که قربانی نظام سلطه هستند به همان میزان پیشاهنگ مبارزه‌ی آزادی‌خواهانه بر علیه

ساختارها و نموده‌های قدرت می‌باشند.

جوانان، پیشاهنگ بر ساخت جامعه‌ی اخلاقی-سیاسی هستند. اما همیشه از سوی سلطه سعی شده نیروی آن‌ها در جهت حفظ قدرت به کار گرفته شود. اما جوانان همیشه با این امر پیکار نموده‌اند و با اتکا بر نیروی ذاتی خویش، در راستای پیشبرد حقوق خویش علیه نظام پیرسالاری، قدرت‌گرایی، دولت‌گرایی، واپس‌گرایی و محافظه‌کاری به مبارزه برخاسته‌اند. جوان، پویاترین و سرزنده‌ترین نیروی تغییر و تحول دموکراتیک در جامعه است.

تخریبات اکولوژیک در دوران مدرنیته سرمایه‌داری موجب سرطانی شدن شهرها گردیده است. به طوری که محیط زیست سالم جهت تداوم جامعه روز به روز از بین می‌رود. در برابر این وضعیت، در ملت دموکراتیک ساختار اجتماعی سازگار با محیط زیست در تمام فعالیت‌ها مینا گرفته می‌شود. با هر آنچه ضد اکولوژی باشد و موجب تخریب محیط‌زیست شود، مبارزه صورت می‌گیرد و رسیدن به یک ساختار شهری-روستایی همخوان با محیط‌زیست به عنوان یک نیاز حیاتی دیده می‌شود

۴- بُعد زندگی مشترک آزاد

تاثیر سنت‌های نامطلوب و مدرنیته‌ی سرمایه‌داری بر زندگی اجتماعی، بردگی و بیچارگی هر چه بیشتر زنان را با خود به همراه داشته است. بردگی زنان در عموم جهان حاد و عمیق است، اما شدیدترین نوع آن را در مورد زنان کورد می‌توان مشاهده نمود.

تعدد فرزندان که ناشی از جهالت و فقدان آزادی است، نشانگر همین امر است. بیکاری و بردگی با دستمزد حداقل نیز ناشی از رشد بی‌رویه‌ی جمعیت می‌باشد. در برابر این وضعیت، آزادی زنان در مرحله‌ی تکوین ملت دموکراتیک حائز اهمیت‌ی حیاتی است. زن آزاد، به معنای جامعه‌ی آزاد است و جامعه‌ی آزاد نیز ملت دموکراتیک است. در همین رابطه نقش سنتی مرد باید بازگون شود و این امر اهمیت‌ی انقلابی دارد؛ یعنی به جای تکثیر و تداوم نسل از طریق زن و برقراری سلطه و حاکمیت بر وی، باید اقدام به تداوم تکوین ملت دموکراتیک از طریق نیروی ذاتی خویش کند. به نسبتی که زن از وضعیت ایزگی جنسی خارج گردد، می‌تواند در مقام دوست و رفیقی ارزشمند جای گیرد. حتی تلاش جهت مبدل شدن به ملت دموکراتیک نیز بایستی بخشی از بنیان روابط زندگی مشترک آزاد با زنان باشد. یک زن یا مرد در صورت لزوم باید روابط کلیشه‌ای را به کنار نهد اما به هیچ وجه نباید دست از نقش خویش در جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی بردارد. ایده‌آل‌ترین زندگی مشترک زن و مرد، در شرایط امروزی و واقعیت اجتماعی ما تنها هنگامی قابل تحقق است که در فعالیت‌های دشوار بر ساخت ملت دموکراتیک به موفقیت‌های بزرگی نائل آیند.

۵- بُعد اقتصادی

فقدان حیات آزاد در جامعه‌ی کورد بیشتر ناشی از کنترل و استثمار حیات اقتصادی‌اش توسط دولت‌ملت است. به‌طوری که اسارت

اقتصادی، به حالت مؤثرترین ابزار «انکار هویتی» و «محرومیت از آزادی» کوردها در آورده شده است. استثمار اقتصادی جهت آن است که این وضعیت به فرد کورد تحمیل شود: «یا از حالت جامعه خارج شو یا بمیر!».

خودمدیریتی اقتصادی، حداقلی‌ترین سازشی است که بین دولت‌ملت و ملت دموکراتیک می‌توان بدان رسید. محتوای خودمدیریتی اقتصادی طوری است که نه کاپیتالیسم خصوصی مبنا گرفته می‌شود و نه کاپیتالیسم دولتی. در خودمدیریتی اقتصادی سعی می‌گردد صنایع، تکنولوژی، توسعه و شهرسازی با محیط‌زیست و جامعه‌ی دموکراتیک وفق داده شوند. خودمدیریتی اقتصادی، مدلی است که در آن سود و انباشت سرمایه به سطح کمینه تقلیل می‌یابد. بازار، تجارت، تنوع محصول، رقابت و بازدهی را رد نمی‌نماید اما حاکمیت سود و انباشت سرمایه بر روی آن را نمی‌پذیرد. پیداست که بستری قانونی برای خودمدیریتی اقتصادی لازم است. مرکزیت‌گرایی موجود در قوانین دولت-ملت، تحت نام یکپارچگی حقوقی، مانع خلاقیت اقتصادی، اکولوژیک و رقابت می‌شود. بنابراین نوعی حقوق اقتصادی لازم است که پدیده‌ی بازار ملی را رد و انکار نکند اما دینامیسم‌های بازار بومی و اقتصاد خودمدیر را نیز مدنظر قرار دهد.

۶- بُعد حقوقی

در ملت دموکراتیک، حقوق دموکراتیک مبنا گرفته می‌شود.

حقوق دموکراتیک، حقوقی ست منعطف و متکی بر تنوع. این نوع حقوق، ساختاری ساده دارد و تنظیمات حقوقی پر جزئیات دولت-ملت که موجب نابودی جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی می‌شود را مبنای نمی‌گیرد. ملت دموکراتیک، بیشتر از اینکه ملت حقوقی باشد، ملت اخلاقی سیاسی است. وقتی قرار بر این باشد که ملت دموکراتیک تحت یک سقف سیاسی مشترک با دولت به سر برد، نیاز به حقوق احساس می‌گردد. آنچه مبنای قرار می‌گیرد این است که موجودیت کوردها از نظر قانونی به رسمیت شناسانده شود. در صورت عدم تحقق این امر، حقوق خودمدیریتی به صورت یکطرفه برقرار خواهد گشت و تلاش خواهد شد تا استاتوی خودمدیریتی دموکراتیک خود در چارچوب قوانین اساسی ملی بیان شود. مدیریت خودمدیریتی دموکراتیک در کوردستان یک مدیریت حقوقی دولتی نیست. بلکه مدیریت مدرنیته‌ی دموکراتیک در سطح بومی است.

۷- بُعد فرهنگی

ملت دموکراتیک با اعاده‌ی معنای واقعی به تاریخ و فرهنگ، سعی بر تشکیل خویش می‌نماید. تاریخ و فرهنگی که دچار تحریف گردانده شده، گویی در روند شکل‌گیری ملت دموکراتیک به رنسانس می‌رسند. رهیافت ملت دموکراتیک برای حل مسئله‌ی کورد، پیش از هر چیز به تعریف صحیح تاریخ و فرهنگ کوردها مرتبط و وابسته است. تعریف صحیح تاریخ و فرهنگ، تعریف موجودیت اجتماعی را به همراه می‌آورد. بر ساخت ملت دموکراتیک

کورد، هم با ملی‌گرایی دولت‌ملت حاکم تفاوت دارد و هم از رویکردهای ملی‌گرایانه و دولت‌گرایانه‌ی کوردی متفاوت است؛ در برابر آن‌ها، نوعی ملت آلترناتیو است که بر تاریخ و فرهنگ زحمت‌کشان و خلق‌ها متکی است.

۸- بُعد امنیتی و دفاع ذاتی

لزومات دفاع بیولوژیک، توسط غرایز دفاعی موجود در هر جاننداری به‌جای آورده می‌شود. در دفاع اجتماعی نیز، تمامی افراد اجتماع به‌صورت مشترک از خویش دفاع می‌نمایند. نظام دفاع ذاتی کوردها در دوپست سال اخیر و با یورش مدرنیته‌ی سرمایه‌داری در برابر حملات ناکافی ماند و موجودیت کوردها برای اولین بار با خطر نابودی مواجه گشت. حداقلی‌ترین شرط مشترک زیستن با دولت‌ها، این است که ضمانت مبتنی بر قانون اساسی جهت حفظ هویت ذاتی و حیات آزاد کوردها تأمین گردد. صرفاً ضمانت مبتنی بر قانون اساسی کفایت نمی‌کند؛ باید با استاتویی که از طریق قوانین تعیین‌گشته، شرایط ملموس اجرای ضمانت مزبور پیگیری شوند. کلیه‌ی امور امنیتی به غیر از دفاع ملی مشترکی که در برابر خارج صورت می‌گیرد، باید توسط خود جامعه‌ی کورد انجام داده شوند. زیرا یک جامعه فقط خودش می‌تواند به بهترین وجه، امنیت داخلی‌اش را برقرار سازد و به مناسب‌ترین شکل نیازهای آن را برآورده نماید. بنابراین دولت ایران باید در سیاست‌های امنیت داخلی خویش رفرم‌هایی جدی صورت دهد.

۹- بُعد دیپلماتیک

در دیپلماسی دولت-ملت‌های خاورمیانه برای ملت‌های ستمدیده همیشه نقشی ابزاری در نظر گرفته شده است. بنابراین ملت دموکراتیک برای حفظ موجودیت و آزادی خود به یک فعالیت مثبت دیپلماتیک نیاز دارد (یعنی هم میان خود و همسایگان؛ و هم در سطح جهانی). دیپلماسی ملت دموکراتیک یک ابزار برقراری صلح، دوستی، دادوستد و همبستگی میان جوامع و خلق‌های همسایه است و به حل مسائل منجر می‌شود. این نوع دیپلماسی بر ارزش‌های متعالی اخلاقی و سیاسی متکی است. دیپلماسی ملت دموکراتیک، در چارچوب مدرنیته‌ی دموکراتیک می‌تواند میان خلق‌ها و ملل خاورمیانه - که دیپلماسی «دولت‌ملت» آن را به سوی یک کائوس و درگیری بزرگ سوق داده است- نقش چاره‌یابی ماندگاری را ایفا نماید.

فعالیت‌های دیپلماتیک خودسرانه‌ای که برخی سازمان‌های کوردی مطابق منافع خویش در پی توسعه‌ی آن بوده‌اند، تاکنون بیشتر از فایده، موجب زیان، انشعاب و درگیری میان کوردها شده است. بنابراین یکی از وظایف اساسی ملی، توسعه‌ی یک دیپلماسی کلیت‌مند میان کوردهاست. به همین جهت تأسیس «کنگره‌ی دموکراتیک ملی» و کارایی بخشی به آن، حیاتی‌ترین وظیفه در گستره‌ی دیپلماسی کوردها می‌باشد.

اساسنامه‌ی حزب

..... بخش نخست: اصول کلی

۱- نام حزب: به کوردی «پارتی ژبانی ئازادی کوردستان» و به فارسی «حزب حیات آزاد کوردستان». مخفف آن پژاک- PJAK است.

۲- نشان حزب: زمینه‌ای مستطیل شکل است که نیمه‌ی بالایی آن سرخ‌رنگ و نیمه‌ی پایینی به رنگ سبز می‌باشد، در زمینه‌ی سرخ‌رنگ آن نیم‌خورشیدی با ۱۵ اشعه‌ی کوتاه و ۱۶ اشعه‌ی بلند

قرار دارد. کلمه‌ی PJAK با حروف لاتین در نیمه‌ی سبز رنگ به صورت خطی مستقیم با رنگ زرد نوشته شده است.

۳- رهبر حزب: پژاک رهبر خلق کورد عبدالله اوچالان را به عنوان رهبر خود پذیرفته و مانیفست تمدن دموکراتیک وی را مانیفست مبارزاتی خود می‌داند.

۴- رابطه با نظام جامعه‌ی دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان (کۆبه‌نگای دیهوکراتیک و نازادی رۆژه‌لاتی - کودار):

نظام کودار را به رسمیت شناخته و در آن عضویت دارد. در راستای اصول و مبانی کودار و هم‌راستا با سیاست‌های آن، به صورت مستقل خط مشی حزبی خویش را مشخص ساخته و مبتنی بر برنامه و اساس‌نامه‌ی خویش در تمامی عرصه‌ها فعالیت می‌نماید.

۵- اهداف حزب: حل مسئله‌ی کورد در چارچوب خودمدیریتی دموکراتیک؛ حفاظت از ارزش‌های والای ملت دموکراتیک و حزب؛ پیشبرد حیات آزاد و دموکراتیک در شرق کوردستان و ایران؛ تلاش برای تأمین حقوق و آزادی‌های کلیه‌ی اقشار اجتماعی و سازماندهی جامعه‌ی دموکراتیک؛ مبارزه با ذهنیت و روابط سیاسی-اجتماعی ناشی از مردسالاری و مبارزه جهت هویت‌یابی و آزادی زن در جامعه؛ پیشبرد روابط دموکراتیک با خلق کورد ساکن در سایر بخش‌های کوردستان؛ تلاش برای برقراری روابط آزادانه با خلق‌های ایران و همکاری با جنبش‌های دموکراسی‌خواه ایران، خاورمیانه و جهان.

اهداف به‌طور مشروح در برنامه گنجانده شده است.

بخش دوم: عضویت

۱- تعریف عضو:

هر فردی که برنامه و اساسنامه‌ی حزب و اصول آن را پذیرفته و مسئولیت تحقق آن‌ها را برعهده گرفته و وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهد، عضو حزب محسوب می‌گردد. به عضویت درآمدن اعضای حزب فارغ از تمایزات ملی، فرهنگی، جنسیتی و دینی است و به شکل آزادانه و دموکراتیک صورت می‌گیرد.

۲- ویژگی‌های اعضا:

الف. معیارهای دموکراتیک، حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی را مبنا قرار می‌دهد و جهت رشد و توسعه‌ی آن‌ها در جامعه تلاش می‌نماید.

ب. به حقوق دموکراتیک و آزادی‌های فرد و جامعه و لزوم توازن بین آن‌ها اعتقاد دارد و شیوه‌ی سیاست دموکراتیک و میهن‌دوستانه را پذیرفته و عملی می‌سازد. اراده‌ی جامعه را مبنا گرفته و به خلق‌ها احترام می‌گذارد.

ج. با ذهنیت دولت‌محور، جنگ‌طلب و قدرت‌گرا مبارزه می‌کند و جهت حفظ، احیا و پیشبرد ارزش‌های کمونال و دموکراتیک خلق‌ها

و تنوعات فرهنگی، ملی و دینی- مذهبی دموکراتیک جامعه فعالیت می‌نماید.

د. با جنسیت‌گرایی اجتماعی و مظاهر آن مبارزه می‌نماید و اصل برابری مبتنی بر تفاوت‌مندی‌ها و آزادی زن و مرد و عدالت اجتماعی را مبنا می‌گیرد.

ه. با اعمال تبعیض‌های اتنیکی، دینی و طبقاتی مبارزه می‌نماید و به هویت خلق‌ها احترام می‌گذارد.

و. معیارهای اخلاقی و آزادی‌خواهانه را مبنا می‌گیرد، صادق است و داوطلبانه و با فداکاری در کارها مشارکت می‌نماید.

ز. در فعالیت‌های خود، کار و تلاش را همچون عبادت در زندگی می‌شمارد و به کار و تلاش دیگران نیز احترام می‌گذارد.

ح. منظم، خلاق و مبتکر است.

ط. پایبند به اکولوژی و حافظ محیط‌زیست است.

ی. پایبند به اصل انتقاد و خودانتقادی است.

ک. میهن‌دوستی را به‌عنوان معیاری اساسی می‌پذیرد.

٤- حقوق اعضا:

الف) از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه‌ی سطوح حزبی برخوردار است.

ب) از حق ابراز نظر، انتقاد و پیشنهاد در جلسات رسمی حزب برخوردار است.

ج) در چارچوب قواعد حزبی، در مقابل انتقادات و اتهامات وارده،

دارای حق «دفاع از خود» است.

د) در رابطه با فعالیت‌های حزب می‌تواند کسب اطلاع نماید. به علاوه درباره‌ی رویدادها حق توضیح خواستن از فرد و نهادهای مربوطه را دارد.

ه) از حق مشارکت در دوره‌های آموزشی - با توجه به امکانات موجود - برخوردار است.

٥- وظایف اعضا:

الف) جهت عملی‌سازی اهداف حزب، با فداکاری و عزمی راسخ فعالیت می‌نماید.

ب) پارادایم جامعه‌ی اکولوژیک- دموکراتیک و مبتنی بر آزادی زن را مبنا قرار می‌دهد و اطرافیان را نیز بر اساس مبانی آن آگاهی می‌بخشد.

ج) مصوبات حزب را عملی می‌گرداند و مطابق اساسنامه، معیارها و اصول اخلاقی حزب عمل می‌نماید.

د) سیاست‌ها و تاکتیک‌های مشخص شده از سوی کنگره و مجلس حزب را عملی می‌سازد.

ه) در فعالیت‌ها و زندگی خود رعایت دیسیپلین و انضباط حزبی را مبنا قرار می‌دهد.

و) وظایف عضویت را بجای می‌آورد، نسبت به ارزش‌های والای خلق با احترام رفتار می‌نماید و مسئولیتی که از سوی حزب به او داده می‌شود را صادقانه انجام می‌دهد.

هـ. در صورت لزوم، جهت ارزیابی وضعیت سیاسی و اتخاذ تصمیماتی مهم خارج از تغییر برنامه و اساسنامه، سلب وظیفه یا انتخاب اعضای مجلس کنفرانس حزب می‌تواند برگزار شود. کنفرانس‌ها با پیشنهاد دو سوم اعضای مجلس و تصویب ریاست مشترک حزب تشکیل می‌شوند.

و. ارگان‌های حزب می‌توانند کنفرانس‌های خاص خود را در صورت لزوم با تصویب مجلس و موافقت ریاست مشترک حزب تشکیل دهند.

ز. کنگره با توجه به مطالبه‌ی اکثریت اعضای مجلس به شیوه‌ی فوق‌العاده برگزار خواهد و یا ۶ ماه به تعویق خواهد افتاد.

۲- ریاست مشترک حزب:

الف. ریاست مشترک دو نفره (یک زن و یک مرد) در کنگره با رأی اکثریت از میان نامزدها انتخاب می‌گردند.

ب. ریاست مشترک حزب در فاصله‌ی میان دو کنگره در برابر مجلس حزب مسئول‌اند و فعالیت‌هایشان در جلسات رسمی مجلس ارزیابی می‌شود.

ج. در برابر کنگره مسئول می‌باشند، در فاصله‌ی بین دو کنگره، نماینده‌ی حزب هستند و در مورد فعالیت‌های خود به آن گزارش ارائه می‌دهند.

د. ریاست مشترک، با توجه به نیازهای فعالیت‌های می‌تواند معاونینی برای خود از میان اعضای مجلس برگزیند.

ز. سیاست‌های کنگره را به همراه مجلس حزب به اجرا گذاشته و

۵- عضویت و کناره‌گیری:

الف) شخصی که بخواهد به عضویت حزب درآید درخواست خود را به صورت کتبی یا شفاهی به یکی از ارگان‌های حزب ارائه می‌دهد. ارگان مزبور با طی سلسله‌مراتب حزبی نتیجه‌ی درخواست را طی مدتی کوتاه به شخص مراجعه‌کننده ابلاغ می‌نماید.

ب) هر عضو جهت کناره‌گیری، باید دلایل خود را به شیوه‌ای کتبی به ارگان فعالیت‌های خود ارائه کند که پس از موافقت مجلس حزب، اقدام لازم صورت می‌پذیرد.

بخش سوم: ساختار حزب

۱- کنگره:

الف. بالاترین ارگان تصمیم‌گیری حزب، کنگره است. کنگره حزب هر سه سال یکبار با مشارکت حداقل دو سوم نمایندگان منتخب، برگزار می‌شود.

ب. کنگره با تصمیم دو سوم اعضای مجلس حزب و با موافقت ریاست مشترک حزب می‌تواند به صورت فوق‌العاده برگزار شود.

ج. اعضای منتخب از تمامی ارگان‌های حزب به نسبت تعداد اعضای ارگان‌ها و از راه انتخابات، در کنگره حضور خواهند داشت.

د. کنگره، در مورد برنامه و اساسنامه‌ی حزب تصمیم‌گیری می‌نماید.

سیاست‌های کلی حزب را تعیین می‌کند. عملکرد حزب را ارزیابی می‌نماید. اعضای مجلس، کمیته‌ی انضباطی و ریاست مشترک حزب را انتخاب و بر فعالیت‌های آنان نظارت می‌کند.

پیگیری می نمایند.

هـ. مدیریت جلسات مجلس حزب را بر عهده دارند.

و. در صورت وفات، استعفا و یا ناتوانی ریاست مشترک در امر بجای آوری وظایف؛ تا زمان برگزاری کنگره، مجلس حزب به طور وکالتی وظایف آن‌ها را بجای می آورد.

۳- مجلس حزب:

الف. در فاصله‌ی زمانی دو کنگره، مجلس حزب بالاترین ارگان فعالیت و تصمیم‌گیری است. مجلس از سوی کنگره انتخاب و گزارش فعالیت‌های خود را به کنگره و ریاست مشترک حزب ارائه می‌دهد. مجلس حزب در برابر ریاست مشترک حزب مسئول می‌باشد.

ب. مجلس حزب از ۱۳ نفر از اعضای حزب تشکیل شده که از سوی کنگره انتخاب می‌گردند.

ج. مجلس حزب مسئولیت تعیین سیاست‌های روزانه- تاکتیکی و نیز عملی‌سازی آن‌ها و اجرای خط‌مشی کنگره را بر عهده دارد و اهداف مندرج در برنامه را عملی می‌سازد.

د. مسئولیت سازماندهی، انجام فعالیت‌ها و نظارت بر تمامی نهادها و ارگان‌های حزب را بر عهده دارد.

هـ. مجلس حزب هر چهار ماه یکبار جلسه‌ی منظم خود را برگزار می‌نماید. یا با درخواست ریاست مشترک حزب یا پیشنهاد یک سوم اعضای مجلس و تصویب ریاست مشترک حزب، به حالت فوق‌العاده می‌تواند تشکیل جلسه دهد.

و. مجلس حزب در صورت عدم انجام وظیفه اعضای خود، می‌تواند به محدودسازی و یا تعلیق مسئولیت آنان پردازد. اما تنها در نشست کنگره و کنفرانس، حکم سلب وظیفه می‌تواند صادر شود. ز. اعضای مجلس حزب در برابر تمامی عرصه‌های فعالیت‌ی حزب مسئولیت دارند و تمام فعالیت‌ها را مدیریت می‌نمایند.

۴- نهادهای حزب :

الف) شاخه‌ی زنان پژاک:

شاخه‌ی زنان پژاک به شیوه‌ای خودیژه به سازماندهی خویش می‌پردازد. نقش پیشاهنگی را در عملی‌سازی برنامه و اهداف حزب برعهده دارد. مسئول پیشبرد صحیح خط‌مشی آزادی زن در تمام ارگان‌های حزب است. در همه عرصه‌های ایران و شرق کوردستان مبارزه‌ای همه‌جانبه صورت می‌دهد و در راستای پیشبرد دموکراسی و گذار از ذهنیت مردسالاری به سازماندهی وسیع زنان می‌پردازد.

ب) شاخه‌ی جوانان پژاک:

جوانان به‌عنوان قشر پویای جامعه، مؤثرترین نیروی پیشبرنده‌ی تحولات اجتماعی هستند. شاخه‌ی جوانان پژاک در چارچوب اهداف مشخص‌شده‌ی برنامه‌ی حزب و سیاست‌های کلی آن حرکت می‌نماید و به سازماندهی ویژه‌ی جوانان می‌پردازد. در سازماندهی و تشکیلات درون‌سازمانی دارای ابتکار عمل است.

ج) مرکز رسانه‌ای حزب:

این مرکز در چارچوب اهداف، سیاست‌های کلی و برنامه‌ی حزب به فعالیت در زمینه‌ی رسانه‌ای می‌پردازد. در راستای روشنگری جامعه و تبلیغ و نشر اهداف مبارزه‌ی دموکراتیک در ایران و شرق کوردستان فعالیت می‌نماید.

د) کمیته‌ی انضباطی:

آ- کمیته‌ی انضباطی حداقل از سه عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل تشکیل و از سوی کنگره‌ی حزب برای مدت سه سال انتخاب می‌شود. آیین‌نامه‌ی داخلی خود را تدوین می‌کند، به تصویب مجلس حزب می‌رساند و به تمامی اعضای حزب ابلاغ می‌نماید. ۱) کمیته‌ی انضباطی ضمن مسئولیت در برابر برنامه و اساسنامه‌ی حزب، مسئولیت پیگیری اجرای مفاد آن را نیز برعهده دارد.

۲) کمیته‌ی انضباطی به درخواست‌ها، مشکلات و خطاهای انضباطی درون حزبی رسیدگی می‌کند و تصمیمات خود را با موافقت اکثریت اعضا اتخاذ می‌نماید. با ریاست مشترک حزب و مجلس هماهنگ است و در تصمیمات خود مستقل عمل می‌نماید.

۳) اعضای کمیته‌ی انضباطی همچون سایر اعضا در برابر کلیه‌ی مقررات حیات حزبی مسئول می‌باشند و در کنار فعالیت مربوط به کمیته، لازم است در همه‌ی عرصه‌های کاری حزب به فعالیت بپردازند.

۴) احکام صادره‌ی کمیته‌ی انضباطی با مشورت و هماهنگی مجلس حزب، ضرورت اجرایی می‌یابند.

۵) کمیته‌ی انضباطی با انجام تحقیقات لازم و با توجه به نوع تخلف، مجازاتی از قبیل اخطار، تعلیق عضویت، اخراج موقت یا دایم را صادر می‌کند.

۶) معترضین به حکم کمیته، می‌توانند اعتراض‌نامه‌ی خود را جهت رسیدگی مجدد ارائه دهند.
ب- نقض مقررات:

۱- عدول از اصول اخلاقی و انضباط حزبی، عدم رعایت اجرای اساسنامه، بحث و تبلیغات مغایر با خط‌مشی حزب، سوءاستفاده از حقوق و قوانین حزب، عدم اجرای احکام و دستورالعمل‌ها و یا ایجاد ابهام در مشروعیت آن‌ها، اختلال در اصول سازمانی و نشست‌های رسمی آن، فاش نمودن اسرار سازمانی، هدردادن ارزش‌ها و امکانات حزبی و خلق، سوءاستفاده از مسئولیت و اعمال هر نوع خشونت علیه زن و بدرفتاری با خلق، نقض مقررات محسوب می‌گردند.

۲- ارگان‌ها و اعضای حزب و سایرین در صورت نقض برنامه و اساسنامه‌ی حزب به کمیته‌ی انضباطی ارجاع داده می‌شوند.

بخش چهارم: ضوابط سازمانی

۱- ضوابط سازمانی حزب بر اساس جمع‌گرایی (کلکتیویسم)، مشارکت و مدیریت دموکراتیک می‌باشد.

۲- مشارکت نسبت ۴۰٪ برای جنس مرد، ۴۰٪ برای جنس زن در همه عرصه‌های سازمانی الزامی است و مشارکت یکسان و برابر، میان زن و مرد را مبنای قرار می‌دهد.

۳- کلیه‌ی مدیریت‌های حزبی از طریق انتخابات، نصب و عزل

می‌گردند.

۴- در تمامی انتخابات و امور اجرایی، رأی اکثریت نسبی بدون پیمالی نظرات اقلیت مبنای قرار می‌گیرد.

۵- جهت انتخاب مدیریت ارگان‌ها، از روش رأی‌گیری مخفی و شمارش علنی آراء استفاده می‌شود.

۶- کلیه‌ی ارگان‌ها از بالا به پایین موظف به ارائه‌ی دستورالعمل و از پایین به بالا موظف به ارائه‌ی گزارش هستند. نهادهای مافوق در دستورالعمل‌های خود، پیشنهاد و نظرات نهادهای پایینی را مدنظر قرار می‌دهند. بخشنامه‌ها و دستورنامه‌های ارگان مافوق مشروط به محفوظ‌بودن حق انتقاد، در زمان خود به اجرا درمی‌آیند.

۷- کلیه‌ی ارگان‌های حزب در مدت زمان مقرر شده و به شکلی که در آیین‌نامه‌ها تصویب شده، نسبت به برگزاری جلسات خود اقدام می‌نمایند. جلسات با حضور حداقل دو سوم اعضاء قابل برگزاری است.

۸- دلیل عدم حضور در جلسه بایستی به‌طور کتبی قبل از برگزاری جلسه به ارگان مربوطه ارائه گردد.

۹- عدم حضور بدون دلیل موجه در جلسات، نقض مقررات است. بیش از دو بار غیبت متوالی، در کمیته‌ی انضباطی رسیدگی خواهد شد.

په یروپ وگراڼه
پارته ژيانه نازادی کوردستان

پژاک
PJAK

PARTÎ JIYANÎ AZADÎ KURDISTAN

په سه ندرکراوی کونگره ی چواره م

۲۰۱۴ - ۱۳۹۳

پیشه کی ۷۹

بهشی یه کهم – چوارچۆه ی چه مکه کان (مه فهوومی) ۸۲

بهشی دووهه م – چوارچۆه ی تیوری ۹۱

بهشی سییه م – چوارچۆه ی پره نسیپه کان (ئوسول) ۹۷

بهشی چواره م – ناسنامه ی نه ته وه یی کوردان و

دروستبوونی پرسی کورد له ئیراندا ۱۰۵

بهشی پینجه م – ده ولت – نه ته وه ی ئیران و

نه قشی ئه و له رۆژه لاتی ناوه راستدا ۱۱۱

بهشی شه شم – پرسه کان ی سه باره ت به دیمۆکراتیزاسیۆن له ئیران ۱۱۸

بهشی حه وته م – پزاک و ریکاری نه ته وه ی دیمۆکراتیک ۱۲۲

پهیره و ی پارتی

بهشی یه کهم – پره نسیپه کان ی گشتی ۱۳۴

بهشی دووهه م – ئه ندام بوون ۱۳۵

بهشی سییه م – پیکهاته ی پارتی ۱۳۸

پیشه کی

گۆرانگارییه کان ی جیهانی و به تایبه ت هه ریمی رۆژه لاتی ناوه راست پی ناوه ته قۇناغیک ی چاره نووس سازه وه. له ئاکامی ئه و گۆرانگارییه ناوه دا شکلی دوایی پیکهاته ی سیاسی و کۆمه لایه تی نویی ئه م سه رده مه ده سته به ر ده بییت. له لایه که وه قه یرانی پیکهاته یی سیسته می سه رما به داری جیهانی، به تایبه ت بنه ست له مۆدۆلی ده ولت - نه ته وه و له لایه کی دیکه شه وه هاته ناو کایه ی هیزه کان ی دیمۆکراتیک به سترانژی و به رنامه ی نوپوه، بووه ته هۆی وه دیهاتنی به سستی نوۆ له پینا و چاره سه ری گرفته کان.

یه کیک له و ولتانه ی که له ته ک کیشه ی قوول و هه لپه سیراوی سیاسی و کۆمه لایه تی رووبه روویه و ناتوانیت له و گۆرانگارییه ناوه هه م مه ترسییه کان ی شیمانه کرا و هه م ده رفه ته کان ی ده رکه وتن له قه یران) خوۆی به دوور بگرییت، ئیرانه. له م ناوه دا، به هۆی تایبه ته ندی پرسی کورد له ئیران و هه روه ها کاریگه ری

قوۋلى باهەتى كورد لە ئاستى رۇژھەلاتى ناوہ پراستدا، پيويستى ھەبوونى رېكارىك بۇ چارەسەرى پرسى كورد رۇژ بە رۇژ زياتر خۇى دەسە پيىت. سەرەراي ھەموو سىياسەتەكانى سەكوتكارانەى دەولەتى تيران و ھەولدان بۇ لە ئەستۆ كردنەوہى كيشەكانى ناوخۇى، پرسى كورد لە ھەموو كاتىك زياتر بەرجەستە بووہتەوہ و دىنامىسى كۆمەلايەتى كوردان لە رەوتى گۇرانكارى سىياسى و ديمۇكراتىزاسيۇنى تيراندا لە فاكترە سەرەكى و حاشاھەئەگرەكانە. ھاوكات لەگەل پەرەسەندى ھوشيارى سىياسى و تىگەيشتنى ديمۇكراتىكى گەلى كورد و ھەرۋەھا پىداگرى لەسەر رىكارەكانى ديمۇكراتىك، بىكەلك بوونى بزارەى دەولەتپانە(دولت محور) و پشت بەستوو بە رىكارەگەلى دەرەكەى، ھەرۋەھا رىكارەكانى نەرىتى و ئىنكارەرايانە سەلمىزاوہ. كوردان بە پشت بەستن بە ھىزى زاتى خۇيان، بە ئامانجى گەيشتنە ستانۇيەكى خۇرپوہبەرى ديمۇكراتىك لە تيراندا، ئىستاكە لە ئاستى پيشەنگايەتيدا رۇل دەگىرن. ئاشكرايە كە تيرانىش وەك ھەموو دەولەتانى حاكم بەسەر كوردستاندا، لە ئەگەرى چارەسەرى ديمۇكراتىكى پرسى كورددا دەتوانىت ھەنگاۋ بەرەو سەقامگىرى و تىپەراندى قەيرانەكانى ھەلپىتتەوہ. پارتى ژيانى ئازادى كوردستان(پژاك): بە ناوہندىتى چارەسەرى پرسى كورد و گەلانى دىكەى تيران تىكۇشانى خۇى دەست پىكردووہ و رىكارى ديمۇكراتىكى وەك رىگاي چارەسەرى بەبنەما وەرگرتووہ. پژاك كە پارادايىمى "كۆمەلگاي تىكۇلۇژىك - ديمۇكراتىك و لەسەر بنەماى ئازادى ژن" وەك بنەما و سەردىرى بەرنامەكانى خۇى داناوہ، رىكارى نەتەوہى ديمۇكراتىكى وەك تاكە رىبازى چارەسەرى بنەپەرتى بۇ تىپەربوونى گەلى كورد لە

دۇخى ژىنوسايدى فەرھەنگى دەستىشان دەكات. لەم پىناوہدا ھەموو ھىزى خۇى بۇ دامەزراندنى رەھەندەكانى نەتەوہى ديمۇكراتىكى كورد و قەوارەى خۇرپوہبەرى ديمۇكراتىك وەگەر دەخات. و ھا رىكارىك كە خۇندنەوہىكە ديمۇكراتىكى بەدەر لە عەقلىيەتى دەولەتگەرايە، سەبارەت بە" ديارى كردنى مافى چارەنووسى گەلان بەدەستى خۇيان" بۇ ھەموو گەلانى تيران و چارەسەرى پرسە نەتەوہىيەكانىان پىشنيار دەكات. ھەنووكە لە تيراندا وەك زۇربەى ولاتانى دىكە بۇ چارەسەرى گرتەكان و دەرەكەوتن لە دۇخى ھەيى باس لە رىبازى جياواز دەكرىت. سەرەراي ئەوہش، چەمك و دەستەواژەگەلى وەك ديمۇكراسى، كۆمار، ياساي بنچىنەيى، نەتەوہ و ھەتد كە لە كاتى خستنە بەر باسى پۇژەكانى چارەسەرى بەكاردەھىندىرن، لە دەرئەنجامى كارىگەرى ئايدۇلۇژىاي لىبرالىسم و تىروانىنەكانى نەرىتى، لە بوارى واتايدا و ھا تووشى ئالۇزى بوونەتەوہ كە بەبى سەرلەنوئ پىناسە كردنىان ناتوانىن باس لە چارەسەرى پرسەكان بكەين. لەبەر ئەوہ پىويستە بۇ سىرنەوہى ئەم ئالۇزىيەى كە لە واتاي چەمكەكاندا ھەيە، سەرەتا ھىندىك" چەمك، تىز و پەنسىپ" ى گرېدراۋ بە ديمۇكراتىزاسيون و چارەسەرى گرتەكان شى بكرىنەوہ. چونكە بە رىبازى كاتى و رۇژانە كە پربن لە شىمانە و پيشىبىنى ھەل، روانگەى ئەمنى و داسەپاندن، ناكرىت ولآمدەرەوہى پرسى ئالۇزى وەك پرسى كورد بىن.

ئەوہ راستییە کہ کہ کۆمەلگاگان، شوناسی خۆیان بە فۆرم و شکلی "بنەماله، تابه‌فه، تیره، خپل، هۆز، عیڵ، قه‌وم، گەل و نەتەوہ" بەردەوام کردووہ. ئەو چەمکانە لە نەفسی خۆیاندا بە واتای رەد کردنەوہی دەوڵەت یا یەکیارچەیی وڵات نین. ئەوہی کہ هیشتاش هەوڵدەدرێت کہ گەلی کورد و گەلانی دیکە ی ئێران لە ئاستی ئەتیک (قەوم) دا پێناسە بکری، شێوازیکی چەواشەکردنی راستییە. بەتایبەت کہ گەلی کورد لەمێژە ئاستی هۆشیاری و شوناسی نەتەوہیی وەدەست هێناوہ و پێی گەشتووہ.

نکۆلی لە نەتەوہبوونی کورد یا هەوڵدان بۆ سازکردنی لەمپەر لە هەمبەری گەشتنی کورد بە ئاستی نەتەوہ، ریشەیی هەموو ئەو کارەسات و قەیرانانەییە کہ لە پێوہندی لەتەک پرسی کورددا هاتوونەتە ئاراوہ. ئەوہ لە حالیکیادیە کہ بەکارهینانی چەمکی نەتەوہی کورد و چەمکی نەتەوہی ئێران لە یەک کاتدا هیچ ئاستەنگییەک ساز ناکات و دەتوانیت بەکاربیت. واتە نەتەوہی دیمۆکراتیکی ئێران، دەتوانی شوناسیکی گشتگیر و پیکهاتوو لە نەتەوہکانی جیاواز وەک کورد، عەرەب، ئازەری، تورکمەن، بەلووچ و... بێت. ئەو نەتەوانە نەتەنیا وەک مەترسی ناپەنە ژمار، بەلکۆ دەرتان و دەرڤەتی مەزەن بۆ دامەزاردنی دیمۆکراسی.

ب. دیمۆکراتیزاسیۆن: هەر هەبوونیکی لە چوارچۆیەکی دەستپێشخەری، ئاراستە بەخشین بە خۆی و رێوہەری ژبانی خۆی بەرہەمەندە. ئەو مزارانە کہ پیکهاتنەری چوارچۆیە دیمۆکراسین، لە کۆمەلگای مروڤایەتیدا کہ خاوەن ئاستیکی ژووری کارامەیی زەھنیەتیە حالەتیکیی بەرجەستەیان هەبە. دەکرێت خۆ - رێوہەری ئەو کۆمەلگایانەیی کہ لەتەک دەوڵەت و دەسەلاتدا ئاشنا و ئاویتە نەبوون وەک دیمۆکراسی بەناو بکەین. ئەو کۆمەلگایە دەتوانیت تابه‌فه، تیره، خپل و هۆز یا قەوم، گەل و نەتەوہ بێت. رێوہەرییەکانی زاتی کۆمەلگا لە نەفسی خۆیاندا دیمۆکراتیکن، چون لەسەر بنەمای بەشدارکردن. بەلام

بەشی یەكەم

.....چوارچۆیە چەمکەکان (مەفھومی)

پێناسەیی سەرلەنوویی ئەو چەمکانەیی کہ بۆ گەشتن بە دیمۆکراتیزاسیۆنیکیی سەقامگیر پێویستن، لەسەر ووی هەموو ئەو لەویەتەکاندا. لەو چوارچۆیەدا ئەو چەمک گرینگانەیی کہ دێت راوہستەیان لەسەر بکریت بریتین لە:

ئا. نەتەوہ: کاتیکی لە ئێراندا باس لە گرفتی نەتەوہکان و گەلان دەکرێت، بە ترسەوہ سەیری ناو و نیشانی ئەوان دەکرێت. تەنانەت لە بەناوکردن و پێناسەکردنی وەک "گەل یا نەتەوہ"ی کورد، عەرەب، بەلووچ، ئازەری، تورکمەن، گیلەک، مازەنی و... بەرگری دەکرێت و ئەوانە وەک قەوم و وردە فەرہەنگ نازوہ دەکری. دەتوانین بێژین کہ ترسیکی لە بەکارهینانی چەمکی و دەستەواژی وەک گەل و نەتەوہ هەبە. ئەمە لە کاتیکیادیە کہ رەشکردن و تۆقینەر نیشان داینی ئەو چەمکانە، نە تەنێ پرسەکان چارەسەر ناکات، بە پێچەوانەوہ ئالۆزتریان دەکات.

ئەگەر لەسەر بىنەماي دەولەت و دەسەلات ئاراستەيان پېندىرېت، ديمۆكراسىيەكى گەندەل لەتەك خۇيدا دېئىت.

ھېشتاش لە ئىراندا بە چاۋى ترس و دلەراۋكپوھ لە ديمۆكراسى دەروانن. ھەر چەند لە سەردەمى رېفۇرمخوازىدا چەمكى وەك ديمۆكراسى (مردم سالارى) بوونە رۆژەف، بەلام ھېشتاش وەھا بىر دەكرىتەوھە كە چەمكى ديمۆكراسى، چەمكىكى بەتەواۋى ھاوردەيپە، ئەمە لەحالىكدايە كە ھەتا پېش ھاتنى مۆدېرنىتەي سەرمایەدارى ئەوروپا بۇ ئىران، دەتوانىن شايدەي چەندىن جۆرى پىكھاتەي كۆمەلەيەتى ديمۆكراتىك لە مېژوۋى ئەو و لاتەدا بىين. ئەو چەمكە لەگەل نرەكانى مېژوۋى رۆژھەلاتى ناوھەراست و ئىران ھىچ چەشەنە ناكۆكپىيەكى نىيە و لەبەر ئەوھەش ترس لە چەمكى ديمۆكراسى بىۋاتايە. تەننەت خودى ئىسلام وەك ھىمانىكى فەرھەنگى، ھەر لە سەرەتاوھ خۇراگىيەكى ديمۆكراتىك لە ھەمبەرى شارسىتانبىيەتى دەولەتى بوو بەلام كارىگەرىيەكانى نەرىتى ئىمپراتورىيەت و دەولەت، بوو بە ھۆكارى لاۋازى ھىمانەكانى ديمۆكراتىك لە ناو ئىسلامدا.

لەبەر ئەوھى كە كىشەكانى سەرچاۋەگرتوۋ لە پىكھاتەي قەيراناۋى دەولەت - نەتەوھە تەواۋى كۆمەلگەي تەنپوھتەوھە، ھەربۇيەش چارەسەرى يەكلايەنە، نەرىتى، چىنايەتى و رۆژانە ناتوانىت دەرتەنجامى باش بۇ چارەسەرى كىشەكان لەتەك خۇيدا بھىئىت. لەو چوارچۆپەيەدا، ديمۆكراتىزاسىۋن بە ھۆي بەھرەمەندى لە تايپەتەندىيەكانى زاتى، تۋاناکارى و كارامەيىيەكى يەكجار ژوورى بۇ چارەسەركردنى كىشەكانى ئىران ھەيە و دەرمانى راستەقىنەي كىشەكانى ھەنوۋەكى ئىرانە.

– تايپەتەندىيەكانى ديمۆكراتىزاسىۋن بىرىتىن لەوانەي ژىرەوھ:

۱- رىشەي چىنايەتى نىيە، ھەموو پەيوەندىيەكانى كۆمەلەيەتى لەخۇدەگرېت و

چىن و رەگەزىكى تايپەت بەبنەما ناگرېت.

۲- نىشانەدى دابىن كردنى ماف و ئازادىيەكانى تاكەكەسى و گىشتى و لە سەروۋى ھەموۋيانەوھە ئازادى رادەرىپىن و رىكخستىنكردن بۇ ھەموو چىن و توۋزەكانى كۆمەلگە لە ھەمبەرى دەولەتە.

۳- ھەموو چىن و توۋزەكان وەك كەمىنە، زۆرىنە، زمان جىاۋازەكان، ئايىنەكان، ئەتىسىتەكان و نەتەوھەكان لەخۆي دەگرېت.

خالىكى گرېنگ كە لە چارەسەرى ديمۆكراتىكى گىرتەكاندا دەبىت لەبەرچاۋ بگىرى، ئەوھەيە كە دەولەت و پەرگالى ديمۆكراتىكى كۆمەلگە دەبىت لە ھاۋسەنگىدا بىن. واتە نە دەولەت لە ديمۆكراسىدا بتوتتەوھە و نە ديمۆكراسى لە لايەن دەولەتەوھە بىنكارىگەر و بىباندىۋر بگرېت. لەبەر ئەوھى كە كاركردى ھەركامىان جىاۋازە.

ج. دەولەت – نەتەوھە: دەولەت – نەتەوھە شىكلىكى دەولەتە كە ھەموو جىاۋازىيەكانى كۆمەلگە لەناودەبات و ھەمۆزنى دەكات و لە چوارچۆپەي نەتەوھەيەكدا پىناسەي دەكات. ماف و ئازادى لايەنە جىاۋازەكان كە خاۋەن بەرژەۋەندى جودان قەبوۋل ناكات و كۆمەلگە لە رىگەي نەتەوھەگەرىيەوھە پەيوەستى دەولەت دەكات؛ بە شىۋازىكى كە وەك بلىنى دەولەت و كۆمەلگە يەكېن (دەولەت = نەتەوھە). لەبەر ئەوھەش ھەرچەند كە دەولەت – نەتەوھە لە روالەتدا خۆي ديمۆكراتىك نىشان دەدات بەلام خاۋەن زاتىكى فاشىستى و دىكتاتورىيە.

دەتوانىن بېزىن كە رىشەي بىنەپەتى پرسى كورد و گەلانى دىكەي ئىران بۇ ھاتنى ھەر سى ھىمانى بىنچىنەيى مۆدېرنىتەي سەرمایەدارى (واتە دەولەت – نەتەوھە، سودوگەرايى كاپىتالىستى، پىشەسازىگەرايى) بۇ رۆژھەلاتى ناوھەراست و ئىران دەگەرپتەوھە. بەتايپەت ئەو دووسەد سالى كۆتايى ئەم سەدەيە بە

ھۆی ئۇ ۋە تايىبە قەندىيە گىرەت ھېنەرانە دەۋلەت — نەتەۋە بەردەۋام لەناۋ شەر و تىكھەلچوون و قەيراندا تېپەربوۋە. ئىرانىش لە سەردەمى پەھلەۋى بەدۋاۋە لەگەل ئۇ ۋە كېشە و قەيرانانە روۋبەرۋوۋە. شۆرشى سالى ۱۳۵۷ ھەتاۋى، ئەگەرچى شۆرشىكى دېمۇكراتىكى گەلان بوۋ بەلەم بە ھۆكارى ئەۋەى كە دەسكەۋتى شۆرش ۋاتە كۆمار، شكلى دەۋلەت — نەتەۋەى پەيدا كىرد نەتەنیا نەيتۋانى كېشەكان چارەسەر بىكات، بەلكوۋ زياتر تەشەنەى پىدان.

د. كۆمار: كۆمار فۆرمىكى دەۋلەتە كە پىش دەۋلەت — نەتەۋەش ھەبوۋى ھەيە (ۋەك كۆمارى رۆم لە سەدەكانى سەرەتايىدا). لەبەر ئەۋەش ھەر كۆمارىك ناكىرئ ۋەك دەۋلەت — نەتەۋە بەناۋ بىكرىت. لەھەمان كاتدا ناكىرئ كە كۆمار و دېمۇكراسى ۋەك يەك بزىنن. كۆمار جۆرەيەكى رېۋەبەرى دەۋلەتى لەسەر بنەماى نوئەرايەتە كە گەلىش لەناۋيدا جىگە دەرگن. ۋاتە لە كۆماردا، جىاۋازىيەكانى كۆمەلگا خاۋەن نوئەرن بەلەم ناكەۋنە ژىر رەكىفى چىن و توئىژەكانى بلىمەت و پاۋانخۋازى ئۆلىكارشىكىدا. راستە كە لە كۆمار و دېمۇكراسىدا ھەلېزاردن ھەيە بەلەم ھەلېزاردن لە كۆماردا بوۋ ۋەدەستخستى پۆستى رېۋەبەرى رىكخراۋەكانى دەۋلەتى ئەنجام دەدرىت (ۋاتە شىۋازىكى رەكەبەرايەتى بوۋ ۋەدەستخست و جىگرنتە لە پاۋانخۋازىدا). بەلەم پەرگالى دېمۇكراسى رېۋەبەرى دەۋلەتى نىيە و ھەلېزاردىنىش بوۋ جىگەگرتن لە خۆرېۋەبەرى كۆمەلگادا ئەنجام دەگرىت. ھەرۋەھا ناىت لەبىر بەكىن كە ھەموو شتىك لە دېمۇكراسىدا بە رىگالى ھەلېزاردن و ئەرك پىن سىپاردنى شەخسەكانەۋە پىك نايات. لە دېمۇكراسىدا تەنەنت ئەۋانەى كە ھەلنەبىزىرداۋان، دەتۋانن لە رېۋەبەرىدا رۆل بگىرن.

ھەر دەۋلەت نەتەۋەيەك كە خۆى ۋەك كۆمار بەناۋ بىكات نايتە ئەۋ ۋاتايەى كە كۆمارە. بوۋ وئىنە كۆمارى ئىسلامى ئىران، يەكىتى سۆقىت و كۆمارى تۈركىيە لە سەرەتاي ھاتنە سەركارىندا تا رادەيەك تىكەلۋىيەك لە دېمۇكراسى و

دەۋلەت بوۋن، بەلەم پاشان ھېمانە دېمۇكراتىكەكانىان پاكتاۋكىرد و بوۋنە بە دەۋلەت — نەتەۋەيەكى ھەموۋن.

ھ. دەۋلەتى دېمۇكراتىك: لەبەر ئەۋەى كە زەنىيەت، پىكھاتە و كاركەردى دەۋلەت و دېمۇكراسى لە بوارى زاتىيەۋە جىاۋازە، بوئەش دەۋلەتى دېمۇكراتىك ناتۋائىت ھەبوۋى ھەبىت. بەلەم قەيرانەكانى سىستەمى جىھانى سەرمايەدارى گەشىتۋەتە ئەۋ رادەيەى كە ئىتر ناتۋائىت بەتەنى دەۋلەت بەرپۋە بىات و پىۋىستى ھەيە كە لەتەك ھېزە دېمۇكراتىكەكان پىكبىت و بە شىۋازىكى ھاۋبەش دەۋلەت بەرپۋەبەرن. ئەگەر دەۋلەت (لەھەر قالىكىدا) لەتەك ھېزەكانى دېمۇكراتىك پىكبىت و بە شىۋازىكى ھاۋبەش رېۋەبەرى كۆمەلگا بىكەن، دەستەۋازى دەۋلەتى دېمۇكراتىك لە بوارى "كراۋەبوۋن بە روۋى دېمۇكراسىدا" دەتۋائىت ۋاتادار بىت. راستىن پىناسە بو ئەۋ مەبەستە، پىكھاتەى "دەۋلەت + دېمۇكراسى" يە.

ئەمروكە ئىتر بە پىشت بەستىن بە مەنتقى دەۋلەتى كلاسىك، بە ھىچ شىۋازىك ناتۋانن كۆمەلگاكان بەرپۋەبەين. لەبەر ئەۋەش دامۋدەزگاكانى كۆمەلگالى مەدەنى ھاتۋنەتە مەبدانەۋە. بەلەم ئەۋ دامۋدەزگاكانە زۆر لاۋانن و تۋانالى بەرپۋەبەرى كۆمەلگاكانىان نىيە و ناتۋانن بە شىۋازىكى چالاك لە رېۋەبەرىيەكاندا بەشدارى بىكەن. تەنیا رىگالى دەرەكۋتن لە قەيرانەكانى ئىستاكە، ئەۋەيە كە دامۋدەزگاكانى كۆمەلگالى مەدەنى دېمۇكراتىك كە لە ئاستىكى بەرزدا خۆيان بەرپىكخستى كىردۋە لەگەل رىكخراۋەكانى دەۋلەتى كە لە بوارى خزمەتگۋازىدا كارامەتر كراۋن، بە شىۋازىكى بە پىرسىپ پىكبىن. لە قۇناغى ھەنوۋەكى مىژۋودا كە دىار نىيە چەندە دەخايەنىت، نە شارستانىيەتى سەرمايەدارى و قابىلە دەۋلەتتەيەكى بە تەنیا دەتۋائىت بەردەۋام درىژە ھەبوۋى بىدا و نە شارستانىيەتى دېمۇكراتىك و پەرگالى سوسىيالىستى تۋانالى بەردەۋامى رىگالى

هه.یه. له بهر ئه وهش باشتري رېگه چاره له ئيستادا، گه يشتن به پښکهاښکي به پره نسپ له به يني هه ردو لايه نديه.

به له بهرچاو گرتي ئه و پښاسانه ي که سه بارهت به کومار، ده ولت — نه ته وه و ده ولت ي ديموکراتيک کرمان؛ ده کرئ بېژين که پرسى کورد ده توانريت له چوارچيوه ي کوماردا چاره سه ر بکريت به لام له قابي ده ولت — نه ته وه دا ده رتاني ناپيت. له بهر ئه وهش له ئه گه ري گه رانه وه بو زاتي راسته قينه ي کومار له تيراندا، ده کريت پرسى کورد له قابي کوماريدا و به رتيازى سياسه تي ديموکراتيک چاره سه ر بکريت. به لام ئه گه ر له سه ر تايه تمه ندى ده ولت — نه ته وه که دپته واتاي له ناوبردنى زاتي کومار، پيداگري بکريت و سه بارهت به پښکهاښکي ديموکراسى ئاسانکاريه ک نه کريت؛ ناتوانريت پرسى کورد و گه لاني دپکه ي تيران به ريكارى ديموکراتيک چاره سه ر بکريت.

و. ولاتى هاوبه ش: جوغرافيايه ک که "گه لان به فهره نگی جياوازه وه" به شيويه کى هاوبه ش تييدا ده ژين، ولاتى هاوبه ش به ناو ده کريت. به دريژايى ميژوو، شاهه د بووين که هه ريمه کاني جوغرافيايي له لايه ن گه لاني جياوازه وه وه ک نيشتماني هاوبه ش به کاره يندراون. بو وينه تيران ته نيا نيشتماني يه ک گه ل يا په رپه واني يه ک نايين و باوه ري تايهت نييه و هه ر له کونه وه نيشتماني هاوبه شى گه لان و جياوازيه کاني فهره نگی و ناييني بووه، وه ک: کورد، عه رهب، به ليوچ، نازه ري، گيله کى، مازهنى، تورکمه ن، فارس، ئاشوورى، ئه رمه نى و ... هه روه ها کوردستانيش نيشتمان و ولاتى هاوبه شى کوردان، نازه رييه کان، ئاشووريان، ئه رمه نييه کان، عه ربه کان و جياوازيه کاني ناييني و شوناسه کاني دپکه ش بووه و ته نيا نيشتماني کوردان نييه.

روانگه ي پاوانخوازانه ي ده ولت — نه ته وه سه بارهت به نيشتمان، بوو به هوکاري ئه وه ي که گه لپک له شوناسه جياوازه کاني تيران " بيگانه" بينه ژمار.

هه ر چه ند له تيراندا شوناسه کومه لايه تيه جياوازه کاني وه ک کورد، نازه ري، به ليوچ، عه رهب و ... نکوليان لپنه کراوه به لام ئه و شوناسانه وه ک قه وم و ورده فهره نگی ده ناسرين، ماف و نازاديه کانيان زوت کراوه و له بهر ئه وهش له کرداردا ده بينين که هه موو جياوازيه کاني فهره نگی، زمانى و ناييني تيران به زمانى فارسى و نايينزاي شيعه وه سنووردار کراونه ته وه. له کاتيکدا که نيشتماني هاوبه ش ده بيت مه لبه ندى ژيانى نازادى هه مووى جياوازيه کاني کومه لايه تي بيت که له وه هريمه دا ده ژين.

ز. نه ته وه ي ديموکراتيک: به هه مان شيوه که کومه لگا به واتاي هه ژماريکى شه خس نييه، نه ته وهش که شکلپکى ناسانامه يي کومه لگايه، له هاوولتايان تا ک که وتوو (منفرد) پښکنايات، خالي گرينگ، گرپدراو بوونه به ستاوتويه کى گشتى کومه لايه تيه وه. له پانتايى ولتان و بو وينه تيرانش گه لاني جياواز و نه ته وه کاني جودا ده ژين. ئه و گه ل و نه ته وه جودا يانه ده توانن گرپدراوى نه ته وه ي "گه لان" يا نه ته وه ي "نه ته وه کان" بن. ئيمه ئه و نه ته وه ي گه لان يا خود نه ته وه ي نه ته وه کان وه ک نه ته وه ي ديموکراتيک به ناو ده کين. له واتايه کى دپکه دا، ته واوى ئه و گه لانه و نه ته وانه ي که له پانتايى يه ک "نيشتماني هاوبه شدا" ده ژين، نه ته وه ي ديموکراتيکى ئه و ولته پښکده يتن. ده توانين "ئومه تي ئيسلامى" وه ک مومونه يه کى سه ره تايي پښاسه بکين. له ناستيکى ژوردا پيدچپت که فهره نگیه کاني کومه لايه تي روزه لاتى ناوه راست، دره نگی يا زوو له چوارچيوه ي يه ک "ئومهت — نه ته وه ي" ديموکراتيک واته ئومه تيکى نووژهن کراوه و ديموکراتيکدا ئاوپته بن.

ح. شوناس: شوناس بريتيه له گرپدراو بوونى کومه لگاگان به فهره نگی، نايين، نه تنيسيته، نه ته وه، ره گه ز و ... به هه ر ناوه روکتيکه وه که هه يپت. سه بارهت به شوناس دوو روانگه ي به چاو هه يه؛ يه که م روانگه ي نه رم و کراوه

و دووهه میان روانگه‌ی داخراو و قالبی دهر باره‌ی شوناسه‌کانه، نه‌رم بوون سه‌بارت به شوناسه‌کان (په‌سه‌ند کردنی شوناسی په‌کتری و موخافیزه‌کارنه‌بوون) هۆکاری کرانه‌وه‌ی ریگای چاره‌سه‌ری دیمۆکراتیکی کیشه‌کان له‌ته‌ک خۆیدا ده‌هینیت. به‌لام نزیکیوونی قالبی و داخراو به‌رووی شوناسه‌جیاوازه‌کانه‌وه) قه‌بوولانه‌کردنی شوناسی په‌کتر و موخافیزه‌کارپتی) ده‌بیته هۆی دروستبوونی بنه‌ست و دژواربوونی چاره‌سه‌ری دیمۆکراتیکی کیشه‌کۆمه‌لایه‌تیه‌کان.

خاله‌تتیکى گرینگى دیکه که له کاتی پیشکەش کردنی ئەو چوارچێوه‌ی چه‌مکه‌دا ده‌بیت له‌به‌رچاو بگه‌ڕیت ئەوه‌یه که ئەگەر خوازیاری چاره‌سه‌ری دیمۆکراتیکین، نابیت چه‌مک و ده‌سته‌واژه‌کان به‌لای خۆمانه‌وه پیرۆز و نه‌گۆڕ بکه‌ین(واته وه‌ک بو‌تیا‌ن لێ‌یکه‌ین). دیارده‌کانی کۆمه‌لایه‌تی وه‌ک نه‌ته‌وه، نیشتمان، ئایین، زمان و هه‌روه‌کی دیکه، نابیت حاله‌تتیکى قالبی و پیرۆزیان پێ‌درا‌یت. له‌به‌ر ئەوه‌ی که ده‌کریت ئەو چه‌مکانه هه‌تا ئاستی ره‌گه‌زپاریزی ب‌ل‌ند ب‌کر‌ین و پیرۆز را‌گه‌ڕ‌ین، بۆ ده‌بیت نر‌خ‌یکى ناراستیان پ‌ن‌به‌خ‌ش‌ر‌یت و به‌و ش‌ی‌وه‌یه در‌گا به‌ رووی ئالۆزی و تیکه‌ه‌لچووندا ب‌کر‌یت‌ه‌وه. بۆ وینه‌ ئەوه‌نده‌ی که له‌سه‌ر کوردگه‌رایى، تورکگه‌رایى، فارسگه‌رایى پ‌ن‌دا‌گرى ب‌کر‌ی و ده‌سته‌واژه‌ی وه‌ک فارس، تورک و عه‌ره‌ب و کورد زیاده‌گۆییان له‌سه‌ر ب‌یت و وه‌ک بوت چاویان لێ‌ب‌کر‌یت، به‌هه‌مان ئە‌ندازه‌ گه‌روگه‌رفته‌کان دژوارتر و ب‌ن‌ده‌رته‌نجامتر ده‌بنه‌وه.

به‌شى دووهه‌م

.....چوارچێوه‌ی تیوری

له‌ بواری چاره‌سه‌ری گه‌رفته‌کان و ر‌یک‌اری دیمۆکراتیکدا، راوبۆچوونی جیاواز پیشکەش ده‌کریت. به‌هه‌لسه‌نگاندانی ئەو تیوریا‌نه ده‌توانین به‌ باشی تێبگه‌ین که ته‌نیا له‌ ئە‌گه‌ری پشت به‌ستن به‌ چوارچێوه‌یه‌کی تیوریه‌کی توکمه و دیمۆکراتیکدا ده‌توانر‌یت به‌ره‌و چاره‌سه‌ری پرسى گه‌لان و به‌رفراوانکردنه‌وه‌ی دیمۆکراسی له‌ ئێ‌راندایه‌نگاو هه‌لگه‌ر‌یت.

۱- تیوری ده‌ولەت — نه‌ته‌وه و چاره‌سه‌ری ده‌وله‌تگه‌رایانه: له‌و روانگه‌یه‌دا، ده‌ولەت ته‌واوی پرسه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌کان وه‌کی ئابووری، ئایین، فه‌ره‌ه‌نگ و ... له‌ سنووره‌کانی ده‌وله‌تدا قو‌رغ ده‌کات، ئەو دیارده‌ کۆمه‌لایه‌تیا‌نه ده‌کاته ده‌وله‌تی و به‌سه‌پاندنیا‌ن له‌ چوارچێوه‌ی یاسا و ر‌یسا‌ی تایبه‌ت به‌سه‌ر کۆمه‌لگادا، ده‌ره‌تان و ده‌رفه‌تی هه‌ر جو‌ره‌ دستپ‌ش‌خه‌ری و ئه‌راد‌ه‌ی ر‌یوه‌به‌ری له‌ کۆمه‌لگادا

زهوت ده کات. هېږه کومه لايه تيه کانی که خاوه ن ئه و بېرؤکه به ن و له کار و خه باتی خویاندا به بنه مای وهرده گرن له هه مبهری نزيکايه تی و زهخت و گوشاره کانی ده ولت، نه نیا ریگه چاره دامه زرانندی ده ولت تیکی تایهت به خویان ده زانن. فۆرمی ئه و ده ولت ته له سهرده می مۆدپرنیته ی سهرمایه داریدا، ده ولت — نه ته وه یه. ده ولت — نه ته وه، جۆره یه کی هه ژمۆنیخوازی و ده سه لاتخوازی به که خوی ده سپرېته هاوولتیه کی ته ک زمانی و ته ک ئه تبسیته یی. هاوولاتیان له قالمی ئایدولۆژی ره سمی که هه مان نه ته وه گه راییه، ده به سترینه وه و ده کرپنه کۆیله ی مۆدپرنی ده ولت — نه ته وه. له کۆماری ئیسلامیدا ئه و نه ته وه گه راییه، تیکه لاییه که له نه ته وه گه راییه ره گه زی (فارس) و نه ته وه گه راییه ئایینی (شيعه).

ده ولت — نه ته وه جیاوازی به کانی کومه لایه تی قه بوول ناکات. به لام جۆریک خوی نیشان ده دات وه ک بلئی کوی گشتی نرزه کانی هه مووی لایه نه کانه. نه ته وه گه راییه ده ولت — نه ته وه ش نه نیا هه یج په یوه ندیه کی به ولتباریزیه وه نییه بگره گرفت و کیشه و قرکردنی جهسته یی و فه ره نه گی له ته ک خۆیدا ده هینیت. له بهر ئه وه ش ئه گه ره چاره سه ری پرسه کانی کومه لایه تی به روانگه ی ده ولت گه رایانه و دامه زرانندی ده ولت — نه ته وه پشت ئه ستور بیت، نه ته نیا چاره سه ری له ته ک خۆیدا ناهینیت به لکوو کومه لگا له به رانبه ری ده ولت دا گرفتاری خرابترین دۆخ ده بیت. به جیهینانی داخوازی به کانی کومه لگا له چوارچیه ی بۆچوونیکه وه هادا ده ست نادات.

۲. بۆچوون (تیوری) نه ته وه ی دیمۆکراتیک و چاره سه ری دیمۆکراتیک: له بۆچوونه کانی چاره سه ری دیمۆکراتیکدا نه ده ولت، به لکوو کومه لگا به بنه ما وهرده گیریت. له و سهرده مه دا به رانبه ره ده ولت — نه ته وه و ئه و کیشه نه ی سه رچاوه یان لیگرتووه، ویست و خواستی گه لان به لای نه ته وه ی دیمۆکراتیکدا زیاتر راکیشراوه و رووی له زیادبوونه. چونکه نه ته وه ی دیمۆکراتیک ریکاریکی

گونجاوه بۆ چاره سه ری کیشه ی کومه لگا کان له و سهرده مه دا. هه ره چه ند پیناسه ی جودا له نه ته وه ده کریت، به لام دوو جۆری نه ته وه هه یه: په کم نه ته وه ی ده ولت تی و دووه میان نه ته وه ی دیمۆکراتیک.

نه ته وه یه ک که له لایه ن ده ولت — نه ته وه و له چوارچیه ی سنوورگه لی داخراو و نه گۆردا دارشترایت، به ناوی نه ته وه ی ده ولت تی ده یناسین. ئه و نه ته وه یه له بواری کومه لایه تیه وه سه به رهت به دیمۆکراسی داخراوه. له نه ته وه ی ده ولت تیدا، نه ته وه به "فه ره نه گ، زمان، بازار و میژوو"ی هاوبه ش و تاخانه وه فه تیش هیشتره ته وه. بۆیه ش له ته ک سه روشتی کومه لگا که په راوپه ره له جیاوازی دژایه تی ده کات. مۆدپرنیته ی سه رمایه داری پیناسه یه کی وه ها وشک و قالمی له نه ته وه کردوو و هۆکاری ته واوی ئه و بنه ستانه یه که له بواری چاره سه ری پرسه کانی نه ته وه ییدا و ده دیدن. تا ئه و کاته ی که له و روانگه یه وه چا و له نه ته وه بکریت، پرسی نه ته وه یی چاره سه ری به خۆیه وه نایینیت.

نه ته وه ی دیمۆکراتیک، کومه لگایه کی هاوبه شه که که سان و کومه لانی ئازاد به ئیراده ی زاتی خویان پیکانیه یئاوه. هیزی په کینیساز له نه ته وه ی دیمۆکراتیکدا، ئیراده ی ئازادی تا که کان و لایه نه کانی کومه لگایه که که پراریان داوه له ناو یه ک نه ته وه دا کۆبینه وه. نه ته وه ی دیمۆکراتیک به پینچه وانیه ی نه ته وه ی ده ولت تی، خوی له چوارچیه ی سنوورگه کانی ته نگ و داخراوی سیاسی واته ته ک زمان، ته ک فه ره نه گ، ته ک ئایین، و شروقه ی ته ک ره ه نه دی له میژوو ناهینیته وه و پشتیان پنا به ستیت.

ئه گه ره پیناسه یه کی گشتی له نه ته وه ئه نجام به دین، ده توانین بیژین که نه ته وه بریتیه له کوی گشتی ئه و مرؤفانه ی که دنیاییه کی زهنیه تی هاوبه شیان هه یه. له نه ته وه ی ده ولت تیدا، نه ته وه گه راییه مۆری خوی له زهنیه تی هاوبه شی مرؤفه کان ده دا. له نه ته وه ی دیمۆکراتیکدا، ئه و زهنیه تی هاوبه شه له سه ر

بنه‌مای هۆشيارى سه‌بارت به " ئازادى و يه‌گرتوويى " دروست ده‌بیت.

به‌لام ئەگەر نه‌ته‌وه‌كان ته‌نيا له‌ رووى ره‌وشى زه‌نیه‌تییانه‌وه‌ پیناسه‌ بکړین، پیناسه‌که‌ نات‌ه‌واو ده‌می‌تیت. به‌هه‌مان شیوه‌ که‌ زه‌نیه‌ته‌كان به‌ جه‌سته‌ ناتوان هه‌بوونیان هه‌بیت، نه‌ته‌وه‌کانیش ناتوان به‌ بئ‌ جه‌سته‌ بن. په‌یکه‌ر و جه‌سته‌ی ئەو نه‌ته‌وانه‌ی که‌ زه‌نیه‌تییکی نه‌ته‌وه‌گه‌رایان هه‌یه‌، ریک‌خراوی ده‌وله‌ته‌. جه‌سته‌ و په‌یکه‌ره‌ی ئەو نه‌ته‌وانه‌ی که‌ له‌ زه‌نیه‌تییکی به‌هه‌مه‌ند له‌ "ئازادى و يه‌گرتوويیان" هه‌یه‌، خۆرپوه‌به‌رى دیمۆکراتیکه‌، خۆرپوه‌به‌رى دیمۆکراتیک، به‌و واتایه‌یه‌ که‌ تاکه‌كان و کۆمه‌لانی به‌هه‌مه‌ند له‌ زه‌نیه‌تى هاوبه‌ش، له‌ رییازى ئیراده‌ی زاتییه‌وه‌، خۆیان به‌رپوه‌به‌رن.

تایبه‌تمه‌ندى ئەساسى بۆچوونى نه‌ته‌وه‌ی دیمۆکراتیک که‌ درفه‌تى چاره‌سه‌رى پرسه‌ کۆمه‌لایه‌تییه‌كان پیکه‌ه‌ینیت، ئەوه‌یه‌ که‌ ده‌وله‌ت و دیمۆکراسى وه‌ك دوو گۆرپه‌پانى جیاواز ده‌زانی‌ت. باب‌ه‌تى گرینگ ئەوه‌یه‌ که‌ ئەو دوو گۆرپه‌پانه‌ به‌ قه‌بوول کردنى روایى یه‌کتر، به‌ شیوازیکی هاوته‌ریب هه‌بوون په‌یدا بکه‌ن و هه‌روه‌ها ئەو مزاره‌ یه‌کێک له‌ خاله‌کانى بنه‌رتى یاسای بنچینه‌یى بیت.

چاره‌سه‌رى دیمۆکراتیک نه‌ ناچار به‌ دا‌بران له‌ سنووره‌کانى ده‌وله‌تمان ده‌کات و نه‌ ویست و خواستى دامه‌زاردنى ده‌وله‌ت — نه‌ته‌وه‌ی به‌رانبه‌ر به‌ پێویست ده‌زانی‌ت. شیوه‌ ریک‌ارپکی نه‌رمه‌ که‌ ده‌وله‌تى نییه‌ و پیکه‌تییانى ده‌وله‌ت ئامانج ناگریت و له‌ هه‌مان کاتدا رهد و نکۆل‌یشى ناکات. له‌به‌ر ئەوه‌ش چاره‌سه‌رى دیمۆکراتیک، درفه‌تییکی مه‌زن بۆ گه‌یشتن به‌ " ئاشتییه‌کی شه‌رافه‌تمه‌ندانه‌ " فه‌راهه‌م ده‌کات.

زیاتر له‌ دووسه‌د ساڵه‌ که‌ هه‌م هێزه‌کانى ده‌وله‌تى و هه‌م هێزه‌کانى کۆمه‌لایه‌تى ئیران وه‌ك ولاتانى دیکه‌ی رۆژه‌لاتى ناوه‌راست له‌ ژیر کاریه‌گه‌رییه‌کانى نه‌رینى ئۆریانتالیسم (رۆژه‌لاتاسى له‌ روانگه‌ی رۆژئاوا‌ییه‌وه‌)

و پۆزیتویسى مۆدێرنیتیه‌ی ئەورووپا دان. له‌ کاتى ده‌سته‌به‌ر بوونى تیورى چاره‌سه‌رى دیمۆکراتیک ده‌بیت هۆشيار بین که‌ سنوورى ئەو بۆچوونانه‌ تێپه‌رینه‌کړیت. ئۆریانتالیسم، نرخه‌کانى میژوویى و هه‌زاران ساڵه‌ی رۆژه‌لاتى ناوه‌راست له‌به‌ر چاوى گه‌لانى هه‌ریمه‌که‌ و بۆ وێنه‌ گه‌لانى ئیران بزر و ب‌واتا نیشانداده‌ت. به‌و جۆره‌ هێزه‌کانى سیاسى و کۆمه‌لگاكان، بکه‌ونه‌ بن ره‌کیفی ده‌سه‌لاتى ئایدۆلۆژیکى مۆدێرنیتیه‌ی سه‌رمایه‌داریه‌وه‌ و ناتوان کێشه‌ قووله‌کانى کۆمه‌لایه‌تى خۆیان به‌ باشى تیبگه‌ن و چاره‌سه‌رى بکه‌ن. ده‌بیت ئاگادار بین که‌ به‌ بنه‌ما وه‌رگرتنى مۆدێلى سیاسى و فه‌ره‌هنگى سه‌رچاوه‌گرتوو له‌ مۆدێرنیتیه‌ی ئەورووپا، ئەو ریک‌ارانه‌ی که‌ به‌ کاربهرپێندری‌ن دۆخه‌که‌ ئالۆتر ده‌که‌ن.

پۆزیتویسىم به‌ پێچه‌وانه‌ی ئەو شته‌ی که‌ بانگه‌شه‌ی بۆ ده‌کات هۆکارى تۆخترین دۆگماتیسمه‌. بۆ وێنه‌ ئەو واتایه‌ی که‌ به‌ چه‌مکه‌کانى نه‌ته‌وه‌، ولات، ده‌وله‌ت، چین، کۆمه‌لگا و ... ده‌دریت، وه‌هايه‌ که‌ چه‌مکه‌کانى ناوبراو واتا و ناوه‌رۆکی راسته‌قینه‌ی خۆیان نامینیت. شه‌ر و توندوتیژییه‌کانى ئەو ۵۰۰ ساڵه‌ی دواى له‌ ئاستى جیهانىندا سه‌رچاوه‌یان له‌و جۆره‌ فکرا‌ندانه‌ دايه‌. له‌ ئیرانى سه‌ره‌رای میراته‌ی میژوویى و پێشینه‌ی شه‌ر و تیکۆشانى گه‌لان له‌ هه‌مبه‌رى ده‌سه‌لات، سازدانى مۆدێلى ده‌وله‌ت — نه‌ته‌وه‌ و هه‌مانه‌کانى دیکه‌ی مۆدێرنیتیه‌ی سه‌رمایه‌دارى بووه‌ته‌ هۆکارى ئەوه‌ی که‌ روانگه‌ی نه‌ته‌وه‌گه‌رایانه‌، تاکه‌گه‌رایانه‌ و ئینکارگه‌رایانه‌ سه‌بارت به‌ ديارده‌کانى کۆمه‌لایه‌تى پیکه‌تییان. له‌به‌ر ئەوه‌ش پیکه‌ته‌ی فه‌ره‌نه‌ته‌وه‌ی ئیران له‌ بواری کردارىدا نکۆلى لیکراوه‌ و داخوازى گه‌لان وه‌ك "مه‌ترسیه‌که‌ له‌سه‌ر یه‌کپارچه‌یى خاکی ولات" چاوى لیکراوه‌. ئەوه‌ له‌ حالیکه‌دايه‌ که‌ به‌ هه‌زاران ساڵ "پیکه‌وه‌ژيانى میژووی" له‌ ناوبه‌ینى گه‌لندا به‌رده‌وامى کردوووه‌ و ئەو روانگه‌ به‌رچاوته‌نگانه‌ ته‌نيا له‌ ده‌وله‌ت — نه‌ته‌وه‌ و

نەتەۋەگە رايى سەرچاۋە دەگرن.

ھەلسەنگاندنە كانى ئايىنى و ئەخلاقى لە فەرھەنگى رۆژھەلاتى ناوہراست و رۆژھەلاتدا دەرئەنجامە كانى چارەسەرکردنى پرسە كانى كۆمەلایەتى لە رىگای " پىوانە كانى وىژدانى و دادوہرانە " ۋە يە. يەكى دىكە لە كارىگەر يىيە كانى نەرىنى زانستى ئەوروو پايى لە سەر كۆمەلگا ئەۋەپە كە لە كاتى چارەسەرى كىشە كان، رۆلى راستىيە كانى دىنى و ئەخلاقى تا ئاستى كەمىنە دادەبەزىنىت و لە ھەمبەرى چارەسەرى كىشە كانى كۆمەلایەتى كۆسپ دەنىتەۋە. لەبەر ئەۋەش لە چارەسەرى دىمۆكراتىكى كىشە كانى كۆمەلایەتيدا، ھەم " پىداگرى لەسەر وىژدان و داد " پىۋىستىيەكى ژيانىيە و ھەم پشت بەستى بە " ئازادى ئەندىشە و رادەرىپىن " بە شىۋازىكى تەۋا و گونجاۋ لەتەك سروسىتى كۆمەلایەتى.

بەشى سىيەم

.....چوارچىۋە پرنسىپە كان (ئوسول)

پىۋەندىدار لەگەل چوارچىۋە تىورى دەبىت چوارچىۋە پرنسىپە كانىش ديار بكرىن. ئەو مژارە بۆ مايندەبوونى چارەسەرى دىمۆكراتىك گرینگە. پرنسىپى نەتەۋە دىمۆكراتىك لە سەر ئەو پرنسىپانەۋە دىت كە دەبىت گرىنگىيان پىدەرىت. نەتەۋە بەك كە ھەموو شوناسە كانى ناو يەك ۋلات لە دەورى يەك كۆدەكاتەۋە، ناپىت كە بە قۇرمى نەتەۋە دەۋلەتى بەلكوو پىۋىستە لەسەر ناوى نەتەۋە دىمۆكراتىك دارىژىرتەۋە، يا لانىكەم نامانجى نەتەۋە كانى ھەيى گۆردان بۆ نەتەۋە دىمۆكراتىك بىت. لە لايەكى دىكەۋە پىۋىستە بەشدارى لە نەتەۋە گىشت گىردا، نە لە رىگای دوورە و بە رىيازى دەسەلات و ئىقتدارەۋە بەلكوو پىۋىستە بە شىۋازى خۇبەخشانە و ئىرادى و لەسەر بنەماى رەزامەندى دىمۆكراتىك پىكىت. لە نەتەۋە دىمۆكراتىكدا، ماف و ئازادىيە كانى تاكەكەسى و گىشتى، تەۋاكەرى يەكتىن. ھەرۋەھا نەتەۋە دىمۆكراتىك بەتەنبا ھاۋولاتى لەخۇ ناگرىت؛ كۆمەلگى مەدەنى، كۆمەلانى

خەلك و گرووپە جياوازه كانيش وەك زەنگىنى و دەولەمەندى دەھەژمىرئىت. دوويه مین بنەما دەتوانى وەك پرنسىپى نىشتمانى ھاوبەش (نىشتمانى ديمۆكراتىك) پىناسە بكرىت. لە نىشتمانى ھاوبەشدا، ھاوولتايانى خاوەن زمان، نەتەو و ئايىنى جياواز دەژىن. ولاتى ھاوبەش ھەستى گرىدراو بوون دەبەخشىتە ھەموو شوناسە جياوازه كان و ھىچ كەس و لاپەنىك وەك بىگانە چاوى لىناكرىت. لەبەر ئەوھش دەبىتە ھۆكارى يەكئىتى و يەكرىزى و تبايى و لە پەرتەوازيى بەرگىرى دەكات. ھەستى ولتبارىزى نايىت بە شىوازي نەتەو ھەگرابى يىت بەلكوو دەبى لەسەر بنەماي پابەندبوون بە خاك و ژىنگە و گەشەپىدانی و بلندكردى كۆمەلگاوه بىت.

سېھەمىن، پرنسىپ كۆمارى ديمۆكراتىكە، سىستەمى دەولەتى ھەرى باش بۆ كۆمار، دەولەت — نەتەو نىبە بەلكوو دەولەتى ديمۆكراتىكە. چارەسەرى ديمۆكراتىك لە چوارچىوھى كۆماردا دەكەوتتە گەر. بەلام ناتوانىت ھەمان ھاوتايى لەتەك دەولەت نەتەو بەرقەرار بكات. دەبى ھوشيار بىن لە ھەمبەرى ئابدولؤلۇيك كرىدى شكلى دوولەت يا كۆمار و ھەروھە ئاگادار بىن سەبارەت بەوھى كە بە يەك ئەتنىسىتە يا ئايىنەوھ سنووردار نەمىنئىتەوھ چونكە لە روانگەى چارەسەرى ديمۆكراتىكدا گرىنگىيەكى تايەتى ھەيە. ئەگەر كۆمار لە بوارى حقوقىيەوھ وەك رىكخراوى يەكانگىرى ديمۆكراتىكى تەواوى ھاوولتايان پىناسە بكرىت، لەجىدايە.

پرنسىپى ياساى بنچىنەيى ديمۆكراتىك، چوارەمىن بنەما لە چارەسەرى ديمۆكراتىدايە. تا ئەو كاتەى كە ديمۆكراتىزاسىيون لەسەر بنەماي " ياساىيەكى بنچىنەيى سەراچاوغرتوو لە ھاوپەيمانىيە كۆمەلاپەتتەيەكان" دانەپژىرتت، ناتوانى سىستەمىكى مايەندە و رىك و پىك بەرقەرار بكات. ياساى بنچىنەى ديمۆكراتىك نشانەرى ھاوپەيمانى كۆمەلگاي ديمۆكراتىك و دەولەتە. ئەگەر گۆمەلگا

ديمۆكراتىزە نەيىت ناتوانى لە بەرانبەرى دەولەت، ماف و نازادىيەكانى تاكەكەسى بپارىزرتت. دەولەت جۆرەيەك رىكخراوھە كە " ئەزموون و لىتھاتوويى" لەناويدا كۆبۆتەوھ. ئەگەر بخوازين دەولەت لە ئاستى رىكارى چارەسەرى كارامەدا بەيلىنەوھ و لە ھالەتى سازىيەكى كىشەساز دەريھىتئىن، " ياساى بنچىنەيى ديمۆكراتىك" ئامىرئىكى پىنووست و حاشاھەلنەگرە.

پىنجەمىن پرنسىپ برىتتە لە چارەسەرى ديمۆكراتىك. چارەسەرى ديمۆكراتىك، مۆدئىلىكى چارەسەرىيە كە دەولەت بوون بە بنەما و ھەرنانگرت و ديمۆكراتىزاسىيونى كۆمەلگاي مەدەنى، واتە گەپشتت بە كۆمەلگايەكى ديمۆكراتىك وەك ئارمانى خۆى دەستىشان دەكات. بەجىئى ئەوھى كە بە شوئىن گۆرانكارى روالەتى لە پىكھاتەى دەولەت دا بىت، ھەولدانى بۆ خستەنگەرى سىستەمىكى ديمۆكراتىكە كە لە كۆمەلگادا كاركەردى ھەبىت. لە پەيوەندى لەتەك دەولەتدا، زياتر لە ھەر شتىك خوازيارى ياساىيەكى بنچىنەيى ديمۆكراتىكە.

چارەسەرى ديمۆكراتىك وەك پرنسىپىك، ھەول بۆ "پۆلىن كرىدى ھىز و دەرفەتەكانى دەولەتى" نادات. تەنانەت لە دەسەلات خۆى بەدوو دەگرىت. لەبەر ئەوھى كە لەھەر شوئىتت و بەھەر ئەندازە كە ھىز كۆگا بكرىت، بەھەمان ئەندازە لە ديمۆكراسى دوور دەكەوينەوھ. لە چارەسەرى ديمۆكراتىدا، خالى بنەرتەى ئەوھى كە پىكھەوژيانى " رىكخراوھەكانى ديمۆكراتىك" لەگەل " سازىيەكانى دەولەتى" لە چوارچىوھى ياساى بنچىنەيىدا مسۆگەر بكرىت. واتە ھەبوونى ھاوكاتى دەولەت و ديمۆكراسى لە بوارى ياسايدا روايى ھەبىت. پرنسىپى يەكئىتى ماف و نازادىيەكانى تاكەكەسى و گشتى (كولتكتىو)، شەشەمىن بنەمايە. بە چاوپىداخشاندتت بەو ئەزموونە زۆرانەى لە ئاستى جىھانىدا ھەيە، دەتوانىن تىبگەين كە لەيەك جياكرنەوھى ماف و نازادىيەكانى تاكەكەسى و گشتى نەتەنيا كىشەكان چارەسەر ناكات، بەلكوو دژوارترىان دەكات. بىبەرى

کردنى تاكه كان له ماف و ئازادىيە كانىان به واتاي بى بهرى كۆمەلگا له ماف و ئازادى دىت. بهه مان شىوه بى بهرى كردنى كۆمەلگا له ماف و ئازادىيە كانى به واتاي بى بهرى كردنى تاكه كانه له ماف و ئازادىيە كانىان. به كورتى ماف و ئازادى كۆمەلگا نىرخ و به مان كه "به بى تاك و كۆمەلگا" و "به بى پىكه وه بوونىان" دهسته بهر نابىت.

هفته مين مزار، پره نسيپى ئازادى و سه ره خوڤى ئايدۆلۆژىك — رىكخستىيه. ئامانچ له و بنه مايه، خوژرگار كردن له هه ژمۆنى ئايدۆلۆژىكى و رىكخستى مۆدېرنىتهى سه رمايه دارىيه كه له ئاستى جيهانىدا سه پاندووويه تى. تا ئه و كاتهى كه له هه ژمۆنى زانستگه رايى پۆزىتويستى رزگار وه دهست نه خسترت، "دىمۆكراسى و ئازادى دهسته بهر نابىت. هه ژمۆنى ئايدۆلۆژىك له رۆژه لآتى ناوه راستدا به رىيازى زانستى ئۆريانتاليستى زهنى مرۆفه كان داگير ده كات. ههروه ها پىويسته بۆچوونه كانى "دينگه رايانه و ره گه زه رستانه" كه به قه د پۆزىتويستى (واته ئايدۆلۆژىاي مۆدېرنىتهى سه رمايه دارى) هه ژمۆنگران، تىپه رپكه ين. ده بى له بىر نه كه ين كه بى ئازادى ئايدۆلۆژىك، ههنگاو به ره و دىمۆكراسى هه لئاگيرىت و نه گه ريش ههنگاو بنىت بى گارىگه ره كه رىن و ده كه ونه ژىر چاوه دىرى ئايدۆلۆژىيه كانى هه ژمۆنگرادا.

پره نسيپى پوهه ندىداربوونى مۆزووى بوون و هه نووكه يى بووون. هه شته مين بنه ماي چاره سه رى دىمۆكراتىكه. ههروه كى ده زانين، رووداوه كانى مۆزووى بنچينه يترين به ستىن بۆ پىكه ئىنانى دۆخى ئىستاكه ن. "هه نووكه" حاله تىكه كه له ودا، "مۆزوو" هه م پرسىاره كان و هه م نه گه رى چاره سه رى ئه وان ده خاته روو. ته نيا خالى جياوازى له وه دايه كه ناتوانين مو داخيله ي رابردوو بكه ين به لآم ده توانين له هه نووكه يا ره وشى هه ييدا مو داخيله ي پىويست نه نجام به دين.

بى تىگه يشتن له پوهه ندى ئىوان مۆزووىبوون و هه نووكه يىبوون ناتوانين پرسه كانى گرىدارو به دىمۆكراتىزا سۆن چاره سه ر بكه ين. ئه وانى كه مۆزوو به شىوازىكى گونجاو لىكنا ده نه وه و به رىك و پىكى نابوو سن، پىده چىت نه توانن "هه نووكه" به شىوازىكى دروست هه لسه نگىنن، ئازاد و دىمۆكراتىزه ي بكه ن، يه كجار لاوازه. ده بى به باشى له و خاله تىگه ين كه "كۆمەلگا بۆخۆ پىشكه وتوو ترين مۆزوو" يه. له واته يه كى دىكه دا راستىيه كانى كۆمەلآيه تى، راستىنه كانى مۆزووىين. ئه و راستىيانى كه له مۆزوودا رووياندا وه به هىندىك جياوازيه وه، هه نووكه و له دۆخى هه ييدا به رده وام ده كهن. تا ئه و كاتهى كه له راسته قىنه ي كۆمەلگا به و شىوازه تىنه گه ين، رزگار كردنى كۆمەلگا له كىشه كان و پىكه ئىنانى ژيا تىكى دىمۆكراتىك جىبه جى نابىت.

يه كىك له گه و ره ترين خه ساره كانى مۆدېرنىتهى سه رمايه دارى ئه وه يه كه زهنىيه تى مۆزووى كۆمەلگا له ناو ده بات و هه موو شتىك له هه نووكه دا كۆده كاته وه. وه ك بلىى كه هه موو شتىك له هه نووكه دا سنووردار ده مىنىت و نابى بىر له شتىكى دىكه بكرىته وه. ئه و ره وته نه خو شى فەردگه رايى وه دىده هىنىت. ناتوانين چاوه روانى گه يشتمان به "راسته قىنه كۆمەلآيه تى" و "كۆمەلگاي دىمۆكراتىك كه حال تىكى به رچا وىتى" له زهنىيه تى فەردگه رايانه هه يىت. فەردگه رايى لىبرال، نكۆلى دىمۆكراسىيه.

نۆيه مين مزار، پره نسيپى ئه خلاق و وىژدانه. كۆمەلناسى مۆدېرن پره نسيپى وىژدان ناسىت. به لآم نه گه ر پره نسيپى وىژدان نه يىت، كۆمەلگا ده بىته ترسانكترين رۆبۆت. وىژدان هه مان زاتى و ناوه رۆكى ئايين و ئه خلاقه. كاتىكى كه وىژدان دوو چارى خسار و خرابى ده يىت، ته نيا مىكانىزمى "زه خت و گوشار" له كۆمەلگادا گارىگه رى و كار كه ردى ده يىت، له دۆخىكى وه هادا

ئىنسان، ئىنسان دەخوات.

سىستېمەكانى پائوخوازى دەسلەت و سەرمايە، لەسەر بنەماي نكۆلى وىژدان دادەمەزرىن. بەلام پەرگالى ديمۆكراسى بەىن وىژدان ناتوانىت كارامە بىت. لە بەنرەتەو ديمۆكراتىزاسيۆن، بزوتنەو ەيەكە كە دەيەو ەيت دۇخى "ئىنكارى وىژدان" لە ناو بەرىت و "وىژدانى كۆمەلەيەتى" سەرلەنوئى و دەست بختەو. ەتا تىكۆشان بۇ دۆزىنەو ەي " وىژدانى بزبوو" ئەنجام نەدرىت، ديمۆكراسى راستەقىنە بەرقەرار ناىت و ماف و ئازادىيەكانى تاكەكان و كۆمەلەلانى خەلك دەستەبەر ناىت.

لەبەر ئەو ەش لە چارەسەرى ديمۆكراتىدا پىويستە " پرنسىپى وىژدان" لە شوئىنى " بەكاربردنى ەيز" دانئىن. فەرەنگى رۆژەلەت لەگەل ئەو مزارە پىگانە نىيە. بە پىچەوانە، لە ەموو كاروبارىكدا گرىنگى پىدەدرىت و بابەتى سەرەككە. لەكاتى ەپنانەبەرباسى چارەسەرى پرسى گەلان لە ئىراندا، پىويستە پرنسىپى ئەخلاق و وىژدان لە سەرروى ەمووى بنەماكانەو ەيت و بەردەوام سەردانى بكرىت.

دەيەمىن پرنسىپ برىتتە لە پاراستنى زاتى لە پەرگالى ديمۆكراتىكدا. لە تەواوى ەبوونەكاندا، لە تەك حوجرەيەو ەبگرە ەتا پارچەكانى ژىر ئاتۆم، ەيچ ەبوونىك نىيە كە بەىن پاراستنى زاتى بىت. لەبەر ئەو ەش ەبوونىكى ەك كۆمەلگاي ئىنسانى كە يەكجار وريا و ەستيار و كراو ەيە، ناتوانى كە بەىن مكانىزمى پاراستنى بىت. لەو چوارچىو ەدا پاراستنى زاتى لە ەمبەرى چەوساندنەو ە ئەو زەخت و گوشارەى كە ەپمانەكانى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى (دەولەت _ نەتەو، كاپىتالىسم و پىشەسازىگەرايى) لە ەمبەرى كۆمەلگاي ئابوورى، ئىكۆلۆژى و ديمۆكراتىك ئەنجامى دەدەن لەسەرروى

پىداووستىيەكانى ژيانىيەو ە دىت. ژيانى بىن پاراستنى زاتى دىتە ئەو واتايەى كە رىگا بە رووى ەموو جۆرەيەكى بىنكارى، كۆيلەتى ەقەدەست، نەخۇشى، بىگارى و گەندەلەدا دەرپتەو. لە ەمووى خراپتر، گەلىك "قركردنى جەستەيى و فەرەنگى" لەتەك خۆيدا دەهپنىت. كۆمەلگاكانى ديمۆكراتىك و كەسانى ئازاد، ئەگەر لە بوارى پاراستنى زاتىيەو ە لە ەمبەرى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى سەرەكەوتوو نەبن، تەنيا ئازادىيان لەدەست ناچىت بەلكو ەبوونيان دەكەو ەيتە بن مەترسى قركردنەو.

بۆيەش لە چارەسەرى ديمۆكراتىكى كىشەكاندا، ەر كۆمەلەيك بە ەمان ئەندازە كە برىتتە لە بەكىنەيەكى ئابوورى، ئىكۆلۆژىك و ديمۆكراتىك، پىويستە يەكىنەيەكى بە ەرمەند لە پاراستنى زاتىش بىت. ەرو ەها ەر تاكىكى ئازاد و يەكسان بە ەمان شىو ە پىويستە لە يەك يا چەند يەكىنەى ئابوورى، ئىكۆلۆژىك و ديمۆكراتىكدا ئەندام بىت، دەبىت لە يەكىنەكانى پاراستنى زاتىشدا چىگە بگرىت.

پرنسىپى يازدە ەم، گرىنگى پىدانە بە ئىكۆلۆژى (ژىنگە پارىزى) يە. ئەركىكى تايبەت كە سىستەمى سەرمايەدارى بە پىشەسازىگەرايى بەخشيوتى، ئەو ەيە كە كۆمەلگاي ئابوورى بەگشتى و كۆمەلگاي جوتيارى _ كۆندىشىنى بە تايبەت بەچۆكدا بىننىت. ئەو زەننىتەى كە لەبن كارىگەرى شوؤيىسىمى پىشەسازىگەرايىدا دووچارى چەقەبستوى و وشكى بۆتەو، تواناى دىتنى پىكەتەى ئىكۆلۆژىكى حاشا ەلنەگرى "كۆمەلگا و پىكەتەى ئابوورىيەكەى" نىيە و بەرپرسيارى بىكارى، قەيران و كەلەبەرى نىوان دا ەتەكان لە ئابوورىدا يە. ئەگەر كۆمەلگاي سەردەمى پىشەسازى لە ەمووى گۆرەپانەكاندا گرىنگى بە ئىكۆلۆژى نەدات، ناتوانى درىزە بە ژيانى خۆى بىدات. پىويستە بە

باشى تېگەين كە لە چاخەكانى بەر لە سەردەمى پيشەسازىدا، ژيانى ھەموو گيانداران و ئىنسانىش لەناويدا، بە ھۆكارى تېگەشت و ھۆشيارى ئازۆيى (غەرىزى: وردىبىنترين ھۆشى عاتىفى) ژيانىكى ئىكۆلۆژىك بوو. گياندارىك ياخود بوونەوھەرىك كە ئىكۆلۆژىك نەيىت ناتوانى لە مردن و لەناوچوون رزگارى بىت. بىگۆمان ھەر گياندارىك خاوەن ھۆشمەندىيەكى ئىكۆلۆژىكى تايبەت بە خۆپەتى. لە كۆمەلگاي رۆژھەلاتدا تبايى و كۆك بوون لەتەك سروشت، لە پرەنسىپەكانى بنەرەتى ژيانىيە. لەبەر ئەوھش نەرىتى كۆمەلەپەتى رۆژھەلاتى ناوھەراست لە ھەمبەرى ژىنگە ھەستىار و ھۆشيارە و لەتەكيا ھاودەنگى و تەبايى ھەيە. ئەركىكى كە پىويستە پىكى بەيىن، ئەوھەيە كە بە نووژەنكردنەوھى كۆمەلگاي ئىكۆلۆژىك بتوانىن لەبەرانبەرى تىپوانىنەكانى فەتھگەرا، لەناوھەر و داگىركەرانەي سەرمایەدارى و پيشەسازىگەرايانە بەربەرەكانى بكەين. كۆمەلگاي ئازاد و ديمۆكراتىك، تەنيا لە رىگاي ھۆشيارى مانايى شياوى خۆپەو دەتوانىت بەقەرار بىت. ھەر بەكەينەپەكى ئابوورى، لە رىگاي ھۆشيارى ئىكۆلۆژىكى خۆپەو دەتوانىت ژيان بەسەربەرەيت. ناىت يەكەينەكانى ئىكۆلۆژىك — ئابوورى بە چاوى يەكەينەپەكى بىكەلك و لاواز لەبوارى تەكنىكى و لىزانىنە لىپى پرواين. ئەگەر پىويست بىت گرژ و دژوارترىن و پيشكەوتوترىن تەكنىكەكان لە يەكەينەكان و يەكئىتەيەكانى ئىكۆلۆژىك — ئابوورىدا بەكاردەھىت.

بەشى چوارەم

.....ناسنامەي نەتەوھىي كوردان و دروستبوونى پىرسى كورد لە ئىراندا

نزيك بوونى زمان و فەرھەنگى ناوبەينى نەتەوھەكانى ئىران كارىگەرىيەكى ئەوتۆي لە شىكلگرتنى شوناسى ئىرانىدا ھەيە. لەو ناو نەتەوھەكانى ئىراندا، پرۆتۆكوردەكان، لەيەكەم گرووپەكانى پيشەنگن كە ئاسەوارى فەرھەنگىيان تۆمار كىردوو و ھەبوونى خۆيان لە مېژوودا نىشان داوھ. ھەم شارستانىيەتى سۆمەر و ھەم شارستانىيەتى ئىران بەرھەمى فەرھەنگى كۆمەلەپەتى داوئىنى زنجىرە چىپاكانى زاگرۆسن؛ ھەمان فەرھەنگى كۆمەلەپەتى كە ئاگر، كشتوكال و ئاژەلدارى ناوھەرەكەي پىكدەھىن. ئەو راستىيە لەو پىكھاتانەي كە بە درىژايى مېژوو لە سەردەمى سومەر — گۆتتەيەكان ھەتا ماد — پارس و لە ساسانىيەكان ھەتا ئىرانى ئەمروكە ھاتوون دەتوانىن بىينىن. يەكەم ھەنگاوى توكمە بۆ وەدەيھىنانى شوناسى قەومى بە پيشەنگايەتى كاھىنانى زەردەشتى، لە سەردەمى كۆنقىدراسيۆنى ماد ھەلگىراوھ و بەو شوناسەوھ لاپەرەيەكى زىرنيان تۆمار كىردوو. لە سۆنگەي شوناسى كوردىيەوھ، مادەكان "يەكەم پشەتەكانى

قەومى كورد" ن كە لە مېژووى نووسراودا سەبارەت بە ئەوان بەلگە ھەيە. ناسنامەى پارسى، ھەبوونى خۆى دەيندارى مادەكانە. لە مېژووى ھېژۇدۇتدا، مادەكان ۋەك پېشكەوتوتوتىن قەومى ئەو سەردەمە پېناسە دەكرين، پارس و يونانييەكانى ئەو چاخە دەكرى ۋەك شاگردى مادەكان بەناو بكەين كە لەوانەۋە فەرھەنگ فېربوون. مادەكان لە رەوتى پېشكەوتنى سىستەمى شارستانىيەتى ناۋەندى، لانيكەم بەقەد سۆمەرىيەكان رۇليان ھەبوۋە. تەنانەت فەرھەنگى مادە كە بۆتە ھۆى ئەۋەى شارستانىيەتەكانى پارس، ئېژە(ئەگە)، ھېلىن و رۇم شىكلى بگرن و ۋەدېيىن و بناغەدانەرى ئەۋان بوۋە.

ھەمان مىراتەى مېژووى، لە پېكھېتئانى فەرھەنگى ئىسلامى لە چاخەكانى ناويندا نەقىشى گرېنگى ۋە ئەستۇ گرتوۋە و ئەنجامى داۋە. بەشىكى گرېنگ لە وتارەكانى باۋەرمەندى و ھەروھە زۇربەى وتارەكانى ئەخلاقى، سەرچاۋەگرتوۋ لە وانەكانى زەردەشتىن. ئايىنى "ئىزەدى" بەشىكى بچوۋك لەو نەرىتەيە كە ھېشتاش درېژە بە ژيانى خۆى دەدات. كارىگەرى ئەۋ مىراتەيە لە دابونەرىتى كوردەكانى سۆران، كەلھور، ھەورامى، لۆر، عەلەۋى و يارساندا بەرچاۋە و راستىيەكە.

جوغرافىاي ئيران بە درېژايى مېژوۋ بەردەۋام پەنا و مەلئەندى گەشەى ئايىنى شىعە بوۋە كە ۋەك ھېلى ناپەزايەتى لە ھەمبەرى ئىسلامى دەسەلاتدار و ئىقتىدارخوۋ — ئەۋ ئىسلامەى كە لە بەدەستداگرتن بەسەر بنەماكانى ئىسلام ھەۋلېداۋە بۆ پېكھېتئانى حكوۋمەتەكانى ۋەك ئەمەۋى و عەباسىيەكان — سەرىپھەلداۋە. ئمۈونەى ئەۋ راپەرىنە دەتوانىن لە سەرھەلئانى شەۋبەيە و بزوتتەۋەكانى خۇراگريانىەى ھاۋشېۋە لە ھەمبەرى ئىسلامى دەۋلەتيدا بېيىن كە ئيرانىان ۋەك پەناگاي خۇيان ھەلېژاردوۋە. لە سەردەمى سەفەۋى پېۋە، ئايىنزاي شىعە لە كۆنڧىدراسىۋىتىكى سىياسى خاۋەن فەرھەنگ و تايەتمەندى

دىمۇكراتىك، بەرەۋ سىستەمىكى دەۋلەتى كە تىيدا تايەتمەندىيەكانى بروكراتىكى(ئىدارەيى) ناۋەندى بەرجەستەن، توۋشى گۇرئانكارى بنەرەتى بوۋ. شىعەش بوۋ بە بەشىك لە ئايدۇلۇژىيائى رەسمى دەسەلات. ھە چەندە لە بەشىكى گرېنگ لە ئىسلامى شىعەدا نەرىت و فەرھەنگى دژەدەسەلات و ئىقتىدار ھەبوونى خۆى بەردەۋام دەكات، بەلام ئىسلامى شىعەى دەۋلەتەش ۋەك ئىسلامى سونەى دەۋلەتى پاونخوۋاز و دەسەلئەنگەرايە. بەشىكى گرېنگ لە كوردەكانى ئيران لە رېگاي جۆرەيك نەرىتى كراۋە و بەدوور لە قالدېگەرايى ئىسلامى سونى، " دژايەتى دىمۇكراتىك و ھەروھە راستىنەى دىمۇكراتىكى خۇيان" لە بەرانبەرى دەسەلاتەكانى شىعەدا بە شىۋازىكى سەرنجراكىش نوپنەرايەتى دەكەن. شوناسى كوردى ھاۋدەم لە رۇژھەلاتى كوردستان، لە سەرەتاكانى سەدەى بېستەمى زايىنيەۋە ھەۋلئانى كوردوۋە تا خۆى لە بەرانبەرى فاشىسىمى بەسىستەم كراۋى دەۋلەتى مۇدپىرىتى ئيران، دارپۇتتەۋە. شۇرپشى سمكۆ و ئەزمونى كۆمارى كوردستان لە مەھاباد نىشانەرى ئەۋ راستىيەن. ئەۋ راستىيە و نەرىتى خۇراگرييە، لە ئاكامدا بە راۋەستان لە ھەمبەرى كۆمارى ئىسلامى ئيران، جارنىكى دىكە خۆى سەلماندا.

پەيمانى "قەسرى شېرىن" كە لەناۋەبەينى سەفەۋى و عوسمانىيەكاندا بەسترا، لە داېرانى كوردەكانى رۇژھەلات لە كوردستان گشتى رۆلى ئەساسى ھەبوۋ. ئەۋ پەيماننامەيە بە واتاي جياكردنەۋەى كوردەكانى زاگروئس لە گشتى كوردانە. فەرھەنگى زال و گشتىگېرى ھەيى لە ژيانى كوردەكانى ئيراندا، زيارتر لەۋەى كە ئايىنى و ئايىنزايى بېت، چۇنايەتى ئەتتىكى و قەومى ھەيە. ئايدۇلۇژى رەسمى دەۋلەت بە خراپ بەكارھېتئانى فاكترەى ئايىن و ئايىنزا، ھەۋلئەدات تايەتمەندىيەكانى قەومى كوردەكانى شىعە و بەتايەت لوپەكان(بەكىك لە كۆتتىن لئەكانى فەرھەنگى كوردەكان) ھەۋلى لاۋاز خستىيان دەدات. ھەروھە

كوردەكانى خۇراسان كە ھەژمارىكى بەرچاويان ھەيە، كرمانج و خاوەن ئاينىزاي شيعەن، ھەرچەند ھەولدايتكى بەرفراوان بۆ تۈۋەندە ۋە بىكارىگەركردىيان لە بۈۋارى سياسيدا بەرپۆھە چۈۋە، بەلام ئەوان بەردەوام لەسەر پاراستنى فەرھەنگ و شوناسى خۇيان پىداگرى دەكەن. ئەو خۇراگرىيانەى چاخى سەردەم كە تا رۆژى ئەمپۇ درپۆھەيان ھەيە(ۋەك خۇراگرى سەمكۆ، قەدەم خىر لورستانى، قازى محەمەد و...)، كارىگەرى گرىنگيان لە ۋەدپھاتنى شوناسى سەردەمانەى كوردى لە رۆژھەلاتى كوردستاندا ھەبۈۋە. ئەو شۆرشانەى كە لە سەرەتاكانى سەدەى بىستدا دەستيان پىكردوۋە، كارىگەرى ھەمەلايەنەيان لەپاش خۇيان بەجپھىشتوۋە. پىۋستە تايەمەندى ئۆتۆنۆمىيەكانى خانەدانى بە باشى تىبگەين و جياۋازىيەكانيان لەگەل ئەو بزۋوتنەوانەى كە بۆ پاراستنى ھەبۈۋەن و گەشەى ئازادى تىكۆشىن دەكەن لەيەك جياكەينەۋە.

ئەو شەر و تىككەلچۈۋەنەى كە لە ھاۋئاراستەى ئۆتۆنۆمىيەكانى نادىمۆكراتىك روۋپانداۋە، بە ھۆى جىگە و پىنگەى چىنايەتى پىشەنگەكانيان، زۆربەيان شىكستيان ھىناۋە و خسارگەلئىكى قوۋليان بە گشتى لەسەر ھەبۈۋەنى ئەتەۋەى و ئازادى كوردان بەجپھىشتوۋە. ھەر شىكستىك بۆتە ھۆى قىرگىدىك، ھەر قىرگىدىكىش، ژىنۆسايىدى فەرھەنگى ھەنگاۋىك نىزىكتە كۆرۈتەۋە. ئەو بزۋوتنەوانەى كە بە پىشەنگايەتى "شىخ عوبەيدوللا نەھرى"، "سەمكۆ" و "قازى محەمەد" لە رۆژھەلاتى كوردستاندا بەرپۆھەچۈۋەن ئاكامىكى جياۋازيان نەبۈۋە. شىكست و سركوتكارىيەكى زياتر، ھەبۈۋەنى ئەتەۋەى و ئازادى لاۋاتر كىردوۋە و بوۋە بە ھۆى كەش ۋەھەۋايەكى ناۋمىدى و بىھىۋايى لە ئاستى گشتىدا. ئەزمۈۋەنى كۆمارى كوردستان لە مەھاباد كە قازى محەمەد رپۆھەرى ئەو ۋەئەستۆ گرتىۋو، ھەرچەند كە لە ئاستىكى بەرزى بەشدارى گەل و ناۋەندىتى خەلك بەرھەمەند بوو، نەيتۋانى لە ئاكامىكى ھاوشىۋەى شۆرشەكانى دىكەى

سەردەم خۆى خلاس بىكات. پەيمانى "سەعدئاباد" كە لەناۋبەينى فاشىسىمى سىپى تورك و فاشىسىمى رزاشاي پەھلەۋىدا بەسترا، لە ئەساسدا فۆرمى نوۋى و سەردەمانەى پەيماننامەى "قەسرى شىرىن" بوو و بە ئامانجى قوۋلگىردنە و پەرت كىردنى كوردان و پاكتاۋ كىردنى ھاۋبەشى بزۋوتنەۋەى ئازادىخاۋانەى ئەوان پىلاننى بۆدارپىرژرا.

لە ھەر چوار بەشى كوردستاندا شوناسى ئەتەۋەى كورد، لە سەردەمى مۆدېرنىتەى سەرمایەدارى گورزى كوشەندەى ۋەبەركەۋتوۋە. گرىنگىرتىن تەجرەبەيەكى كە لىرەدا دەپ ۋەدەستى بخەين ئەۋەيە كە ناتۋانين بە رىيازى ئامپىرەكانى ئەساسى مۆدېرنىتەى سەرمایەدارى(فىناس، دەۋلەت — ئەتەۋە و پىشەسازىگەرابى) ھەبۈۋەنى ئەتەۋەى كوردان ۋەدپھىتىن و بىپارىزىن. ھەم ئاكتەرەكانى سەرەكى پەركالى ھەژمۆنىك و ھەم ھىمانەكانى بەكرىگىراۋى، ھەسپ و كىتىي خۇيان لەو چوارچۆپەيەدا دەكەن: دابەش كىردنى كوردستان، پەرت و لەيەك دوورمانەۋەى بەشەكان، تۈۋەندەۋە و قىرگىردن و بىبەركىردنى ھەبۈۋەنى ئەتەۋەى كورد لە ھەمۋە بەشەكان و يا لە ژىر حاكىمىيەت و رەكىفى خۇراگرتىيان لە رىگاي پىكپاھە و دامۋدەزگاكانى ساختەى كوردگەرا كە دەكرىت ۋەك تەۋاۋەرى پىلانەكانى ئامازەپىكراۋ بەناۋيان بگەين. ئەگەر ئەو پىلانانە بە پىنى خواست و مەيلى ئەوان رەۋتتىكى راست بەردەوام بىكات و كىردارى بىت، ئاسەۋارىك لە كوردستان و ھەبۈۋەنى ئەتەۋەى كورد نامىتت. ھىمانە بەكرىگىراۋەكان جۆرىك شوناسى كوردى ساختە، چەۋاشەكراۋ و بىۋاتا ۋەك دەمامك بەكاردەھىتىن كە سىستەمى ھەژمۆنىك لە ھەر پارچەيەكى كوردستان لە ژىر ناۋى ناسنامەى كوردى دروستى كىردوۋە. نەقىشى ئەو ھىمانە ۋابەستە و بەكرىگىراۋانە ئەۋەيە كە لە رىگاي تۈۋەندەۋە و لەناۋ بىردنى نىرخەكان، قىرگىردنى فەرھەنگى كوردان — كە دەيانھەۋىت لە درپۆخاينەدا بەرپۆھەرن —

ره‌وایی به‌خشن. به‌کینک له‌خاله‌ بنه‌په‌تییه‌کان که‌ ئاراسته‌ده‌رانی چالاکیه‌کانی رۆشه‌نگه‌ری، سیاسی، ئه‌خلاقى و جوانیناسانه‌ له‌ چواچیه‌وه‌ی هه‌بوونی نه‌ته‌وه‌یی کوردان، نابیت ته‌نیا ساتیک له‌ مېشکیان ده‌رچیت و به‌رده‌وام له‌ جیهانی هه‌ست و عاتیفه‌ی خۆیاندا زیندوو رایگرن، ئه‌وه‌یه‌ که‌ هه‌ر کام له‌ دامه‌زراوه‌ کوردگه‌رایانه‌ی ده‌مامکدار و ساخته، داوڤکه‌ بۆ گرفتار بوون. نییه‌تی ئه‌وانه‌ چ ده‌بیت با بى، رۆلیان ئه‌وه‌یه‌ که‌ ره‌وایی به‌ قه‌کردنی کوردان بده‌ن.

به‌شى پینجه‌م

..... ده‌وله‌ت - نه‌ته‌وه‌ی ئیران و نه‌فتی ئه‌و له‌ رۆژه‌لاتی ناوه‌راستا

نه‌ریتی ده‌وله‌تی ئیران، به‌ ساکاری و ساده‌بی مینیمیزه‌بوون قه‌بوول ناکات. ته‌نانه‌ت شای ئیران له‌ ده‌ورانی سه‌رده‌میشدا له‌ هه‌مبه‌ری مینیمیزه‌ بوون خۆراگری کرد. شۆرشى ئیسلامی ئیران له‌ سالی ۱۳۵۷ هه‌تاوی له‌ هه‌مبه‌ری ده‌وله‌ت نه‌ته‌وه‌ی بچووک کراوه‌ی تایه‌ت به‌ رۆژه‌لاتی ناوه‌راستا (که‌ سنووره‌کانی دیاری کرابوون) و سیسته‌مه‌ هاوته‌ریبه‌که‌ی، هه‌لوڤستیکى گۆنجاو وه‌رگرت. هه‌رچه‌ند که‌ کۆماری تورکیه‌ و ده‌وله‌ت — نه‌ته‌وه‌کانی عه‌ره‌بی خۆیان ئه‌سپارده‌ ئه‌و سیسته‌مه‌ و رواییان به‌ په‌رگالی "ده‌وله‌ت — نه‌ته‌وه‌" داوه‌ که‌ هه‌بوونی ئیسراییلی مسۆگه‌ر ده‌کرد، شۆرشى ئیسلامی ئیران، ستاتۆی دارپژراوی به‌و شیوازه‌ی که‌ هه‌یه‌ په‌سه‌ند نه‌کرد و هه‌ولیدا تا هه‌ژمۆنی خۆی له‌ به‌رامبه‌ریدا پیکه‌په‌یت. گرژى نێوان ئیران و ئیسراییل که‌ ئه‌مپۆکه‌ ده‌یبینن، ته‌نیا له‌ نێوان دوو ده‌وله‌ت — نه‌ته‌وه‌دا نییه‌، به‌لکوو گرژى و ئالۆزی نێوان دوو هێزی سیستematیک و هه‌ژمۆنخوازه‌ که‌ به‌رده‌وام ده‌کات.

پېشینه و کۆكى نهریتی دهولتهی له ئیراندا، بۆ سهردهمی ههخامهنشیهکان دهگهړتیهوه. ههخامهنشیهکان له فرههنگی مادی و معنوی کۆنفیدراسیۆنی ماد که لکیان وهرگرت و ههروهها هیمانهکانی نایینی میترایسیم و زهدهشتیان بۆ رهوایی پیدان به په رگالی دهسهلاتخواز و پاوانخواری خو به کارهینا. ئیمپراتۆری ههخامهنشی پارس وه که یه کهم سیستهمی دهولتهی ئیران، هیمانه دیموکراتیکهکانی سیستهمی مادهکانیان لاواز خست و به رهو په رگالیکی ناوهنگهرا، دهسهلاتهگهرا و داگیرکار ناراستهیان پیدا. مادهکان له سهرهتای دامهزراندنیدا به شداریکی چالاکیان هه بوو، به لام له ناکامدا به لابرديان، شکلیکی ناوهندی و پاوانخواری پهیدا کرد. په رگالی ههخامهنشی له راگوپستنی کۆيله داری چاخهکانی سهرهتای (سۆمه، میسر، ئاشوور و بابل) به رهو کۆيله داری باستانی یۆنان و رۆم رۆلی سهرهکی ههیه. کۆيله داری سهردهمی باستانی یۆنان و رۆم، هه بوونی خووی قهرزداري ته شه نهی ئه و سیستهمی کۆيله داریه ناوهندییه. چاخى هیلپنیسم که به سهرکهوتنهکانی ئهسکهندهر دهستی پیکرد، نیشاندهری وه دیهاتنی سهنتیزیکى خولقپنهرا نه له بهینی رۆژهلات و رۆژئاوادایه. قهیرانیکی قوول، سهراچه گرتوو له شه پری ههژمۆنیخوازانهی جیهانی له بهینی رۆمییهکان — پارتهکان ههروهها نیوان رۆمییهکانی بیزانسی — ساسانییهکان به سهدان سال بهردهوامی کرد، له ناکامدا به سهرکهوتنی هیزى ههژمۆنیکی ئیسلام کۆتایی پیهات. نهریتی دهولتهی ئیران له ماوهی نزیکى ههزار سال واته له سهرکهوتنی ئیسلام ههتا دامهزراندنی خانهدانى سهفهوی، له لایهن خانهدانهکانی عهزهب، تورک و مهغولهوه که له تهك ئهوه فرههنگه نامۆن، نوپنهرايهتی دهکرا. شیعه گهری، به هاتنی خانهدانى سهفهوی وهك ئایدۆلۆژییهکی دهولتهی لیهات. بنه ماکانی حکومهتیکى ناوهندی و دینگهراش له وه سهردهمه دا داپرێژان. شه پری ههژمۆنگهرايانه که به نامانجی داگیرکردنی کوردستان له گهڵ

ئیمپراتۆری عوسمانی دهستیان پیکرد، به پهیماننامهی قهسری شیرین کۆتایی پیهات. له دهههه نجامی ئه وه پهیماننامهیه دا، کوردستان بۆ جاری یه کهم به دوو بهش پارچه کرا. له بهینی میرنشینهکانی کورد، سیاسهتی "پنکه وه ژیان له تهك هیزى ههژمۆنیک، له سهه بنه مای خوړپوه بهری" به جوانی جیگیر بیهوو. دهولتهی ئیران پاش رووخانی سهفهوی، له ناوبهینی چهند خانهداندا دهستاو دهست ده بوو، له دهورانی شه پری جیهانی یه کهم به پیکهیتانی دهولته — نه ته وهی مۆدیرن له ئیراندا، حکومهت حالهتیکى ناوهندی و دیسپۆتیکى پهیدا کرد. ئه وه حکومه ته ئیزنی ههچ چه شنه جیاوازییهکی ناسنامهی نه ده دا و شوناسه جیاوازهکانی به توندی سهکوت ده کرد. پیکهاتنی دهولته — نه ته وه له ئیران و ولاتانی دیکه ی دراوسێ و بهردهوامی رهوتی ناوهنگه رایى و سرکوتکاری ناسنامهی له ئهواندا بوو به هوکارێك ههتا رهوتی دابهشکردنی کوردستان ته واو بیت. پهیماننامهکانی سایکسپیکۆ و لۆزان، هاوپهیمانی هیزهکانی جیهانی ئه و کاته بوو بۆ دابهشکردنی کوردستان و بۆ ئه وهی شوناسی نه ته وهی کورد ئینکار بکهن. پاش شه پری یه کهمی جیهانی حکومهتی ئیران وهك ئه و نه وهی کۆماری تورکیه و پاشایهتی ئهفغانستان، له دهههه نجامی لیکدانهوی ههژمۆنی ئینگلستان، له سهه ناوی دهولته — نه ته وهی مۆدیرن سههله نووی داپرێژاوه. دروست وهك ریککهوتنه که ی له گهڵ مستهفا کهمال، دهسهلات له پیناو ئیرانیکی مینیمیزه دا، پیشهکشی رزاشا کرا. ئینگلستان ههه کام له پاشایهتییهکانی ئیران، ئهفغانستان و کۆماری تورکیه که له وه سهردهمه دا مینیمیزه ی کردبوون، له سهه ناوی دهولته — نه ته وهی که ی حائیل (له مپهه)، له هه مبهری بهربلاو بوونهوی یهکیتی سوڤیت به رهو باشوور، داپرشته نه وه و دایمه زراندن. ئه وهی که ئینگلستان هه رپه مکهکانی ناوبراوی به شیوازی حکومهتی ژیرکۆنترۆل و ژیرچه پۆکه ی کلاسیک دروست نه کرد، نه له بهر لاوازی به لکوو به هوی ترس له په ره سه ندنی یهکیتی

سۆڤىت بو. سىياسەتى "دەۋلەتلى مەپەر"، سىستەمىكى ئىنگلىسىيە كە لە سەرەتاكانى سەدەي بىستەمەۋە ھەتتا ئەۋرۇ بە سەرکەۋتوۋىي بە ئەنجام گەشتوۋە. خانەدانى رازشا بەرنامەيەكى مۇدپرنىستىيان بەرپۇە برد كە بەۋ پىيە نەرىتى فەرھەنگى ئىران ۋەلانرا ۋە لاسايى رۇژئاۋا كراۋە. ھەۋلدىرا تا بە ۋىنەي حكومراىتكى پەيوەندىدار يا ۋەچەيەكى حكومراىنى گشتى ئىنگلىستان، پاشان ئامرىكا ۋە تەننەت ئىسرائىل لەسەرپىن بېيەلنەۋە. ئەۋەي كە دەۋلەت — نەتەۋەكانى رۇژھەلەتلى ناۋەپراست لە بواری چۇنايەتيدا تايبەتمەندىيەكانى "دەۋلەتۇكە ياخود دەۋلەتلى پەپرەۋ" (دەۋلەتلى ئەقمارى) يان ھەبوۋ، بەرجەستەترىن ھالەتلى خۇي لە خانەدانى پەھلەويدا نىشاندا. ئەۋ دەۋلەتەنەي كە لە رىگاي ھىزى ئەمنى، سربازى ۋە پۇلىسەۋە لەسەر پىن رادەگىران، بە برانى پىشتىۋانى ھىزى ھەژمۇنىك، لە ماۋەيەكى كورتدا دوۋچارى نىسكۇ ۋە روۋخان بوون. ئاكامى خانەدانى پەھلەۋىش ھەر بەۋ شىۋازەي لىھات.

شۇرشى گەلانى ئىران لە سالى ۱۳۵۷، بە ھەمان ئەندازە كە سىياسە، شۇرشىكى كۇمەلەيتىشە. ھىزى ئەۋ شۇرشە تەنبا لە رىكخستى مەلاكانى شىعە سەرچاۋەي نەدەگرت؛ بەلكوۋ بەپىچەۋانە، ھىزى بنەرەتلى خۇي لە فەرھەنگى كۇمەلەيتى گەلانى ئىران دەگرت كە خاۋەن رىشەيەكى مېژوۋىي بو. شۇرش لە سەرەتاكانىدا ۋەك شۇرشەكانى فەرانسە، رووسىيە ۋە ئانادۇل، تايبەتمەندىيەكانى دىمۇكراتىكى ھەبوۋ. پىشتى بە ھاۋپەيمانى بەرفراۋان ۋە بەرپلاۋى ھىزەكانى نەتەۋەي دىمۇكراتىك دەبەست. ھاۋپەيمانى نەتەۋەي دىمۇكراتىك كە سەرچاۋەي لە يەكىتتى بەرفراۋانى چەپگەراكان، بزۋوتنەۋەكانى ژنان ۋە جوانان، ئۇمەتگەرايانى شىعە ۋە چىنۋوتىزە ۋە ۋلاپاريزەكانى گەلانى ئىران ۋە لەسەرۋى ھەموۋيانەۋە گەلى كورد دەگرت، ھىزى ئەساسى سەرکەۋتوۋىي بو. بەلام لايەنى

پىكھاتوۋ لە مەلاكانى شىعە ۋە بازارىيەكان (ۋردە توجار) كە لە بواری مېژوۋىيدا لە نەرىتىكى رىۋەبەرى كۇمەلەيتى بەھىز بەھرمەند بو، لە ماۋەيەكى كورتدا دەسەلەتلى خۇي بەرقەرار كورد ۋە ئەۋانەي كە لەتكياندا رىككەۋتوۋىي، بىنەزەبىيانە سەرکوتى كورد. ئەگەرچى بنەماي نەتەۋەي دىمۇكراتىكى شۇرش دوۋچارى لەرپدەركەۋتوۋىي بو، لە ناۋەرپۇكدا دزايەتلى ۋە ناكۇكى لەگەل مۇدپرنىتەي سەرمايەدارى ھەيە ۋە بەردەۋامى دەكات. چىنى قۇرغكار ۋە پاۋانخۋازى دەۋلەتلى، خۋاستى تا ئەۋە ئەزمۇنە دزەكاپىتالىستىيە كە واتاي مېژوۋىي ۋە فەرھىگىيەكى زۇر مەزن ۋە بنەرخى ھەيە، ۋەك كارتىك بۇ رواپىيدانى ھەبوۋنى خۇي لە ھەمبەرى ھىزەكانى ھەژمۇنىخۋازى سىستەمى سەرمايەدارى بەكاربېيىت. ھىشتاش لەسەر ئەۋ بنەمايە كاردەكات. ھەموۋ ھەۋلدىنى چىنى قۇرغكارى دەۋلەتلى ئىران ئەۋەيە كە تايبەتمەندى دزە مۇدپرنىستى (دزەكاپىتالىستى) شۇرش ۋەك چەكىك لە بەرانبەرى ھىزەكانى ھەژمۇنگەراي رۇژئاۋا بەكاربېيىت ۋە لە ھاۋسەنگى دەۋلەت — نەتەۋەي رۇژھەلەتلى ناۋەپراست بتوانىت پىگەيەكى شىۋا ۋە جىگاي متمانە ۋە دەست بخت. ۋەك مۇدپرنىتەيەكى جىۋاز، لە بواری واتايى ۋە ناۋەرپۇكدا، جىۋازىيەكى لەگەل مۇدپرنىتەي سەرمايەدارى نىيە. بەھەمان شىۋە كە دەۋلەت — نەتەۋەكانى عەرەب ۋە يەكەمىن ۋە دۋەمىن قۇنغى كۇمار لە توركىيە ھەۋلدەدەن تا بە رىيازى لىكدانەۋەي ناكىتىكى، "زىاترىن پىشك ۋە بەھەر" لە خۋانى سىستەم ۋە دەست بختەن، ھاۋكات لە بەرانبەرى رواپىيدان ۋە پىشتىۋانىكى سىستەم، ئىزن بەدەن كە پەرگال لە خىر ۋە قازانجىيان بەھرمەند بىت. ئىرانىش دەبېھۋىت ناكۇكى خۇي لەتەك پەرگالى جىھانى بۇ ئامانجىكى ھاۋشۋىۋە بكاربېيىت. لەۋ رىيەۋە دەرفەت ۋە دەرنەنجامى ھاۋشۋىۋە ۋە دەستبخت. ئەۋە جۇرپىك لە چەنەلپدانى توجارى بازارە كە لە نەرىتى ئىراندا

پېنگەيەكى بەھيزى ھەيە. ئەو نەرىتە، قەيران لە ئيراندا، لەو خالەو دەست پىدەكات. نەرىتى بەھيز فەرھەنگى، چىنكى پوانخووزى دەولەتى رىككەوتوو لەگەل مۇدپرنىتە سەرمايەدارى قەبوول ناکات. لەبەر ئەو ھەميشە شىمانەى ئەو ھە ئەلۆزى ناو ئيران وەرگەرئەتە حالەتى "شەرىك لە ناوبەينى ھەردوو مۇدپرنىتە" دەكرىت. بەپىچەوانەى ئەو ھەى كە لە دەولەت — نەتەوكانى توركيە و عەرەب دىترا، گۇمانى ئەو ناكرى كە بە ئاسانى لەناو بچىت.

ئۆلىگارشى ئيران، ئەمپۇكە بۆ و دەستخستنى رۆژھەلاتى ناوھراست لەگەل ئىسرايىل لەناو شەرىكى ھەژمۇنىكدابە (ھەچەند ئەو شەرى زياتر لە ئاستى لىدوان و گوتاردا دەمىننىتەوھ). بەتايىتە ھەولدانىتى تا چالاككەكانى ناوھى خۆى وەك كارتىكى دووھەم بەھەمان ئامانج بكاربھىننىت. ئەگەرچى نەرىتى دەولەتى لە ئيراندا تەجرەبە و ئەزموونى ھەزاران سالەى وەك چەكىك لە خزمەتدايە؛ بەلام لە سەردەمى مۇدپرنىتەى سەرمايەدارى سەبارەت بە ئاستى ھىزى خۆى زىدەرۆبى (اغراق) دەكات. لە سەردەمىكى كە سىستەم لە بەربلاوترىن حالەتى گلوبال دايە، ئەگەر پەرگالى دەولەتى ئيران بە شىوازىكى رىشەى مۇدپرنىتەىك ھەلنەبژىرئىت شانسى سەرکەوتنى يەكجار كەم دەبىت. وەك دەولەت — نەتەوكانى دىكەى ھەرىمەكە، دەولەت — نەتەوھى ئىرانىش بۆ چارەسەرى پرسەكان دوو رىبازى لەپىشدايە. تەوھەرى يەكەمى چارەسەرى برىتییە لە: رىككەوتن لەتەك سىستەمى جىھانى؛ وەك حكومەتى شا. لە واقعدا دەولەت — نەتەوھى ئيران بۆ ئەو مەبەستە ئامادەى؛ بەلام سىستەمى مۇدپرنىتەى سەرمايەدارى، بەو شكەلى ئىستاكە ئيران پەسەند ناکات. بەلام ئەو چاوپىكەتنانەى كە بە ئامانجى رىككەوتن پىكدىن، لە ئاكامدا چ بە رىبازى ئاشتىانە چ لە رىگای شەروە، لە بەرژەوھەندى ھىزەكانى ھەژمۇنىيەى

سەرمايەدارىدا كۇتايى پىدئىت. تەوھەرى دووھەمى چارەسەرى ئەوھىە؛ كاتىك كە مزارى چارەسەرى پرسەكان دىتەپىش، داپرانىكى رادىكال لە سىستەم دەكەوتە گۆرى. واتە لە كاتىكدا كە ھەم چىنى پوانخووزى دەولەتى ئيران و ھەم ھىزەكانى ھەژمۇنىك رۆژئاوا توانايان نامىننىت، رىكارى مۇدپرنىتەى دىمۇكراتىك وەك مەجبورىيەتەك دەكەوتەگەر.

و پښکهاته‌کانی دیمۆکراتیک و ئۆتۆنۆمی کۆمه‌لایه‌تی (وه‌ک‌ عشاير و عیلات) رووبه‌رووی سه‌رکوتکاری و ق‌رکردن هاتنه‌وه. له‌ ئاکامدا ده‌ولت — نه‌ته‌وه‌ی مۆدێرنی په‌هله‌وه‌ی پښکهاات و کیشه‌گه‌لپکی جیدی له‌ بواری دیمۆکراسیدا دروست کرد.

ئه‌گه‌رچی هه‌ولدانگه‌لپک بۆ مه‌شرووته‌کردنی پاشایه‌تی ئێران له‌ سه‌رده‌می قاجاره‌وه‌ ئه‌نجام درا، به‌لام نه‌ته‌وه‌گه‌رایي (به‌تایه‌ت ئه‌و نه‌ته‌وه‌گه‌راییه‌ی که له‌ سه‌رده‌می په‌هله‌ويدا گه‌یشته‌ لووتکه) له‌ هه‌مبهری مه‌شرووته‌بوو به‌ له‌مپه‌رک و به‌ستینی دیکتاتۆریه‌کی ره‌های له‌ جوړی ده‌ولت — نه‌ته‌وه‌ وه‌ده‌یپنا. له‌ قۆناغی ئیستاداش، پښکهاته‌ی ئیداری وه‌ک‌ پۆلین کردنی ئوستانی، شوورپاکانی شار و لادی و مه‌جلیس، ئه‌گه‌رچی له‌ ژپ‌ر‌ ناوی رپۆه‌به‌ریه‌کان و نوپه‌راهه‌تیه‌کانی هه‌ریمی پیناسه‌ده‌کرین به‌لام له‌ کرده‌وه‌دا تواناکاری پیوستیان بۆ لابردنی ناوه‌ندگه‌رایي نییه‌ و یه‌کجار ساخته‌ و شکلی و لاوازن.

۲. کاریگه‌ریه‌کانی نه‌ته‌وه‌گه‌رایي، دینگه‌رایي، جنسیتگه‌رایي و زانستگه‌رایي پۆزیتویستی: ئه‌و ئایدۆلۆژیانه‌ هه‌م له‌سه‌ر ده‌ولت و هه‌م له‌سه‌ر لایه‌نه‌کانی دژبه‌ر کاریگه‌ریه‌کی قوولیان به‌جیه‌پشتوو. له‌ ئه‌نجامدا بوونه‌ته‌هۆکاری ئه‌وه‌ی که پیناسه‌یه‌کی راست له‌ کیشه‌کانی گه‌ل نه‌کریت. هه‌روه‌ها جیاوازیه‌کانی ناسنامه‌یی ئێران به‌ هۆی نه‌ته‌وه‌گه‌رایي ده‌ولت — نه‌ته‌وه‌ به‌رده‌وام لێدانی مۆری نا‌ه‌وا په‌راویز خراون و سه‌رکوت کراون. ژنان له‌ هه‌رجۆره‌ ماف و ئازادی ب‌به‌ری کراون و دووچاری سته‌م و هه‌لاواردن بوونه‌ته‌وه. له‌ ئاکامدا به‌جیی پشت به‌ستن به‌ ریکاره‌کانی دیمۆکراتیک، به‌ چ‌رک‌دنه‌وه‌ی روانگه‌گه‌لی ئه‌منیبه‌تی و پێداگری له‌سه‌ر ئایدۆلۆژی ره‌سمی (که له‌گه‌ل بۆچوونه‌کانی مۆدێرنیته‌ی سه‌رمایه‌داری تیکه‌لاو بووه) کیشه‌کانی ناوخۆیی کۆمه‌لگاکانیان زیاتر کردوو.

به‌شی شه‌شه‌م

پرسه‌کانی سه‌باره‌ت به‌ دیمۆکراتیزاسیۆن له‌ ئێران

به‌ کورتی ده‌توانریت ریشه‌ی کیشه‌کانی ئیستاکی ئێران له‌ بواری دیمۆکراتیزاسیۆن به‌و ش‌ی‌وازه‌ی ژپ‌ره‌وه‌ له‌ چ‌ه‌ند فاکته‌ردا ده‌ستنیشان بکه‌ریت. ۱. ناوه‌ندگه‌رایي: ئیمپراتووری ئێران به‌تایه‌ت پاش سه‌فه‌وییه‌کان که‌وته‌ ژپ‌ر کۆنترۆلی سیاسه‌ته‌کانی ه‌پزه‌کانی ئه‌ورووپایی و له‌ناو ئه‌وانشدا به‌تایه‌ت بریتانیا. ئامانجی ئه‌و ه‌پزانه‌ ئه‌وه‌ بوو که گشتیه‌تی (کلیت) فه‌ره‌ه‌نگی و سیاسی رۆژه‌لاتی ناوه‌راست پارچه‌ بکه‌ریت تا به‌ ئاسانی بتوانن بیخه‌نه‌ ژپ‌ر کۆنترۆله‌وه‌ و پ‌پ‌ش‌ه‌وه‌ی هه‌مه‌لایه‌نه‌ی تپ‌دا بکه‌ن. له‌ قۆناغی جیاوازدا به‌شی جودا جودا له‌ ئیمپراتووری ئێران وه‌ک‌ ئه‌فغانستان، گورجستان، ئه‌رم‌نستان و ... به‌ کۆمه‌لپک په‌یماننامه‌ ه‌یدی ه‌یدی جیا ببوونه‌وه. له‌به‌ر ئه‌وه‌ش له‌ سه‌رده‌می په‌هله‌ويدا، هه‌ولدان کرا تا به‌ دروست کردنی ده‌ولت — نه‌ته‌وه‌یه‌کی به‌ه‌پز له‌ رووخان و له‌ناو چوون خۆیان زرگار بکه‌ن. برۆکراتیزمیکی زه‌به‌لاح دروست بوو که هه‌ر ش‌ت‌یک‌ی به‌ خۆیه‌وه‌ گرپ‌ده‌دا، هه‌موو سه‌ره‌له‌دانه‌کان

۳. نەبوونی ياساي بىچىنەيى ديمۆكراتىك: دەرەوى ھىندىك پىواژۇى كورت، دەرەفەتەك بۆ ئازادى رادەرپرېن و رىكخستن نەرەخساوہ. لەبەر ئەوہى ئەو ئازادىيانە لە لاينەن ياسايەكى بىچىنەيى ديمۆكراتىكەوہ كە لەسەر بنەماى رىككەوتنى گشتى پىكھاتىت، مسۆگەر و گارانتى نەكراون.

۴. توندوتىزى و ميليتارىزم: دەولەت — نەتەوہ، كاپىتالىسم و پىشەسازىگەرەبى وەك سى ھىمانى بنەرتى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى، بۆ سازدانى "مۆدېلى كۆمەلگەى يەكەست"، ھەمىشە، بەكارھىنانى سىياسەتەكانى توندوتىزى، ئىنكار و توندونەوہ بە بنەما وەرەگرىت. بە ھاتنى مودېرنىتەى سەرمايەدارى بۆ ئىران، بەتايبەت لە سەردەمى پەھلەوى و شەكلىگرتى دەولەت — نەتەوہى ناوہندىدا سىياسەتەكانى زەبروزەنگ، توندونەوہ بەكارھىندران و ئىستاكەش لە كۆمارى ئىسلامى ئىراندا بەردەوام دەكەن. ئامانچ ئەوہ بوو كە ھەموو گەلانى ئىران و گەلى كوردىش لەناودا، تىكەل بە فەرھەنگى نەتەوہى سەردەست بكرىن. لە جلوبەرگى گەلانەوہ بگرە ھەتا زمان، ئايىن و ئابوورى ھەمووى كارانە ئامانجى ھىرش و دەستدرىزى. دەولەت بە ميليتارىزە كردن، دروست كردنى كەش و ھەوای ئەمنىيەتى، بەكاربردنى توندوتىزى و زەبروزەنگ، رەوشى كىشەكانى كۆمەلەتەى ئالۆزتر كرد. دوورخستتەوہ بۆ جوغرافىيەى ھەندران و گۆرپنى پىكھاتەى نىشجىيانى ھەرئىمەكان؛ كۆچبەرکردن لە لادى و گوندەكانەوہ بۆ شارەكان؛ بەرپۆھەردى سىياسەتى تايبەت لە زىندانەكاندا؛ ئەشكەنجە و ئىعدام؛ سىياسەتگەلى توندونەوہى سەپىتراو لە رىگەى سىستەمى پەرورەدەيى و راگەياندنەكانەوہ؛ بىكارکردن و بەكارھىنانى قەدەغەكارى جوراوجۆر، ھەموويان نىشانەرى توند و تىزى و ھىرشن كە لە لاينەن دەولەتەوہ دژى گەلانى ئىران و بەتايبەت گەلى كورد ئەنجام دراو و ھىشتاش بەردەوامىيان ھەبە.

خاڭىكى گرىنگ ئەوہبە كە ھىمانەكانى مۆدېرنىتەى كاپىتالىستى و بەتايبەت

دەولەت — نەتەوہكان ھەموو شىواژىكى زەبروزەنگيان سەبارەت بە كوردستان و كوردان بەكارھىناوہ. راست نىيە كە ئەو كەدەوانە تەنيا بە ھىزە سەرەرۆ و ملھورەكانى فارس، تورك و عەرەب و دەولەت — نەتەوہكانى ئەوانەوہ گرئىدەين. تا ئەو كاتەى كە ھەژمۆنى ناوہندى كاپىتالىستى لە مەيدان نەبىت، ھىچ رپۆھەرىيەكى سەرەرۆ و ملھور يا دەولەت — نەتەوہبەك بە تەنيا ھىزى بەرپۆھەردى زەبروزەنگ بە ئامانجى لەناوبەردى نەتەوہبەكە نىيە. تا ئەو كاتەى كە پەرگال ئىزنى ئەو كەدەوہبە نەدات، لە ئەگەرى خواست و مەيلىشدا ناتوانىت كە پىكھىيەت. تەنانەت ئەگەر تواناكارىشى ھەبىت، ناتوانىت كە بە بەردەوامى ئەو كارە بكات.

لە پېيوستىيە كانى حاشاھەلنە گرى سياسەتى ديمۆكراتىك سازکردنى بەستىنى
 ۋە دىھانتى كەش ۋەھەۋاى سياسى كراۋەيە بۆ بەشدارىكردىنى ھەموان.
 ج. مودىلى رېگە چارەبىيەك كە پىژاك بۆ چارەسەرى پرسى كورد دەيخاتە بەرباس،
 نەتەۋەى ديمۆكراتىكە كە لە ھەموو چەشنە "دەۋلەت — نەتەۋە" گەرايى پاك
 كراۋەتەۋە. رېكارى نەتەۋەى ديمۆكراتىك لە " دەۋلەت — نەتەۋە" گەرايى رزگارى
 كراۋە و نەتەنيا بۆ كوردان بەلكوو بۆ تەۋاۋى كۆمەلانى ئەتتىكى و نەتەۋەيى
 ئىران جىگاي بىروا و متمانەيە. رېگە چارەكانى "دەۋلەت — نەتەۋە" گەرا، كە
 بە درىزايى مېژوۋى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى و لە ھەموو قۇناغەكانى پرسى
 نەتەۋەيى ۋەك تەنيا رېكار و رېگە چارە سەپپىران، مېژوۋيان ۋەك گۆمى خويىن
 ئېكردوۋە. دەۋلەت — نەتەۋە گەرايى، رېگاي چارەسەرى كۆتايى پېھتەنى كېشەكان
 نيىە؛ بەلكوو رېگاي قوۋلكردن، چىركردنەۋە و ھەلايىساندىنى شەپە تا بەو شىۋازە
 ۋە دېھپىنان و بەدەۋامى "بەھرە و قازانچ" مسۆگەر بكات. رېگە چارە و چارەسەرى
 قەيرانەكان ئەۋەبە كە ھەرسى كۆلەكەى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى (دەۋلەت —
 نەتەۋە، بەھرەى زېدە، پېشە سازىگەرايى) ۋىلابىزىن و ھېمانەكانى مۆدېرنىتەى
 ديمۆكراتىك (نەتەۋەى ديمۆكراتىك، ئابوۋرى كۆمەلەپەتەى كۆمىنال، پېشە سازى
 ئېكۆلۈيك) ۋەك جىگىرى ئەۋان پېكېيىن و سازبىكرىن.
 د. تەنيا رېگا بۆ ئەۋەى كە بتوانىن بە پشت بەستىن بە روانگەى ئاشتىخوازانە
 و سياسى، سەبارەت بە پرسى كورد لەگەل دەۋلەت — نەتەۋەى ئىران بگەينە
 رېگە چارە و چارەسەرى پرسەكە مسۆگەر بېيت، ئەۋەبە كە مافى گۆپان و بوون
 بە نەتەۋەى ديمۆكراتىك بۆ گەلى كورد و پىگەى رېۋەبەرى ئۆتۈنۆمى ديمۆكراتىك
 ۋەك ئەنجامى سروشتى ئەۋ مافە قەبوۋل بىكرىت (ئەۋ مافە بۆ گەلانى دېكەش
 بەھەمان شىۋە راستە). بۆ ئەۋەى كە ئەۋ رېگە چارەبە بتوانى گەشە بكات
 و پېشەبەۋىت، دەبېت ھەنگاۋ بەھەنگاۋ گۆرەپانى "دەۋلەت — نەتەۋە" گەرايى

بەشى ھەۋتەم

پىژاك و رېكارى نەتەۋەى ديمۆكراتىك

پارتى ژيانى ئازادى كوردستان (پىژاك) بۆ چارەسەرى پرسى كورد و پرسى گەلانى
 دىكەى ئىران، بە پشت بەستىن بە چەمك، تيورى و پرنسپىپەكانى چارەسەرى
 ديمۆكراتىك و بۆ پېشخستنى رېكارى نەتەۋەى ديمۆكراتىك تىكۆشان و خەبات
 دەكات. لەسەر ئەۋ بىنەمايە:
 ئا. "جىگىربوونى ئىران لە رەۋتى ديمۆكراتىزاسىيۇن" و "چارەسەرى ديمۆكراتىكى
 مەسەلەى كورد"، دوو روۋى يەك مېدالىۋىن كە بىيەك ئەنجامگىرناپن.
 ب. سياسەتى ديمۆكراتىك بەۋاتاي زەمىنى ئازادى كۆمەلگا، بابەتتىكى
 حاشاھەلنەگرە. سياسەتى ديمۆكراتىك بەستىنى چارەسەرى تەۋاۋى ئەۋ كېشانەى
 ئېستا و ھەروەھا ئەۋ كېشانە و ئالۇزىيانەن كە لە داھاتوۋدا روودەدەن.
 موزاكىرە و دىپلۇماسى ديمۆكراتىكىش لە چوارچىۋەى سياسەتى ديمۆكراتىكدا
 دەگونجىن. تەنيا لە ئەگەرى پېوشوئىنگىرى سياسەتى ديمۆكراتىكە كە ئازادى
 ئەندېشە، پارتىيە بەھرەمەند لە پىكھاتەى ديمۆكراتىك، دامەزراندنى سەندىكا،
 تەۋاونى و ھەرچەشەنە كۆمەلگاى مەدەنى ئازاد جىبەجى دەبېت. يەككىك

تەنگ و سنوورداتر بکریتەوہ و زەمین و مەیدانی کۆمەلگای دیمۆکراتیکش بەرینایی زیاتر پەیدا بکات. لەسەر ئەو بنەمایە سێسەتەمی کۆنفیدراڵیسمی دیمۆکراتیک بۆ ئاشتی و دیتنەوہی چارەسەری سیاسی یاریدەدەر و لەبارە. کۆسپی سەر ریگای ئاشتی و چارەسەری سیاسی، ئەو پرۆژە و سیاسەتەنەن کە لەسەر بنەمای فەرھەنگی لە لایەن دەولەتەوہ بە چەشنی شاراوہ دژی کوردان بەرپۆھ دەچیت. ئەگەر دەولەت لەو جوړە کردەوانە دەست ھەلگریت و قەبوول بکات کە ئابووری کۆمەلایەتی بە ئامانجی کەمکردنەوہ و سنووردارکردنی بەھرە، پێشەسازی ئیکۆلۆژیک و بەتایبەت نەتەوہی دیمۆکراتیک وەک ھێمانی مۆدێرنیتەتی دیمۆکراتیک، لەناو سێستەمدا بەجێ بکری و جێگە و پێگەیکە لە یاسای بنچینەیی دیمۆکراتیکدا وەدەست بخەن، رەوتی ئاشتی مایەندە و ریگەچارەیی سیاسی دەکردیترتەوہ.

ھ. لە چارەسەری دیمۆکراتیک پرسی کورد لە رۆژھەلاتی کوردستان و ئێران، یا پرسەکان لە ریگای ئاشتی و سیاسەتی دیمۆکراتیک و بە رییازی یاسای بنچینەیی دیمۆکراتیک چارەسەر دەکردیتر؛ کە لەو حالەتدا دەولەت — نەتەوہی ئێران نەتەنیا دەست لە سیاسەتی ئینکار و پاکتاوکردن ھەلدەگریت، بەلکوو پێناسەیی راستەقینەیی پرسەکە قەبوول دەکات و ریگەچارەکەیی لە یاسای بنچینەیی دیمۆکراتیکیی جیھانگیر (جھانشمول) دا دەدۆزیتەوہ. بەو شێوازە ھەم ناوەرۆک و ھەم رییازی یاسای بنچینەیی دیمۆکراتیک لەگەڵ موخاتەبان و لایەنەکانی پرسەکان دیار دەکات. ئەوہ ریگەچارەیکە کە یەکپارچەیی ولات ھەم وەک دەولەت و ھەم وەک نەتەوہ مسۆگەر دەکات. گۆرانکارییەکانی ریشەیی و دیمۆکراتیک دەسەپێنیت. وەک ریگەیی دووھەم، ئەگەر لەو ریگایە، سەرەرای لایەنگری گشتی بە زۆری بەرگری بکریت، ریگایەکی کە دەمیتێتەوہ ئەوہیە کە کۆنفیدراڵیسمی دیمۆکراتیکیی کوردستان بە شێوازیکی یەکلایەنە، حاکمیەتی

دیمۆکراتیکیی خۆی پیکھێنیت و بیاریزیت. گەلیک ھێمان بۆ پێشەرەوی سەرکەوتووانە لەو ریگایەدا ھەبە. پزاک لەبەر ئەوہی سازدان و پیکھێنایی نەتەوہی دیمۆکراتیکیی بەجێ نەتەوہگەراییی دەولەتی وەک سەردیپری ئامانجەکانی خۆی دەستنیشان کردوہ، بۆبەش: "ھەمیشە لایەنگری چارەسەری ئاشتیخوازانی پرسەکانە و بۆ گەفت و گۆ و موزاکیرە لەتەک دەولەت کراوہیە. بەلام ئەگەر لەو ریگایەدا سەرکەوتن وەدەست نەخات، دەتوانیت لەسەر بنەمای ھیزی زانی خۆی دیری بە چالاکیی و پێشەنگایەتی بۆ سازدان و پیکھێنایی نەتەوہی دیمۆکراتیک بەدات. چارەسەری دیمۆکراتیک لە روانگەیی پزاکوہ، دامەزراندنی دەولەت یا گۆرینی سنوورەکانی سیاسی ئێران نییە. بەلکوو بریتیبە لە: گۆردانی کوردان بە نەتەوہی دیمۆکراتیک.

و. رەھەندەکانی نەتەوہی دیمۆکراتیک بریتین لە:

۱) رەھەندی کۆمۆنی دیمۆکراتیک و تاک ـ ھاوولاتی ئازاد

یەکەمین مەرج بۆ گۆردان بە نەتەوہی دیمۆکراتیک ئەوہیە کە تاک ئازاد بێت و ئەو ئازادییە لەگەڵ کۆمۆن یا ئەو کۆمەلانی کە تێیاندا ئەندامە، لەسەر بنەمای سیاسەتی دیمۆکراتیک دەستبەر بکات. کاتیکی کە تاک — ھاوولاتی نەتەوہی دیمۆکراتیک لەگەڵ "دەولەت — نەتەوہ" لە قەوارەیکەیی سیاسیدا ژبان بکەن، پێناسەیکەیی ھێندیک بەرفراوانتر دەبیت. لەو دۆخە و لە چوارچۆیی "ھاوولاتی لەسەر بنەمای یاسای بنچینەیی"، بە ھەمان ئەندازەیی کە تاک — ھاوولاتی نەتەوہی دیمۆکراتیک، تاک — ھاوولاتی دەولەتیشە. مژاریکی کە لێرەدا گرینگی پەیدا دەکات ئەوہیە کە پێگەیی نەتەوہی دیمۆکراتیک بە رەسمی بناسریت. واتە ئۆتۆنۆمی دیمۆکراتیک، لە یاسای بنچینەیی نەتەوہییدا

وہك پینگەيەكى حقووقى بەجییکریت.

(۲) رەھەندى سياسى

خۆرپۆبەرى ديمۆكراتىك نیشاندى رەھەندى سياسىيە؛ واتايەيكى ديكەى ئۆتۆرىتە يا رپۆبەرى ديمۆكراتىكە. ناكريت نەتەوہى ديمۆكراتى بەجی رپۆبەرى زاتى بفرىن. ئەگەر كۆمەلگايەك لە رپۆبەرى زاتى بىبەرى بىت، لە شكلى نەتەوہ دەردەكەووت. لە راستىنەكانى كۆمەلایەتى سەردەمانەدا ناتوانریت نەتەوہيەكى بى رپۆبەرى خەيال بکەين. لەبەر ئەوہى كە بتوانين لە ناو قەوارىيەكى سياسى ھاوبەشدا لەگەل دەولەت — نەتەوہ ژيان بەسەربەرىن، خۆرپۆبەرى ديمۆكراتىك كەترين مەرجە، ھەلبۇزاردنئىكى كەتر لەوہ، بە واتاي چارەسەرى پرس نىيە، بەلكوو بە واتاي قوولكردنەوہى كىژەن و ئالۆزكردى دۆخەكە و پەرەپىدانى پىكھەلچوونەكانە.

رېكارى خۆرپۆبەرى ديمۆكراتىك بە دوو شپۆ بەرپۆبەدەچیت: رېگاي يەكەم، لەسەر بنەماى رېككەوتن لەگەل دەولەتە. ھالەتى بەرچا، لە چارەسەرى لەسەر بنەماى ياساي بنچىنەيى ديمۆكراتىدا خوى نشان دەدات. خۆرپۆبەرى ديمۆكراتىك، پەنسپىيىكى بنەپەتى ئەو مافەيە. مەرجەكانى سەرەتايى ئەو پەنسپىيە برىتين لە: دەولەتى حاكم لە ھەر چەشنە سياسەتتىكى ئىنكار و پاكتاوكردن دەست ھەلگریت و نەتەوہى بىندەستىش فكرى دامەزراندنى "دەولەت — نەتەوہ" ي تايەت بە خۆى ولاينيت. تەواوى رېگاکان دەرەوہى ئەو رېگايە، يا دەبنە ھۆكارى وەدرەنگ كەوتنى چارەسەرى كىشەكان و بەوشپۆبە قوولتر دەبنەوہ و بە بنەست دەگەن و يا ئەوہى كە تىكھەلچوونەكان چتر دەبیت و بەرەو پەرتوون و جياپوونەوہ دەپوات. مېژووى كىشەكانى نەتەوہيى، لياوانليو لە ئمونەى وەھايە. دووپەمىن رېگاي بەرپۆبەردنى رېكارى خۆرپۆبەرى

ديمۆكراتىك، برىتییە لە كردارىكردى يەكلایەنەى پرۆژەى خۆرپۆبەرى، بەجى ئەوہى كە پشت بە رېككەوتن لەگەل دەولەت بەستىت. لە دۆخىكى وەھا، بىشك شەر لەگەل دەولەتى حاكم كە ئەو رېكارە يەكلایەنەيەى گۆردان بو نەتەوہى ديمۆكراتىك قەبوول ناكات، چر دەبیت. لەو دۆخەدا كوردان لە ھەمبەرى ھېرشەكانى دەولەت تەنبا يەك رېگاچارەيان ھەيە. ئەويش سەفەربەرى و تەيار كردنى گشتىيە بو شەر و بەرەربەكانى لە مەر پاراستنى ھەبوون خۆيان و ژيانى ئازاد. تا گەپشت بە رېككەوتن يا وەدەست خستنى سەربەخۆيى بەراوردكر او لە درپژەى شەردا، رەوتى گۆردان بەرەو نەتەوہى ديمۆكراتىك بە ھەموو رەھەندەكانىيەوہ و بە پشت بەست بە ھىزى زاتى خۆى پىشەدەخات و وەدبەدەھىت.

(۳) رەھەندى كۆمەلایەتى

كوردان و شوناسە جياوازەكانى ديكەى ئىران لە چوارچىوہى نەتەوہى ديمۆكراتىكدا، "دامدووزگاكانى پەرورەدەيى، تەندروستى، وەرزشى و ھونەرى" خۆيان بەرفراوان دەكەنەوہ و گەشەيان پىدەدەن. ئەو كارە، سەقامگىرى يەكپارچەى نەتەوہى ديمۆكراتىك لەگەل خۆى دەھىت. لە پەرورەدەدا، پىكھاتەى چەند زمانى بەبنەما وەردەگریت. گەشەكردنى زمانى كوردى و زمانەكانى ديكە ھاوتەرىب لەگەل زمانى فارسى و بەكاربردنيان لە پەرورەدەدا، پەرەسەندن و دەولەمەندىيەكى واتادار لەتەك خۆى دەھىت. ئەگەر نەتەوہى ئىران وەك كۆى گشتى دەولەمەندىيەكانى ناسنامەيى ولات بەراورد بکەين، ئەو كاتە دەرەكەووت كە زۆربەى قەدەغەكارىيەكان و خەتە سۈورەكان ھەتا ئىستا، جۆرېك پىشداوہرى و ھەلسەنگاندنى ناپوخت و وشكى فكرى و موخافىزەكارى بوون كە لە ھەمبەرى پىشكەوتن و گەشەكردن كۆسپ و تەگەريان دروست

کردووه. به گه‌شه‌کردن و په‌ره‌سه‌ندنی ئازادانه‌ی زه‌مین‌ه‌کان و به‌ستینه‌کانی په‌روه‌رده، ته‌ندروستی، وهرز و هونه‌ر کوردان و ناسنامه‌جیاوازه‌کانی دیکه‌ی ئیران، پته‌وترین و توکمه‌ترین په‌کپارچه‌یی نه‌توه‌یی به‌ شتوآزیکي خوږه‌خشانه‌ پیڅده‌هینن.

ناستی ئازادی ژنان له‌ کومه‌لگادا، پټوانی هه‌لسه‌نگاندنی ئازادی کومه‌لگا و پټشکه‌وتنی دیموکراسی له‌و کومه‌لگایه‌دایه. له‌ ئیران، ژنان هه‌م له‌ لایه‌ن سیسته‌می ده‌سه‌لات و هه‌م به‌ هۆی نه‌رپته‌ کۆن و پاشکه‌وتوو‌ه‌کانی کومه‌لگا، به‌رده‌وام له‌ بن‌ زه‌خت و گوشاردان. پټکه‌هته‌ی ده‌سه‌لات و هپز، له‌ناو ده‌ولت و کومه‌لگادا سه‌رچاوه‌ی له‌ زه‌نیه‌تی پیاوسالاری رنک‌خست‌نکراو گرتوو. له‌ راستیدا ژنان کۆن‌ترین ژیرچه‌پوکه‌(کۆلۆنی) و کۆیله‌کانی ناو میژووون و سیسته‌می ده‌سه‌لات له‌سه‌ر بنه‌مای کۆیلايه‌تی ژن شکل‌ی گرتوو. له‌به‌ر ئه‌وه‌ش، ئازادی ژن، بنه‌برکردنی ده‌سه‌لاته‌ به‌ هه‌ر رهنگ و چه‌شنیکي که له‌ناو کومه‌لگادا بټت. له‌سه‌ر ئه‌و بنه‌مایه، ژنان چه‌نده له‌ لایه‌ن ده‌سه‌لاته‌وه‌ چه‌وسپندراونه‌توه‌ و بوونه‌ته‌ قوربانی به‌ هه‌مان ئه‌ندازه له‌ تیکۆشانی ئازادپه‌خوازانه له‌ هه‌مبه‌ری پټکه‌هته‌کان و سیمبۆله‌کانی ده‌سه‌لات پټشه‌نگن.

جوانان، پټشه‌نگایه‌تی سازدان و دارشتنی کومه‌لگای ئه‌خلاقى — سیاسى ده‌که‌ن. به‌لام هه‌میشه‌ ده‌سه‌لات هه‌ولیداوه، هپزی جوانان بۆ پاراستنی جینگه و پینگه‌ی خو‌ی به‌کاربه‌یتیت. جوانان به‌رده‌وام له‌ته‌که ئه‌و ره‌فتاره‌ی ده‌سه‌لات شه‌ریان کردوو و به‌ پشت‌به‌ستن به‌ هپزی زاتی خو‌یان به‌ ئامانجی ده‌سته‌به‌رکردنی مافه‌کانیان له‌به‌رانبه‌ری سیسته‌می ژرنتوکراسی، ده‌سه‌لات‌نگه‌را، ده‌وله‌ت‌گه‌را، کۆنه‌په‌رست و موخافیزه‌کار سه‌ریان‌ه‌لداوه. جوان، چالاک‌ترین و ئاکتیف‌ترین هپزی گۆران و وه‌رچه‌رخانی دیموکراتیک له‌ کومه‌لگادایه.

له‌ناو‌چووون و خه‌ساره‌کانی ژینگه له‌ سه‌رده‌می مۆدېرنیته‌ی سه‌رمایه‌داری

شپړه‌نچه‌یی بوونی شه‌ره‌کانی له‌ته‌که خویدا هپناوه. ژینگه‌ی ته‌ندروست بۆ به‌رده‌وامی ژبانی کومه‌لگا روژ به‌ روژ زیاتر له‌ناو ده‌چیت. له‌ به‌رانبه‌ری ئه‌و دۆخه، له‌ نه‌توه‌ی دیموکراتیکدا پټکه‌هته‌ی کومه‌لایه‌تی ته‌با له‌گه‌ل ژینگه له‌ هه‌موو کار و چالاکیه‌کاندا به‌ بنه‌ما وه‌رده‌گیریت. له‌گه‌ل هه‌ر شتیک که دژی ئیکۆلۆژی بټت و ژینگه له‌ناو به‌رټت، به‌ره‌به‌ره‌کانی ده‌کرټت. گه‌پشت به‌ پټکه‌هته‌یه‌کی شاری — لادیتی هاونا‌هه‌نگ و هاوده‌نگ له‌گه‌ل ژینگه، وه‌که پټداویسته‌یی‌کی ژبانی ده‌بیندرټت.

٤) ره‌هه‌ندی ژبانی هاوبه‌شی ئازاد

ژبانی کومه‌لایه‌تییه‌کی که له‌ناو په‌نچه‌ی نه‌رپته‌کانی نابه‌جټ و ناره‌وا‌ی مۆدېرنیته‌ی سه‌رمایه‌داریدا گرفتار بټت، ژبانیکه که ژنان له‌ودا کۆیله و بټ‌چاره‌ بوون. کۆیلايه‌تی ژن له‌ گشتی جیهاندا چر و قووله، به‌لام دژوارترین چه‌شنى کۆیله‌تی ژنی کورده. منالی زۆر که سه‌رچاوه‌ی له‌ نه‌زانی و نه‌بوونی ئازادی ده‌گرټت، نیشاندهری ئه‌و بابه‌ته‌یه. بټکاری و کۆیله‌تی به‌ حه‌قه‌ده‌ستی که‌مه‌وه، بۆ نفوسی په‌کچار زۆر ده‌گه‌رټه‌وه. له‌ هه‌مبه‌ری ئه‌و وه‌زعه‌دا، ئازادی ژن له‌ قۆناغی پینگه‌یشتنی نه‌توه‌ی دیموکراتیکدا خاوه‌ن گرینگیه‌کی ژبانییه. ژنی ئازاد بوو، له‌ واتای کومه‌لگای ئازاد کراوه. کومه‌لگای ئازاد کراویش هه‌مان نه‌توه‌ی دیموکراتیکه. په‌یوه‌ندی‌دار له‌ته‌که ئه‌وه ده‌بټت رولی نه‌رپتانه‌ی پیاو به‌راوه‌ژو(نخون) بکرټه‌وه و ئه‌و کاره‌ گرینگیه‌کی شو‌رش‌گیري هه‌یه. واته به‌ جټگای به‌رده‌وامی سوټ(نه‌سل) به‌ پشت‌به‌ستن به‌ ژن و حاکمیته‌ت و ده‌سه‌لات له‌ ژن پټکه‌هت، ده‌بټت هه‌نگاو به‌ره‌و پټکه‌یاندنی به‌رده‌وامی نه‌توه‌ی دیموکراتیک له‌ رټگای هپزی زاتییه‌وه هه‌لگیرټت. به‌و رټزه‌یییه‌ که ژن له‌ حاله‌تی کالایه‌کی جنسی ده‌رکه‌وټت، ده‌توانټت له‌ شوټنی دۆست و

ره فېڤىكى به نر خدا جىگه بگرېت. ژنيك يا پياويك ده بيت به گوږه پيداويستى، ده ست له په يوه ندىه كانى تىكرارى و دوو پاتېونه وه به ريدات، به لام به هيچ شيوازيك ده ست له تىكوشانى و ئهرك و روللى خوځى له كۆمه لگاي ئه خلاقى و سياسيدا به رنه دات. باشتين ژيانى هاو به شى ژن و پياو، له هه لومهرجى ئىستاكه و راستى كۆمه لايه تى ئىمه دا ته نيا كاتيك وه ديدىت كه له چالاكيه دژواره كانى سازدان و پىكېتپاننى نه ته وهى ديموكراتيدا سهركه وتنى مه زن و بلىند وه ده ستخسترايىت.

(۵) ره هه ندى ئابوورى

هوكارى نه بوونى ژيانى ئازاد له كۆمه لگاي كورددا زياتر له كۆنترۆلكردنى ژيانى ئابوورى كۆمه لگاكه ي له لايه ن ده ولته وه سه رچاوه ده گرېت. به و چه شنه ي كه دىلى و ئه سىرى ئابوورى، كراوه به خاوه ن باندۆرتين ئامىرى "نكوللى شوناس" و "بې به ريوون له ئازادى" بو كوردده كان. چه وساندنه وهى ئابوورى بو ئه وه يه ئه و دوخه به رسه ر تاكى كورددا به سپينن: "يا له حاله تى كۆمه لگا ده ركه وه يا به ر!"

خۆرپوه به رى ئابوورى، كه مترین ئاستى رېككه وتنه كه ده ولته ت — نه ته وه و نه ته وهى ديموكراتيك ده توانن پىيگه ن. ناوه رپوك خۆرپوه به رى ئابوورى به جوړيكه كه نه سه رمايه دارى كه رتى تايهت (خصوصى) به بنه ما وه رده گرېت و نه سه رمايه دارى ده ولته تى. له خۆرپوه به رى ئابووردا، جىگابه ك بو پيشه سازى، ته كنىلۆژيا، گه شه كردن و ئاودانى، ملكايه تى و نيشته جىيى شارى — لادىيى، دژى ژينگه و كۆمه لگاي ديموكراتيك نىيه. خۆرپوه به رى ديموكراتيك، مۆدېلېكه كه له وه دا به هره ي زېده و كه له كه ي سه رمايه داده خرېته ئاستى هه رى كه م. بازار، توجاره ت، ره نگا وره ننگى به ره هم، ره كه به رايه تى و راندمان رد ناكاته وه به لام

حاكميه تى به هره و كه له كه ي سه رمايه له سه ر ئه وان قه بوول ناكات. دياره كه به ستىنى ياسايى بو خۆرپوه به رى ئابوورى پىويسته. ناوه ندگه رايى هه يى له ياساي ده ولته ت — نه ته وه دا، له سه رناوى يه كپارچه يى حقوقى، له هه مبه رى خولقپنه رى ئابوورى، ئىكۆلۆژيك و ره كه به رايه تى له مپه ر دروست ده كات. له به ر ئه وه ش حقوقىكى ئابوورى پىويسته تاكوو ديارده ي بازارى نه ته وه يى رد و ئىنكار نه كات به لام دىناميزمه كانى بازارى خو مالى و ئابوورى ئوتونوميش له به رچاو بگرېت.

(۶) ره هه ندى حقوقى (ماف)

له نه ته وهى ديموكراتيكدا، مافى ديموكراتيك به بنه ما وه رده گرېت. مافى ديموكراتيك، مافگه ليكن كه پشت به جياوازيه كان ده به ستن. ئه و جوړه مافه، پىكها ته يه كى ساكارى هه يه و ئاماده كارى سامانه حقوقيه كانى ده ولته ت — نه ته وه كه پره له ورده كارى و كۆمه لگاي ئه خلاقى و سياسى له ناو ده بات، به بنه ما وه رناگرېت. نه ته وهى ديموكراتيك، زياتر له وهى كه نه ته وه يه كى حقوقى يىت، نه ته وه يه كى ئه خلاقى — سياسيه. كاتيك كه پريار بيت نه ته وهى ديموكراتيك له ته ك ده ولته ت له ناو قه وا ره به كى سياسى يا ژېر چه ترىكى سياسيدا به سه ربه رن، هه ست به پىويستى حقوق و ماف ده كرېت. ده بيت هه بوونى كوردان له بوارى ياسايه وه به ره سمى بناسرېت و دانى پيا بىرېت و به بنه ما وه رگرېت. له ئه گه رى وه دىنه هاتنى ئه و با به ته، مافى خۆرپوه به رى به شيوازى يه كلايه نه ده سته به ر ده بيت و تىكوشان ده كرېت تا پىگه ي خۆرپوه به رى ديموكراتيك له چوارچىوه ي ياساي بنچينه يى نه ته وه ييدا ده ستنيشان بكرېت. به رپوه بردنى خۆرپوه به رى ديموكراتيك له كوردستاندا، رپوه به ريه كى حقوقيه يى ده ولته تى نىيه. به لكوو رپوه به رى مۆدېرنيته ي ديموكراتيكه له ئاستى خو مالى و

هەرئیمیدا.

۷) رههەندی فەرھەنگی

نەتەوێ دیمۆکراتیک بە، بەخشینەوێ واتای راستەقینە بە تاریخ و فەرھەنگ، هەولەدات پیکھاتەیی خۆی داریژێت. مێژوو و فەرھەنگیکی کە دووچارێ چەواشەکاری بوون، لە رەوتی پیکھەشتن و سازبوونی نەتەوێ دیمۆکراتیدا دەژینەوێ. رێکاری نەتەوێ دیمۆکراتیک بۆ چارەسەری پرسێ کورد، بەر لە هەر شتێک بە پێناسەبەکی راست لە مێژوو و فەرھەنگی کوردەوێ گرێدراوێ. پێناسەبەکی راستی مێژوویی و فەرھەنگی، پێناسەبەکی هەبوونی کۆمەڵەبەتەوێ لەتە کە خۆیدا دەھێنێت. سازکردنی نەتەوێ دیمۆکراتیکی کورد، هەم لەگەڵ نەتەوێگەراییی دەوڵەت — نەتەوێ حوکمران و هەم لەگەڵ لێروانینەکانی (رویکرد) نەتەوێگەرایانە و دەوڵەتگەرایانە کوردی جیاوازی هەیە. لە بەرامبەردا، چەشنێک نەتەوێ ئالترناتیوێ کە خۆ دەسپێرێتە مێژوو و فەرھەنگی رەنجەدەران و گەلان.

۸) رههەندی ئەمنیەت و پاراستنی زاتی

پێویستیەکانی پاراستنی بیولوژیکی، لەلایەن ئاژۆکانی (غەریزە) پاراستن کە لە هەر گیاندارێکدا هەیە ئەنجام دەدرێت. لە پاراستنی کۆمەڵەبەتەوێ، هەموو تاکەکانی کۆمەڵگا بە شێوەیەکی هاوبەش پاراستنی خۆیان دەکەن. سیستمی پاراستنی زاتی کوردان لەو دووسەد سەلە کۆتایی و بە ھێرشێ مۆدێرنیتەوێ سەرمايەداری نەیتوانی بەتەواوی بەرپرچ بداتەوێ و بۆ جاری یەکەم هەبوونی کوردان کەوتە بن مەترسی لەناوچوون. کەمترین شەرت و مەرج بۆ پیکھەوێژیان لەگەڵ دەوڵەتەکان، ئەوێیە کە گارانتي لەسەر بنەمای یاسای بنچینەیی

بۆ پارێزوانی لە شوناسی زاتی و ژبانی ئازادی کوردان داوین بکریت. تەنیا گارانتي لەسەر بنەمای یاسای بنچینەیی تیرکەر نابێت؛ دەبێت بەو پیکھەوێ کە لە رێی یاساییەوێ داوین کردراون، ئاستی بەرچاوی بەرپۆھەوێ گارانتي ناوبراوە بەردەوام بەیگیری بکریت. هەموو کاروباری ئەمنی و ئاسایشی، دەرهوێ پاراستنی نەتەوێی هاوێبەش کە لە بەرانبەری ھێرشێ دەرهکیدا ئەنجام دەدرێت، دەبێت لەلایەن کۆمەڵگای کوردەوێ ئەنجام بدرێت. لەبەر ئەوێ کۆمەڵگایە کە بۆخۆی دەتوانێت بە باشترین شێواژ ئەمنیەتی ناوخوازی خۆ پیکھەوێت و بەگونجاوترین شێواژ پێداوێستیەکانی خۆی لەو بوارەدا داوین بکات. لەبەر ئەوێ دەوڵەتی ئێران دەبێت لە سیاسەتی ئەمنیەتی ناوخوازی کۆمەڵگای چاکسازی جیدی ئەنجام بدات.

۹) رههەندی دیپلۆماتیک

لە دیپلۆماسی دەوڵەت — نەتەوێکانی رۆژھەلاتی ناوہراست، نەتەوێکانی زۆلم لێکراو هەمیشە کەرسەتە و ئامێر بەکارھێنراون. لەبەر ئەوێ نەتەوێ دیمۆکراتیک بۆ پاراستنی هەبوون و ئازادی خۆی پێویستی بە خەباتی ئەرینی دیپلۆماتیک هەیە (ھەم لە ناوخوا و دراوسێکانیدا و ھەم لە ئاستی جیھانیدا). دیپلۆماسی نەتەوێ دیمۆکراتیک ئامێری جێگیر بوونی ئاشتی، دۆستایەتی، دانوستاندن و یەکگرتوویی ئیوان کۆمەڵگاکان و گەلانی جیران و دراوسێیە و چارەسەری کیشەکان لەتە کە خۆیدا دەھێنێت. ئەو چەشنە دیپلۆماسییە پشت بە نرخە پایەبەرزەکانی ئەخلاق و سیاسی دەبەستن. دیپلۆماسی نەتەوێ دیمۆکراتیک، لە چوارچێوەی مۆدێرنیتەوێ دیمۆکراتیکدا دەتوانێت لە ئیوان گەلان و نەتەوێکانی رۆژھەلات — کە دیپلۆماسی دەوڵەت — نەتەوێ ئەوانی بەرہو و قەیران و شەری گەورە بردوو — چارەسەرییەکی مایەندە بگێرێت.

کوردستان (کۆدار):

سیستهمی کۆدار به رهسمییهت دهناسیت و لهو سیستهمه دا ئەندامه. له پیناو پرهنسیپ و بنهماکانی کۆدار و هاوئاراسته له گهه ل سیاسهتهکانی، به شپۆزایکی سههر به خو هپلی پارتیی دیار دهکات و له سههر بنهمای بهرنامه و پهیرهوی خو له تهواوی گۆره پانهکاندا تیکۆشان دهکات.

۵- **ئامانجهکانی پارتی:** چارهسههری پرسى کورد له چوارچپوهی خو پۆیه بهری دیمۆکراتیک؛ پارێزوانی له نرخه پایه بهرزهکانی نهتهوهی دیمۆکراتیک و پارتی؛ په ره پیدانی ژيانى ئازاد و کۆمه لگای دیمۆکراتیک له رۆژه لاتى کوردستان و ئیران؛ تیکۆشان بۆ دابینکردنی ماف و ئازادیهکانی هه موو چین و توێژهکانی کۆمه لایهتی و بهر پیکهستن کردنی کۆمه لگای دیمۆکراتیک؛ تیکۆشان له هه مبههری زهنیهت و په یوه ندى سیاسى — کۆمه لایهتی سه رچاوه گرتوو له پیاوسالاری و خهبات بۆ بهرجهسته کردنی شوناسی ژن له کۆمه لگادا؛ په ره پیدانی په یوه ندىیهکانی دیمۆکراتیک له تهک گه لی کوردی نیشه جیتی به شهکانی دیکه ی کوردستان؛ تیکۆشان بۆ دروست کردنی په یوه ندى ئازادانه له گه ل گه لانی ئیران و هاوکاری له تهک بزووتنه وهکانی دیمۆکراسیخوازی ئیران، رۆژه لاتى ناوه راست و جیهان.

ئامانجهکان به رافه کراوی له بهرنامه دا گونجیندراون.

بهشی دووهه م: ئەندام بوون

۱- پیناسه ی ئەندام:

هه ر که سه ێک که بهرنامه و پهیرهوی پارتی و بنهماکانی په سه ند بکات و بهرپرسیاریتی به نه نجام گه یان دنیان وه نه سه تو بگریت و نه رکهکانی پئ سپیندراو به جوانی و ریک و پیکى نه نجام بدات، ئەندامی پارتی دهناسریت. بوونه ئەندامی

پهیرهوی پارتی

بهشی یه که م: پرهنسیپهکانی گشتی

۱- **ناوی پارتی:** به کوردی "پارتی ژيانى ئازادى کوردستان" و به فارسی "حزب حیات ازاد کوردستان" کورتکراوه که ی پژاک — PJAK ه

۲- **ئالای پارتی:** زه مینه که لاکیشه که نیوهی سه ره وهی سووره و نیوهی خوارپى سه وزه، له زه مینه ی سووردا نیوه خوړپک به ۱۵ تیشکی کورت و ۱۶ تیشکی بلنده وه جیگای گرتووه. وشه ی PJAK به تپیی لاتین له نیوهی سه وزدا به خه تیکى راست و رهنگی زهرد نووسراوه.

۳- **رپههری پارتی:** رپههری گه لی کورد عهبدو لا ئۆجالانی وهک رپههری خو ی قه بوول کردوو و مانیفیستی شارستانیهتی دیمۆکراتیک که نووسراوی رپههری گه لی کورده وهک مانیفیستی تیکۆشانى خو ی دهزاتیت.

۴- په یوه ندى له گه ل سیستهمی کۆمه لگای ئازاد و دیمۆکراتیکى رۆژه لاتى

پارتی بِنیاز و سهربهسته له بواری جیاوازییه کانی نهتهوهیی، فهرههنگی، جنسیهتی و ئایینی و شپۆزیکێ ئازادانه و دیمۆکراتیک ئه نجام دهگریت.

۲- تایبهتمه ندییه کانی ئه ندامان:

ئا. پێوانه کانی دیمۆکراتیک، ماف و ئازادییه کانی تاكه كه سی و گشتی به بنهما دهگریت و بۆ گه شه کردن و په ره پیدانیان له کومه لگا دا تیکۆشان دهکات.

ب. باوهری به مافه کانی دیمۆکراتیک و ئازادییه کانی تاكه كه سی و کومه لایه تی و پێوستی هاوته ربیی ئێوانیان ههیه و شیوهی سیاسه تی دیمۆکراتیک و ولتپارێزانه په سه ند دهکات و پیکیده هینیت. ئیراده ی کومه لگا به بنهما دهگریت و بۆ گه لآن ریز داده نیت.

ج. له تهك زهنیه تی ده ولتگه را، شه رخواز و ده سه لاتگه را به ره ره کانی دهکات و بۆ پارێزوانی، ئاوه دانکردنه وه و په ره پیدانی نرخه کانی کۆمۆنال و دیمۆکراتیکی گه لان و جیاوازییه کانی فهرههنگی، نه ته وه یی، ئایینی و ئایینزایی دیمۆکراتیکی کومه لگا چالاکي دهکات.

د. له هه مبه ری جنسیه تگه رای کومه لایه تی و ره نگدانه وه کانی له هه ر چه شنیك، تیکۆشان دهکات و په نسپیی په کسان (له سه ر بنه مای جیاوازییه کان) و ئازادی ژن و پیاو و عه داله تی کومه لایه تی به بنهما وه رده گریت.

ه. له هه مبه ری هه لواردن ئه تنیکی، ئایینی و چینه تی به ره ره کانی دهکات و ریز له شوناسی گه لان دهگریت.

و. پێوانه کانی ئه خلاق و ئازادیخوازان به بنهما دهگریت، راستگۆیه و خۆبه خشانه و فیداکاران له خه باتدا به شداری دهکات.

ز. له خه باتیدا، کار و تیکۆشان وهك عیباده تی ژیا نی ده زانیت و حورمه تی بۆ کار و خه باتی کهسانی دیکه ههیه.

ح. به دیسیلین، خۆلقینه ر و داهینه ره

ج. پابه ندی ئیکۆلۆژی و پارێزوانی ژینگه یه.

و. پابه نده به په نسپیی ره خه و ره خه دان

ه. ولتپارێزی وهك پێوانی بنه رتی په سه ند دهکات.

۳- مافه کانی ئه ندامان:

ئا. له مافی هه لپژاردن و هه لپژێردانی له هه موو ئاستیکی پارتییدا ههیه.

ب. له مافی راده ربرین، ره خه و پێشنیار له کۆرۆکۆبوونه ره سمیه کانی پارتی به هره مه نده.

ج. له چوارچۆیه ی رێسا کانی پارتیی، له هه مبه ری ره خه و تاوانبارکردن، مافی پارێزوانی له خۆی ههیه.

د. سه باره ت به چالاکیه کانی پارتی ده توانیت زانیاری وه رگریت و له گه ل ئه ویشدا مافی هه یه له تاك و ریکخواه کانی په یوه ندیدار روونکردنه وه بخوازیت.

ه. له مافی به شداریکردن له خۆلی په ره رده — به پیتی ده رفه ته کانی هه یی — به هره مه نده.

۴- ئه رکه کانی ئه ندامان:

ئا. بۆ کرداری کردنی ئامانجه کانی پارتی، خۆبه خشانه و به ئیراده یه کی پته و تیکۆشان دهکات.

ب. پارادایمی کومه لگای ئیکۆلۆژیک — دیمۆکراتیک — له سه ر بنه مای ئازادی ژن به بنهما وه رده گریت و ده وره یه یه کانی خۆی له سه ر ئه و بنه مایانه ئاگادار دهکاته وه.

ج. په سه ندرکراوه کانی پارتی ده خاته بواری کردارییه وه و به پیتی په یره و، پێوانه کان

و بىنەماكانى ئەخلاقى پارتى خەبات دەكات.

د. سىياسەت و تكتىكە ديارىكراوه كان له لايەن كۆنگره و مەجلىسى پارتىه وە پىكدىتت.

ه. له چالاکى و ژياندا دىسپىلنى پارتى به بىنەما وەردەگرىت.

و. ئەركەكانى ئەندامىتت به جىدەهيتت، سەبارەت به نرخه پايەبەرزەكانى گەل، به رىز و حورمەتەو رەفتار دەكات و بەرپرسىارپتتیهكى كه پارتى پىبسىپىرتت بى كەم و كورى پىكیدههيتت.

۵) ئەندامىتى و دەركەوتن:

ئا. كەسك كه بغوازپت بپتتە ئەندام، داخوازی خوۆ به شىوازی نووسراو ياخود زارهكى پىشكەشى يەكك له ئۆرگانەكانى پارتى دەكات. رىكخراوى پەيوەندىدار به تپهپرکردنى پلەبەندى(سلسله مراتب) پارتى له ماوهیهكى كورتدا ئەنجامى داخوازی بهو كەسەى كه سەردانى كردوو رادەگەهیتت.

ب. هەر ئەندامك بۆ دەركەوتن، دەپتت هۆكارەكانى به شىوازىكى نووسراو بدا بهو رىكخراوهى كه كارى تپدا دەكات. پاش هەلسەنگاندن و پەسەندکردنى مەجلىسى پارتى، هەنگاوى پتوىست هەلدەگىرىت.

بەشى سىيەم: پىكهاتهى پارتى

۱- كۆنگره:

ئا. بانترىن رىكخراوى پىرادەرى پارتى، كۆنگره به. كۆنگرهى پارتى هەر سى سال جارىك به بەشدارى لانىكەم دوو له سى نوپنەرانى هەلبژىردراو، دەبەسترتت.

ب. كۆنگره به پىارى دوو له سى ئەندامانى مەجلىسى پارتى و پەسەندکردنى

هاوسەرۆك پارتى دەتوانتت به شىوازی نااسايى بىهسترتت.

ج. ئەندامانى هەلبژىردراو له تەواوى رىكخراوهكانى پارتى به پى رىزى هەژمارى ئەندامانى رىكخراوهكان و له رى هەلبژاردنەوه، له كۆنگرهدا نامادە دەبن.

د. كۆنگره، سەبارەت به بەرنامە و پەيرەوى پارتى پىرار وەردەگرىت. سىياسەتەكانى گشتى پارتى ديار دەكات. كردەوه و پراكتىك و ئەنجامى پارتى هەلدەسەنگىتت و بەراوردى دەكات. ئەندامانى مەجلىس، كومىتەى دىسپىلن و هاوسەرۆكى پارتى هەلدەبژىرتت و چاوهدىرى خەباتى ئەوان دەكات.

ه. ئەگەر پتوىست بپت، بۆ هەلسەنگاندنى دۆخى سىاسى و وەرگرتنى پىرارگەلى گرىنگ دەرهوى گۆپىنى بەرنامە و پەيرەو، له ئەرك خستت و هەلبژاردنى ئەندامانى مەجلىس، دەتوانرتت كۆنفرانسى پارتى بىسترتت. كۆنفرانسەكان به پىشنىارى دوو له سى ئەندامانى مەجلىس و به پەسەندکردنى هاوسەرۆك پارتى پىكدتت.

و. رىكخراوهكانى پارتى دەتوانن كۆنفرانسەكانى تايەت به خۆيان به گۆيرەى پتوىستى به پەسەندکردنى مەجلىس و قەبوولکردنى هاوسەرۆكى پارتى پىكبهپتن.

ز. كۆنگره به بەشدارى زۆرىنەى ئەندامان، سى سال يكجار بەرپوهەدەچپت. كۆنگره، به پى داخوازی زۆرىنەى ئەندامانى مەجلىسى پارتى، به شىوازی نااسايى بەرپوهەدەچپت و يا شەش(۶) مانگ پاشدا دەكەوتت.

۲- هاوسەرۆكى پارتى:

ئا. هاوسەرۆك دوو كەسە(يەك ژن و يەك پىاو) كه له كۆنگرهدا به زۆرىنەى دەنگ له نيو كاندىدەكان هەلدەبژىردىن.

ب. ھاوسەرۆكى پارتى لە مەوداى نىوان دوو كۆنگرەدا لە ھەمبەرى مەجلىسى پارتى بەرپرسىيان و كار و خەبات و چالاكیەكانيان لە كۆبوونەوهكانى رەسمى مەجلىسىدا ھەلدەسەنگىندىت.

ج. لە بەرانبەرى كۆنگرە بەرپرسىيان، لە مەوداى نىوان دوو كۆنگرەدا نوێنەرايەتى پارتى دەكەن و سەبارەت بە كار و خەباتيان، راپۆرت پيشكەشى كۆنگرە دەكەن.

د. ھاوسەرۆك، بە گوێرەى پيداويستى كاروخەبات دەتوانىت چەندىن جىگر لە بەينى ئەندامانى مەجلىس ھەلبژىرت.

ز. سىياسەتەكانى كۆنگرە بە ھاوكارى مەجلىسى پارتى بەرپۆەدەبن و چاوەدێرى دەكەن.

ھ. كۆبوونەوهكانى مەجلىسى پارتى بەرپۆەدەبن.

و. لە ئەگەرى مردن، دەست لە كار كىشانەوه و نەبوونى تواناكارى ھاوسەرۆك لە بەئەنجامگەباندنى ئەركەكانيان؛ تا كاتى بەستنى كۆنگرە، مەجلىسى پارتى بە نوێنەرەتاتى، ئەركەكانيان بە جىدەھىت.

۳- مەجلىسى پارتى

ئا. لە مەوداى نىوان دوو كۆنگرەدا، مەجلىسى پارتى بانترىن رىكخراوى بەرپرسىيان لە بوارى خەبات و بىارداينەوهیە. مەجلىس لە لایەن كۆنگرەوه ھەلدەبژىردىت و راپۆرتى خەبات و تىكۆشانى خۆى پيشكەشى كۆنگرە و ھاوسەرۆك پارتى دەكات. مەجلىس لە بەرانبەرى ھاوسەرۆكى پارتى بەرپرسىيارە.

ب. مەجلىسى پارتى لە ۱۳ كەس لە ئەندامانى پارتى پىكدىت و لە لایەن كۆنگرەوه ھەلدەبژىردىت.

ج. مەجلىسى پارتى بەرپرسىيارىتى دياركردنى سىياسەتەكانى رۆژانە — تاكىتىكى و ھەروەھا كردارىكردنىيان، بەرپۆەبەردنى ھىلى كۆنگرە و ئامانجەكانى تۆماركراو

لەناو بەرنامەى لە ئەستۆیە.

د. لەمەر بەرىكخستىكردن، ئەنجامى چالاكیەكان و چاوەدێرى بەسەر ھەموو رىكخراوەكان و دامەزرارەكانى پارتىیدا بەرپرسىيارە.

ھ. مەجلىسى پارتى ھەر چوارمانگ جارىك كۆبوونەوهى خۆى ئەنجامدەدات. یا لەسەر داخوازى ھاوسەرۆكى پارتى یا بە پيشنیاىرەك لە سىئى ئەندامانى مەجلىس و پەسەند كردنى ھاوسەرۆكى پارتى، بە شىوازى ئاساى دەتوانى پىكپىت.

و. مەجلىسى پارتى، لە ئەگەرى ئەنجام نەدانى ئەرك و بەرپرسىيارىتى لە لایەنى ئەندامانىیەوه، دەتوانىت سەبارەت بە سنوورداركردن یا راوستاندنى ئەركى ئەوان ھەلوپىست بگرىت. بەلام تەنیا لە دانىشتنى كۆنگرە و كۆنفرانسدا، ئەرك و بەرپرسىيارىتيان لێدەستىندىتەوه.

ز. ئەندامانى مەجلىسى پارتى لە بەرامبەرى ھەموو گۆرەپانەكانى خەباتى پارتىیدا بەرپرسىيان و ھەموو چالاكیەكان و كارەكان رۆبەرى دەكەن.

۴- دامەزرارەكانى پارتى:

ئا. لقى ژنانى پۆاك:

لقى ژنانى پۆاك بە شىوازىكى خۆسەر خۆيان بەرىكخستى دەكەن. رۆلى پيشەنگايەتيان لە بوارى كردارىكردنى بەرنامە و ئامانجەكانى پارتىيان ھەيە. لە ھەمبەرى بەرەوپيشەردنى دروست و رىكويىكى ھىلى ئازادى ژن لە ناو گشتى رىكخراوەكانى پارتىیدا بەرپرسىيارە. لە ھەموو گۆرەپانەكانى ئىران و رۆژھەلاتى كوردستان تىكۆشانىكى ھەمەلایەنە ئەنجام دەدات. بۆ پەرەپىدانى ديمۆكراسى و تىپەراندنى زھنىيەتى پياوسالارى، ژنان بەرىكخستى دەكات.

ب. لقی جوانانی پڑاك:

جوانان وهك توپژى دىنامىكى كۆمه لگا، كارىگه رترىن هپزى به رو پيشبه رهندهى گۆرانكارىيه كانى كۆمه لايه تىن. لقى جوانانى پڑاك له چوارچپوهى ئامانجه كانى ديارىكراو له بهرنامهى پارتى و سىياسه ته كانى گشتيدا خه بات ده كن و رپكخستنى خو سه رى و تايه تى جوانان پيكده هپنن. له رپكخست و دامه زراندى ناوخوييدا خاوه ن ده ستپيشخه رىن.

ج. ناوه ندى راگه ياندى پارتى:

ئهو ناوه نده له چوارچپوهى ئامانجه كان، سىياسه ته كانى گشتى و بهرنامه كانى پارتيدا خه باتى راگه ياندىن بهرپوه ده بات. به ئامانجى رۆشه نگرى كۆمه لگا و بانگه شه بو بره و پيدانى مه رام و رپياز و ئامانجه كانى خه باتى ديمۆكراتىك له ئيران و رۆژه لاتى كوردستان تىكۆشان ده كات.

د. كومىتهى دىسپىلن:

ئا. كومىتهى دىسپىلن لانىكهم له سئ ئه ندام سه ره كى و دوو ئه ندامى جىگر پىكدىت و له لايه ن كۆنگرهى پارتى وه بو ماوهى سئ سال هه لده بژىردىن. په پره ويناوخوى كومىته ده نووسىت، بو په سه ند كردن پيشكه شى مه جلىسى پارتى ده كات و پاش په سه ند كردن به هه موو ئه ندامانى پارتى راده گه يه نىت. ۱) كومىتهى دىسپىلن له گه ل ئه وهى كه له برانبه رى بهرنامه و په پره وى پارتيدا بهرپرسياره، پيوشوئىنگىرى بهرپوه چوونى ناوه روكى بهرنامه و په پره وه كه ئه ركى ئهو كۆمىته يه.

۲) كومىتهى دىسپىلن داخوازييه كان، كيشه كان و هه له كانى دىسپىلنى ناوخوى پارتى چاره سه ر ده كات و برپاره كانى خوئى به ده نكى زۆرىنهى ئه ندامان

وهرده گرپت. له تهك هاوسه رووك و مه جلىسى پارتى هاوناهاه نكه و له برپاره كانيدا سه ره به خوئيه.

۳) ئه ندامانى كومىتهى دىسپىلن وهك هه موو ئه ندامان له بهرنامه رى هه موو ياساكانى ژيانى پارتى بهرپرسياره و هاوكات له گه ل خه باتى كومىته، پيويسته له هه موو گۆره پانه كانى خه باتى پارتيدا تىكۆشان بكات.

۴) حوكمه په سه ندىكراوه كانى كومىتهى دىسپىلن به راوپزكارى و هه ماهه نكى مه جلىسى پارتى، ده كه ونه بوارى كردارىيه وه.

۵) كومىتهى دىسپىلن له سه ر ئه ساسى لىكۆلئيه وهى پيويست و ئاوردانه وه و سه رنج به جوورى سه رپيچى، سه زاگه لىكى وهك هوشيار كردنه وه، راوه ستاندى ئه ندامىتى، ده وده رنانى ده مكورت يا هه ميشه يى په سه ند ده كات.

۶) ناپارازىيان به حوكمى كومىته، ده توانن نامهى ناره زايى خوئان بو پيداچوونه وهى دووباره به سه ر حوكمه دا پيشكه ش بكن.

پ. سه رپيچى له رپساكان:

۱) لادان له بنه ما ئه خلاقى و دىسپىلنىيه كانى پارتى، به جپنه هپنانى په پره و، هپنانه گۆرى باس و خواس و بره و پيدانى باه تى دژى خه تى پارتى، خراب يا بو بهرژه ونه ندى به كار هپنانى ماف و ياساكانى پارتى، به جپنه هپنانى حوكم و فه رماننامه كان و شلوئى و ناشه فاف كردنى روايى فه رماننامه و حوكمه كان، كه لكى نابه جى وهرگرتن له بهرپرسيارىتى و به كار بردنى هه رچه شه نه زه خت دژى ژن و رفتارى خراب له تهك گه ل، بنپىكردنى ياسا و رپساكان دپته ژمار.

۲) رپكخراوه كان و ئه ندامانى پارتى و كسانىتر له ئه گه رى بنپىكردنى بهرنامه و په پره وى پارتى دنپردرپنه كومىتهى دىسپىلن.

بەشى چوارەم:

رېساكانى رېكخستنى (ئايىننامەى رېكخستن)

(۱) رېساكانى رېكخستنى پارتى لەسەر بىنەماى كۆلېكتىۋىسىم، بەشدارى و رېۋەبەرى دېمۆكراتىك پېكھاتوون.

(۲) بەشدارى ۴۰% بۆ پىيا، ۴۰% بۆ ژن لە ھەموو گۆرەپانەكانى رېكخستنى پېۋىستە و بەشدارى يەكسان و بەرابەرى ژن و پىيا بە بىنەما وەردەگىرېت.

(۳) ھەموو رېۋەبەرانى پارتى لە رېگاي ھەلبۇاردنەو، دېنەسەركار و لادەبردېن.

(۴) لە ھەموو ھەلبۇاردنەكان و كاروبارى بەرپۆبەرىدا، دەنگى زۆرىنەى رېژەيى (نېسى) بە بىنېكردنى بۆچوونەكانى كەمىنە بە بىنەما وەردەگىرېت.

(۵) بۆ ھەلبۇاردنى رېۋەبەرانى رېكخراۋەكان، لە رېيازى دەنگدان شاراۋە كەلك وەردەگىرېت و ھەژماردنى دەنگەكان بە ئاشكرايىە.

(۶) ھەمووى رېكخراۋەكان لە ژوور بۆ ژېر ئەركدارن بە پېشكەشكردنى فەرماننامە و لە ژېر بۆ ژوور ئەركدارن بە پېشكەشكردنى راپۇرت. رېكخراۋەكانى ژوورېن لە

فەرماننامەكانىياندا، پېشنيار و بۆچوونەكانى رېكخراۋەكانى ژېرىن لەبەرچاۋ دەگرن. دەستوورنامەى بەشەكان و فەرماننامەى رېكخراۋەكانى ژوورېن بە مەرجى پارېزراۋ

بوونى مافى رەخنە، لە كاتى خۇيدا دەكەونە بوارى كردارىيەو.

(۷) گشتى رېكخراۋەكانى پارتى لە ماۋەى ديارىكراۋ و بەو چەشەنەى كە لە رېسانامەدا بەسەند كراۋ، سەبارەت بە بەرپۆبەردنى كۆبوونەۋەكانىيان ھەنگاۋ دەنېن.

كۆبوونەۋەكان بە بەشدارى لانىكەم دوو لە سېئى ئەندامان پېكدېت.

(۸) ھۆكارى حازر نەبوون لە دانېشتنەكان بە شېۋازى نووسراۋ بەر لە دەسپېكردنى كۆبوونەۋە، پېشكەشى رېكخراۋى پەيوەندىدار دەكرېت.

(۹) حازر نەبوون بە ھۆكارى نابەجى لە كۆبوونەۋەكاندا، بىنېكردنى رېساكانە. حازرنەبوون زيارتر لە دوو جار لەسەر يەك، لە لايەن كومىتەى دىسپېلېنەۋە سەركېشى

دەكرېت.

حل مسئله‌ی کورد در چارچوب خودمدیریتی
دموکراتیک و حفاظت از ارزش‌های والای ملت
دموکراتیک و نیز پیشبرد حیات آزاد و دموکراتیک
در شرق کوردستان و ایران از اهداف استراتژیک
پژاک به شمار می‌آید. تلاش برای تأمین حقوق
و آزادی‌های کلیه‌ی اقشار اجتماعی و سازماندهی
جامعه‌ی دموکراتیک و مبارزه با ذهنیت و روابط
سیاسی-اجتماعی ناشی از مردسالاری و مبارزه
جهت هویت‌یابی و آزادی زن در جامعه و همچنین
توسعه و پیشبرد روابط دموکراتیک با خلق کورد
ساکن در سایر بخش‌های کوردستان، تلاش
برای برقراری روابط آزادانه با خلق‌های ایران و
همکاری با جنبش‌های دموکراسی‌خواه ایران،
خاورمیانه و جهان، برای پژاک ارزش‌های راستین
مبارزه‌ای راسخ است که در راه تحقق آن از هیچ
تلاشی دریغ نخواهد ورزید.

